
داستان هایی ازپوشش و حجاب


بسم الله الرحمن الرحیم

داستانهایی از پوشش و حجاب

نویسنده:

علی میرخلف زاده

ناشر چاپی:

انتشارات محمد و آل محمد(ص)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

داستانهایی از پوشش و حجاب

مشخصات کتاب

سرشناسه : میرخلف زاده علی ۱۳۴۳ -عنوان و نام پدیدآور : داستانهایی از پوشش و حجاب / تالیف علی میرخلف‌زاده مشخصات نشر : قم انتشارات محمد وآل محمد صل الله علیه وآله ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری : ۳۱۹ ص. شابک : ۸۵۰۰ریال ۹۶۴-۵۶۹۷-۰۹-۳ : ؛ ۳۲۰۰۰ ریال(چاپ سوم) یادداشت : چاپ دوم ۱۳۸۰. یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس موضوع : داستان‌های مذهبی موضوع : حجاب رده بندی کنگره : BP۹/م۹۳د۱۵ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۸ شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۵۳۵۴۵

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم خداوند متعال دین مقدس اسلام را برای سعادت و خوشبختی انسانها نازل فرموده و عفت و پاکدامنی را با آفرینش زن بـه هم آمیخته و بـا آفرینش او صـلاح و خیر جـامعه را در نظر گرفته و طبعاً برای او سـهم به سـزایی مقرّر فرمـوده بلکه گـاهی به او نظر ویژه ای عنـایت کرده و قوانین مخصوصـی برایشـان وضع نموده و یـک سوره خاصـی را به نام سوره نساء در قرآن کریم نازل فرموده است. در سوره های دیگر قرآن، نیز کراراً به مسائل حیاتی بانوان پرداخته و به خاطر اختلاف میان دو جنس زن و مرد از نظر روحی و جنسی، قوانین ویژه ای بیان فرموده و مسئله حجاب و پوشش در رأ س و پیشاپیش آن قانون قرار گرفته شده تا عفت برونی زن با عفت درونی او هماهنگ گردد و بنیان خانواده مستحکم گردیده و زیبایی و دلارایی زن از آن همسـرش باشد و دیگران از آن بهره نگیرنـد. در قرآن مجیـد بسیار به مسأ له پوشـش و حجـاب اشـاره فرموده و این همه سـفارش و تأ کیـد به خاطر اهمیت داشـتن حجاب و پوشـش در زندگی زن است. مطلب قابل توجه این است که اسـلام دشـمنان بسیاری دارد و به خاطر از بین بردن این دین حاضر، دست به هر توطئه و کشتاری بزند تا اجتماع اسلام را از آن منحرف نماید. مردم مذهبی ما باید آگاه باشند که توطئه های استعمارگران و دشمنان اسلام همیشه به یک نحو نبوده و به خاطر تأ مین منافع خودشان گاهی به قتل و غارت و گاهی با اشـغال نظـامی و زمانی به تاراج اقتصادی دست میزد، ولی امروز اسـتعمار جدیـد و نو دین و عقایـد و آداب و فرهنگ ملتها را مورد هـدف قرار داده و در صـدد تحقیر و از هم پاشـی آن بر آمده و به این صورت فرهنگ مبتذل خودش را بر مردم تحمیل نماید، و در صورت موفقیت علاوه بر بردگی فرهنگی و سـلطه سیاسی و تاراج اقتصادی و عوارض نامطلوب اجتماعی و در یک کلام سلطه همه جانبه اسـتعمار مردم را از خدا و دین و ولایت منحرف نماید. دشـمنان اسـلام به قانون حجاب ایراد گرفته اند و در پوشش طرفداری از مقام زن، حجاب را نوعی تحقیر و پائین آوردن شخصـیت زن قلمـداد نموده انـد و گفته انـد که زن در حجاب نوعی محـدودیت است و نمی گـذارد آنطور که شایسـته است به کمال و رشـد و ترقی برسد. این یاوه سـرائیها از این افراد منحرف عجیب نیست، زیرا که این به صلاح طرفداران آزادی زنان، به عمق و حکمت قانون حجاب پی برده اند، ولی به علت داشتن سوء نیت خواسته اند که با جلوه دادن نظریات پلیدشان زنان را از داشـتن حجاب بر کنار نمایند که ما به فضل و عنایات خدا و امام زمان علیه السلام آنها را در این کتـاب رسوا کرده ایم. آنهـا میکوشـند در وسائـل ارتبـاط جمعی مختلف، از قبیـل مجلات، رادیو و تلویزیون و ماهواره و غیره... پوشش و حجاب زنان را زیر سؤال قرار دهند و توجیح نمایند و آئین حجاب را زشت جلوه دهند و در نتیجه زنان را به فساد و تباهی بکشاننـد، لیکن در برابر این نوع تبلیغـات زهرآگین بر زنان مسـلمان واجب است که به حجاب پایبنـد باشـند، و این دسـتور مقـدس اسـلام را قولاً و عملاً در همه جا تبلیغ نمایند. مردم مسـلمان ایران هوشیار و بیدار باشند و عمق فاجعه را متوجّه گردند، زیرا استعمار از هر طریقی که خواست به این نظام مقدس اسـلامی ضـربه وارد کند همانطوری که عرض کردم با جنگ و فشارهای اقتصادی و... با شـکست مواجه گردید ولی امروز استراتژی اسـتکبار جهانی با ترویج فرهنگ فساد و بدحجابی در بین زنان و دختران بدین وسیله

میخواهـد جوانان ما را از معنویت و روح ایمان دور و زمینه گرایش به مظاهر مبتـذل غرب را به ما تحمیل نمایـد تا به تدریـج جامعه اسـلامی را از درون بپوشانـد. این کتـاب کوشـش مختصـری از منـافع و خوبیهـای پوشـش و حجـاب و زیانهای مفاسـد بی حجابی و بدحجابی را به صورت داسـتان بیان میکند تا رفع شبهات و روشنگری بانوان تحصیل کرده گردد. این اوراق را به ساحت قدس عالم امکـان امـام زمـان (عـج) هـدیه مینمـایم و ثواب آن را به روح شـهدا و علمـاء دین و خـدمتگزاران به دین و قرآن و مملکت و امـام راحلمان (ره) و برادر شـهیدم شـیخ احمد میرخلف زاده نثار مینمایم. و سـلامتی امام زمان و ملّت ولایی و رهبر عزیز انقلاب اسلامی را از خداوند متعال خواستارم. قم مقدسه: ۱۴/۱۲/۷۸ حقیر درگاه حق علی میرخلف زاده

حجاب فرمان خداست

حجـاب فرمـان خـداست و پروردگـار متعـال در قرآن کریم در مورد واجب بودن حجـاب و حـدود آن در پنـج آیه صـریحا دسـتور فرموده، ولی در مورد حفظ عفّت و پاسـداری از حریم آن در قرآن بیش از ده آیه وجود دارد. (که در کتاب حجاب و عفاف بحث خواهـد شـد، انشـاءاللّه.) آیـاتی که به طور صـریح اصـل حجاب را برای زنها واجب و لازم و ضـروری دانسـته پنـج آیه میباشـند که عبارتند از آیه ۳۰ سـوره نور، و آیه ۵۹ و ۵۳ و ۳۳ و ۲۳ سوره احزاب که به ترتیب به بررسـی آنهـا میپردازیم. در آیه ۳۰ سوره نور میخوانیم: ای پیامبر! به بانوان با ایمان بگو چشـمهای خود را (از نگاه کردن به نامحرمان) فرو بندنـد و عورتهای خود را بپوشاننـد، و زینت های خود را جز آن مقداری که نمایان است، آشـکار نسازند و با روسری و چادر، سر و گردن و سینه و اندام خود را بپوشانند و زینت و (برجسـتگیهای اندام) خود را هم از زیر چادر ظاهر نکنند، مگر برای شوهرانشان و پدرانشان وپدرشوهرانشان و پسـرانشان و پسـران همسـرانشان و برادرانشان و پسر برادرانشان و پسـران خواهرانشان و زنانِ هم مـذهبشان و کنیزانشان و مردانیکه به هر دلیل تمـایلی بـه زن ندارنـد و کودکـانی که از امـور جنسـی بی اطلاعنـد (غیر از ممیّزین). و پاهـای خـود را به زمین نکوبنـد تـا زینتهـای پنهانشان ظاهر شود و همگی به سوی خدا توبه کنید ای مؤمنان، باشد که رستگار شوید. (۱)

حجاب در کتاب آسمانی

دومین آیه ای که بر وجـوب رعـایت حجـاب برای زنـان در برابر نامحرمـان، دلالـت صـریح میکنـد، آیه ۵۹ سـوره احزاب است که میخوانیم: ای پیغمبر! به همسـران و دخترانت و بانوان مومن بگو: با روپوشـها و روسـری ها و چادرها و جلبابها خود را بپوشانند. زیرا این کار (چادر پوشـیدن) موجب میشود که بهتر به عفت شـناخته شوند، و مورد آزار و تعرض هوسرانان قرار نگیرند. (و اگر تاکنون خطـا و کوتـاهی از آنهـا سـر زده توبه کننـد، زیرا) خـدا همواره آمرزنـده، و مهربـان است. این آیه نیز به اصـل وجوب حجاب برای بانوان، تصریح نموده است و در پایان به یکی از فلسفه های حجاب که عدم آزار از ناحیه مزاحمها است اشاره کرده است. می توان گفت: این آیه در قرآن جـامع ترین آیه در حفـظ حجاب و حریم عفّت است، به خصوص با توجه به آیه قبل از خود، و آیه بعـد که شدیـدترین هشـدارها را بـه متجـاوزین حریـم عفّـت داده اسـت. در این آیه دو مطلب در مـورد حجـاب هست که بـا بررسـی آن دو حقیقت مطلب آشکار میگردد، یکی آنکه منظور کلمه یُدنینَ چیست و دوم آنکه منظور از جلباب چه میباشد؟ یُدْنِینَ در اصل از دُنُوّ به معنی نزدیـک کردن است، منظور از آن در این آیه این است که زنـان بایـد لبـاس حجـاب مثلاً ـ چـادر را از خود دور نسازنـد، و صورت و بدن خود را به وسیله آن بپوشانند. علاّمه شهید مطهّری در توضیح این مطلب مینویسد: استفاده: زنان از روپوشهای بزرگ که بر سـر افکنده اند، دو جور بوده است، یک نوع صرفا جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است، همانگونه که در عصر حاضر بعضی از بانوان چادری را میبینیم که چادر داشـتن آنها صـرفا جنبه تشـریفاتی دارد، با چادر هیـچ جای بـدن خود را نمی پوشانند، بلکه آن را رها میکنند، وضع چادر بر سر کردنشان نشان میدهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان نامحرم نیستند، و از اینکه مورد بهره برداری

چشمها قرار بگیرند، امتناعی ندارند. نوع دیگر بر عکس بوده و هست، زن آن چنان با مراقبت لباسها و چادر خود را میگیرد و آن را رهـا نمی کنـد که نشـان میدهـد که اهل عفاف و حفاظ است، و این کار نیز خود به خود آژیر دور باشـی برای دزدان ناموس ایجاد میکند و ناپاك دلان را مایوس میسازد) نتیجه اینکه جمله یُدنینَ بیانگر آن است که ازپوشـش باید به صورت صـحیح اسـتفاده شود، وآن را جّدی گرفت، نه صوری وتشـریفاتی، و گرنه چه بسـا بعضـی ازپوششـها حتّی مثـل چـادر به خـاطر رهـا نمودن آن، همچون ویترینهای مغازه ها، هیجان انگیزتر شده، و نبودش بهتر از بودنش است. جمله جلباب جامه گشادی است که از روسـری بزرگتر و از عبـا کوچکتر است. و یـا پیراهن و یـا جـامه ای گشاد و بزرگی است که از ملحفه، (ملافه یا روپوش بزرگی هماننـد چادر است) که زنان به وسیله آن (بنا به تفسیر المیزان) صورت و گردن و جامه های خود را میپوشانند... نتیجه اینکه آیه مذکور میگوید: زنان باید با پوششـی گشاد و وسیع سـر و سـینه خود را (تا پا) به خوبی بپوشاننـد، به گونه ای که موجب تهیج هوسـبازان، و به دنبال آن مورد مزاحمت آنها قرار نگیرنـد، بنابر این زنان مسـلمان، براساس این آیه، نبایـد با لباسـهای چسـبان، در برابر چشم مردم ظاهر شوند. (۲) اصلاً: فلفسه حجاب و پوشش، بیشتر از اینرو است که باعث تهیج مردان و جوانان و فساد و گسترش فحشا نگردد.

حجاب در قرآن

سومین آیه ای که حجـاب را برای عموم بـانوان واجب و ضـروری دانسـته آیه پنجـاه و سه سوره احزاب است که فرموده: هر گـاه از زنـان (پیـامبر) متاعی یا چیزی را از وسایل زنـدگی خواستیـد از پس پرده و حجاب بخواهیـد زیرا این کار برای قلبهای شـما و ایشان پاك و پاکیزه و بهتر است. این آیه نیز اختصاص به زنان پیامبر دارد زیرا یکی از فوائد حجاب عدم ارتباط غیر ضروری زن و مرد را متـذکر میشود. چهـارمین و پنجمین آیه حجـاب، آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب است که میخوانیم: ای همسـران پیـامبر شـما مثل زنهای معمولی نیستید، تقوا پیشه کنید، و به طور هوس انگیز حرف نزنید تا بیمار دلان در شـما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید و در خانه هـای خود بمانیـد و مثـل دوران جـاهلیت میـان مردم ظاهر نشویـد. دو آیه فوق گرچه خطاب به زنان پیامبر اکرم صـلّی الله علیه وآله وسـلّم است، ولی بـانوان دیگر نیز در حکم و معنـا بـا آنها شـریک هسـتند، و راز خطاب به آنها به خاطر الگو قرار دادن آنها است و بخاطر تاکید بیشتر است. مثلاً بقول خودمان به در میگویند که دیوار بشنود، والاّ بانوان پیغمبر مبرّا هستند... در آیه نخست به یکی از دسـتورهای حفظ حریم عفّت دسـتور داده شده که زنان با نازو کرشـمه و صدای نرم و تهیج انگیز سـخن نگویند، تا کسانیکه دلشان بیمار است به طمع هوسـهای جنسـی بیفتند، بلکه به خوبی و شایسـتگی سـخن بگویند. در آیه دوم سخن از حجاب و پوشش به میان آمـده و بیانگر آن است که برهنگی و رعایت نکردن حجاب از شـئونات عصـر جاهلیّت بوده و شـما باهتك حریم حجاب، جاهلیت دیگری بوجود نیاوریـد. واژه تبرج در گفتار اهل لغت به معنی (خود نمایی و جِلوه گری است. در لغتنامه مصـباح المنیر آمـده: تبرج زن یعنی: زن زینتهـا و زیباییهای خود را برای نامحرمان ظاهر سازد و در لغتنامه العین آمـده: زنی که زیباییهای گردن و چهره اش را به نامحرمـان نشـان دهـد تـبرّج نمـوده است. منظور اینکه این آیه به بـانوان تاکیـد میکنـد که حریم حجـاب و عفّت خود را حفظ و زیباییهـای انـدامشان را ظـاهر نسازنـد، و از خودنمـایی و جلـوه گری به طـور جـدّی خـود داری نماینـد و جـاهلیت دیگری همچون جاهلیت عصـر پیامبر صـلّی الله علیه وآله وسلّم را که زنان در آن هنگام رعایت حجاب نمی کردند و با جلوه گری در برابر دیدگان هوس آلود مردان ظـاهر میشدنـد به وجود نیاورنـد. بنابر این در منطق قرآن، بی بنـد و باری زنان، و بی حجابی و بـدحجابی آنها، نه تنها تمدّن و نشانه ترقی و رشد نیست، بلکه یک نوع واپس گرایی و جاهلیت و پستی است و باید به شدّت با آن مبارزه نمود. نتیجه اینکه زن مسـلمان و پیرو قرآن و شـیعه و اهلبیتی و ولائی، در گفتار و رفتار و لباس پوشیـدن، نباید در نزد نامحرمان خود را برجسـته نشان دهـد و موجب جلب توجّه آنها به خود گردد، و اگر خود را برجسـته و جالب نشان دهد، مثل زنان جاهلیت رفتار کرده که در کوچه و بازار به گونه ای راه میرفتند که نامحرمان را به سوی خود جلب کرده و به دنبال خود میکشاندند. (۳)

حجاب و عفت

در قرآن، غیر از این پنج آیه ای که صراحتا بر وجوب حجاب داشت و ذکر شد، آیات متعدد دیگری وجود دارد که مفهوم آنها بر واجب و ضروری و لازم بودن حجاب دلالت میکند و در مورد آنانکه حریم حجاب و عفاف را رعایت نمی کنند و یا زمینه ساز برای تهیّج هوسهای آلوده و هر گونه بی عفّتی هستند هشدار میدهد و اخطار میکند، و به طور کلی پیام دهنده آن است که هر گونه بدحجابی که موجب فساد و انحراف جنسی و آلودگی، چشم چرانی و امور خلاف عفّت گردد، از نظر اسلام ممنوع است. مثلاً خداوند متعال در سوره ۳۱ سوره نور به پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمان میدهد که به زنان با ایمان بگو حجاب خود را رعایت کنند و میفرماید وَ لایَضْرِبْنَ بِاَرْ جُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ ما یُخْفِینَ مِنْ زِینَتِهِنَّ باید بانوان، طوری راه نروند تا زینت پنهانیشان آشکار شود. منظور از این آیه، این است که نباید بانوان در هنگام راه رفتن، پاهای خود را چنان بر زمین بکوبند که صدای خلخالهایشان به گوش برسد و همچنین به گونه ای با (طق و طوق) راه نروند که زینت های مخفی آشکار گردد این باریک بینی اسلام برای حفظ حریم عفاف جامعه است. این مطلب بیانگر آن است که اسلام به قدری در مورد حفظ حریم عفت، پافشاری میکند که حتی اجازه چنین کاری را نمی دهد، بنابر این به طریق اولی انجام هر گونه عواملی را که آتش شهوت جوانان را شعله ور میسازد اجازه نخواهد داد. نتیجه اینکه: هر گونه نشر عکسها، رمانهای عشقی و فیلمهای تحریک آمیز و نشان دادن صورت و دستهای آرایش شده و بَزَکْ کرده و لاک مالیده ممنوع است، و مردان و زنان باید از هر گونه عواملی که در آن (ریبه) است یعنی ترس سوق دادن به سوی انحراف جنسی و تهیّج هوسهای آلوده است پرهیز نمایند. بنابر این اگر چهره زنان هم در بعضی از موارد موجب بر انگیختن هوسهای آلوده گردد، باید از آشکار کردن آن پرهیز نمود. (۴)

حجاب از نظر پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم

حضرت رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم در ضمن گفتاری فرمود: دو دسته اهل دوزخ هستند و حتی بوی بهشت (که تا پانصد سال راه به مشام میرسد) به مشام آنها نخواهد رسید. ۱-ستمگرانِ تازیانه به دست که با تازیانه مردم را بی خودی میزنند. ۲-زنان بدحجاب و برهنه ای هستند که با زرق و برق، خود را به مردم نشان داده و هوسهای آنها را به سوی خود جذب میکنند، موهای سرشان همچون کوهانهای شتر سبکسر عربی است. (۵) و فرمود:زنی که از خانه اش در حالی که خود را آراسته و بزک کرده و عطر زده (بی آنکه پوشش اسلامی را رعایت کند) خارج گردد، و شوهرش به این کار راضی باشد. (گناه آن به قدری بزرگ است که) برای هر گامی که آن زن در بیرون خانه برمی دارد، خانه ای در دوزخ برای شوهرش ساخته میشود. (۶) و نیز فرمودند: زن بی حفاظ، آسیب پذیر است، هر گاه از خانه (بدون حجاب) خارج شد، شیطان او را احاطه میکند و در چشم انداز نفوذ شیطان قرار میگیرد. (۷) و نیز فرمودند: با خواندن سوره نور (و توجّه و عمل به دستورهای آن) زنان خود را (از بی عفتی و دوری از حریم حجاب) حفظ کنید. (۸) و نیز فرمودند:زنی که خود را برای دیگران خوشبو کند او خود در آتش است و ننگ محسوب میگردد. (۹) و نیز فرمودند: وقتی زنی در جائی بنشست و از آنجا برخاست نباید مردی در آن مکان بنشیند تا آنکه گرمی آن از بین برود و سرد شود. (۱۰) ونیز فرمودند: هرکس بازنی که محرم او نیست مصافحه کند غضب حق تعالی رابرای خود خریده است. (۱۱) و نیز فرمودند:هر کس بطور حرام با زنی مصافحه کند یعنی به او دست بدهد روز قیامت درغّل و زنجیر بسته و سپس به آتش انداخته خواهد شد. (۱۲) و نیز فرمودند: برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه اش لباسهایش را به خودش بچسباند که برجستگی های اندامش از بیرون ظاهر گردد. (۱۳) پیامبر خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمودند: یا فاطمه هر زنی که خود را زینت کند و لباسهای زیبایش را بپوشد و از خانه خارج شود که مردم به او نگاه کنند، ملائکه آسمانها و زمینهای هفتگانه او را لعنت

میکننـد و پیوسته مـورد غضـب الهی است و اگر بمیرد دسـتور داده میشـود او را بسـوی آتش جهنم ببرنـد. (۱۴) و نیز فرمودنـد: ای سلمـان در آخر زمـان مردهـا به مردهـا وزنها به زنها بسـنده کننـد، لواط رایـج میشود و هم جنس بازی فراوان گردد و آثار شوم آن ماننـد مرض ایـدز دنیا را فرا میگیرد و مردها شبیه به زنها و زنها شبیه به مردها میشونـد و زنان و دختران سوار زین (مانند دوچرخه و موتور) میشونـد، بر اینگونه زنـان از امت من لعنت خـدا باد. (۱۵) و نیز فرمودند: در آخر زمان زنها پوشـیده و برهنه هسـتند (لباسـی میپوشـند که در ایجاد فساد با برهنه بودن تفاوتی ندارند، یعنی برجسـتگی های اندامشان از زیر لباس ظاهر است). روسری هایشان را مثل کوهان شتر درست میکنند، لعنت کنید ایشان را که آنها ملعونند. (۱۶) حضرت رسول صلّی الله علیه وآله وسلّم خطاب به حولاء همسـر عطاره، میفرماینـد: ای حولاـء زینت خود را برای غیر شوهرت آشـکار نکن و برای زن جـایز نیست مـچ و پایش را برای مرد نامحرم آشـکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شـد. اول اینکه: خداوند سـبحان همیشه او را لعنت میکند. دوم اینکه: دچار خشم و غضب خداونـد بزرگ میشـود. سوم اینکه: فرشـتگان الهی هم او را لعنت میکننـد. چهـارم: عـذاب دردنـاکی برای او در روز قیـامت آمـاده میشـود. ای حولاـء هر زنی کـه به خداونـد سـبحان و روز قیـامت ایمـان دارد زینتش را برای غیر شـوهرش ظـاهر نمی کنـد و همچنین موی سـر و مـچ خود را نمایـان نمی سازد و هر زنی که این کار را برای غیر شوهرش انجام دهـد دین خود را فاسـد کرده و خداوند را نسبت بخود خشمگین نموده است. (۱۷)

حجاب از نظر علی علیه السلام

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در ضمن فرمایشاتشان به فرزندش علیه السلام میفرماید: در مورد حجاب بانوان سختگیر باش، چرا که رعـایت حجـاب به طور جـدّی و محکم، زنـان را به سالمتر و پاکیزه، حفظ خواهـد کرد. (۱۸) و نیز فرمودند: پوشـیدن لباس ضخیم بر شـما لاـزم است، زیرا کسـی که لباسـش نـازک و بـدن نمـا باشـد، دینش نیز ضـعیف و نازک است. (۱۹) و نیز فرمودنـد: شوهری که از همسـرش اطـاعت کنـد، خداونـد او را از جـانب صورت به طور واژه گونه وارد دوزخ گردانـد. شخصـی پرسـید: این اطـاعت که موجب چنین مجـازاتی است کـدام اطاعت است حضـرت فرمودنـد: زن از او میخواهـد که بـا لبـاس نازک (به مراکز پر جمعیت ماننـد) حمّامها و عروسـیها و مجالس ترحیم برود، و شوهرش، به او اجازه دهـد و از سـخن او اطاعت کنـد. (۲۰) (زیرا عدم کنترل این قبیل مراکز عمومی با موازین شـرعی و اخلاقی، جایگاهی برای فساد خواهد شد) و نیز فرمودند: پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم نهی کرد، زنی را کـه برای غیر شـوهرش آرایش نمایـد و اگر چنیـن کنـد بر خداونـد سـزاوار اسـت کـه او را در آتش دوزخ بسوزاند. (۲۱) امیرمومنـان علی علیه السـلام در یکی از فرمایشاتشان به همین مطلب اشاره و نیز فرمودنـد: در آخرالزمان که بـدترین زمانها است، زنان بی حجاب و برهنه آشـکار میشونـد که با زینت و آرایش بیرون میآینـد، آنان از مرز دین خارج شده اند و در فتنه هـا وارد گشـته انـد و به سوی شـهوتها تمایل و شـتاب دارنـد، حرامها را حلال میکننـد و سـرانجام در جهنم و دوزخ گرفتار آتش و عـذاب ابدی خواهند شد. (۲۲) از این فرمایشات هشـدار دهنـده شـش مطلب مهم زیر فهمیده میشود: ۱- آن زمـانی که زنان رعایت حریم حجاب و عفاف نکننـد، بدترین زمانها است. ۲- زنانی که با آرایش و نمایش از خانه بیرون میآیند و سـنگر عفّت را بشـکنند، از دین خـارج شـده انـد و در مقابل دین قرار گرفته انـد. ۳- این گونه زنـان در فتنه هـا وارد شـده انـد و موجب فتنه هـا و انحرافها و گناهان خواهند شد. ۴- این گونه زنان گرایش به هوسـهای شـهوت انگیز دارند، شهوت پرستی بر آنها حاکم است نه عقل و منطق. ۵- این گونه زنان حرامهای الهی را حلال کرده و با بی بنـد و باری خود، حـدود الهی و مرزهای دینی را زیر پا میگذارند، و موجب افزایش فساد میشوند. ۶- سـرانجام این گونه بانوان، عذاب ابدی در دوزخ خواهد بود. آری آنانکه حریم حجاب و عفّت اسلامی را رعـایت نمی کننـد، این گونه موجب انحرافهـا و پلیـدیها شـده، و موجب گسترش دامنه فساد میگردنـد و سـرانجام، خود نیز در میان دنیای جهنمی خود میسوزند و زندگی پوچشان، به عذاب ابدی الهی میپیوندد. (۲۳)

حجاب از نظر ائمه

امام صادق علیه السلام فرمود: برای زن هنگام خروج از خانه شایسته نیست که لباسش را خوشبو کند. (۲۴) امام موسی بن جعفر علیه السلام بنقل از پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمودند: هر کسی به خدا و روز قیامت ایمان دارد، هرگز در جائی نمی ماند که نفس زن نامحرمی را بشنود. (۲۵) امام باقر علیه السلام فرمودند: جایز نیست زن خود را شبیه مرد نماید. زیرا پیامبر مردانی را که مشابه زنان میشوند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار میدهند لعنت کرده است. (۲۶)

عذاب زنان

آقا سیدالمظلومین امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام فرمود: یکروز من و سیّده زنان عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بر حبیب خدا حضرت پیغمبر اسلام صلّی الله علیه وآله وسلّم وارد شدیم و آن بزرگوار را در حالی دیدیم که شدیدا گریه میکرد. به آن حضرت عرض کردم: پدر و مادرم فدایت شوند، یارسول اللّه، چه شده! چه چیزی شما را به گریه درآورده آن حضرت فرمود: یاعلی شب معراج وقتیکه به آسمان رفتم، زنان امتم را در عذاب شدید مشاهده کردم. بخاطر آن شدت عذابها گریان و نالان شده ام. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود: مگر چه دیدید که اینقدر متأ ثر و گریان شده اید؟! حضرت رحمهٔ للعالمین صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: ۱- زنی را دیدم که بمویش آویزان کرده بودند، در حالیکه مغزش میجوشید. ۲- زنی را مشاهده کردم که به زبانش آویزانش کرده بودند، و از حمیم جهنم در حلقش میریختند. ۳- زنی را دیدم که به دو پستانش آویزانش کرده بودند. ۴ زنی را مشاهده کردم که دست و پایش را بسته اند و مارها و عقربها را بر او مسلط کرده بودند. ۵- زنی را دیدم که گوشت بدنش را با قیچی میچیدند و مجبورش میکردند که آن را بخورد، و آتش از زیر آن زبانه میکشید. ۶- زنی را مشاهده کردم که به صورت کر و لال و کور است، در حالی که در تابوتی از آتش میباشد و مغز سرش از دماغش خارج میشود و بدن او به صورت جذام و برص است. ۷- زنی را دیدم که به دو پایش آویزان کرده اند، در حالیکه در تنوری از آتش بود. ۸- زنی را مشاهده کردم که گوشت بدنش را از قسمت جلو و عقب به وسیله مقراضهایی از آتش جدا میکردند. ۹- زنی را دیدم که صورت و دستهایش آتش گرفته، در حالی که روده هایش را میخورد. ۱۰- زنی را مشاهده کردم که سرش مثل سر خوک، و بدنش مثل بدن الاغ و به انواع عذابها شکنجه اش میدادند. ۱۱- زنی را دیدم که به صورت سگ بود، و آتش از عقبش خارج میشد و ملائکه با گرز آهنی از آتش، بر سر و بدنش میکوبند. بی بی دو عالم فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمودند: ای حبیب من و ای نور چشم من، ای پدر بزرگوارم به من بفرمائید که این زنان چه عملی داشته اند و به چه جهت به این عذابها گرفتار شده اند و راه و روششان چه بوده که پروردگار متعال آنها را به چنین شکنجه هایی مبتلا نموده! آقا رئیس اسلام حضرت محمد صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: ۱- آن زنی را که به موهایش آویزان شده بود، آن زنی بود که موهایش را از مردان نامحرم نمی پوشانید. ۲- آن زنی را که به زبانش آویزان کرده بودند، آن زنیست که شوهرش را با زبانش اذیت میکرد. ۳- آن زنی را که به دو پستانش آویزان بود، آن زنی بود که از همبستر شدن با شوهرش خودداری مینمود. ۴- آن زنی را که دست و پایش را بسته اند و مارها و عقربها را بر او مسلّط کرده بودند، آن زنی بود که بدون اجازه شوهرش از خانه خارج میشد. ۵-آن زنی را که از گوشت بدنش با قیچی میچیدند و به او میخورانیدند، زنی بود که خودش را برای مردان نامحرم زینت میکرد و بدنش را به آنها نشان میداد. ۶- آن زنی را که کر و کور و لال بود، آن زنی بود که از راه زنا بچّه دار میشد و به گردن شوهرش میانداخت. ۷- آن زنی را که به پاهایش آویزانش کرده بودند، زنی بود که در حال نجاست وضو میگرفت یعنی رعایت نجس و پاکی را نمی کرد، و در وقت جنابت و حیض غسل نمی نمود، و در نمازش سستی میکرد. ۸- آن زنی را که از گوشت جلو و عقب بدنش با مقراض از آتش جدا میکردند، زنی بود که

خود را از راه نامشروع به مردان عرضه میداشت. ۹- آن زنی که صورت و دستهایش آتش گرفته و روده هایش را میخورد، آن زنی بود که قوّادی میکرد، یعنی واسطه حرام بود. ۱۰- آن زنی که سرش مثل سر خوک و بدنش مثل بدن الاغ بود، آن زنی بود که سخن چینی میکرد و زیاد دروغگو بود. ۱۱- آن زنی که به صورت سگ بود آن زنی بود که آوازه خوان (و صدایش را برای نامحرم با ناز و کرشمه و مهیّج رها میکرد) و حسود بود. (۲۷)

مسیحی که مسلمان شد

یکی از علماء اسلام مینویسد: روزی یک زن مسیحی با شوهرش پیش من آمد و گفت: من از اسلام مسائلی را فهمیده ام و از دستورات و قوانین آن که مترقی است در شگفت و حیرتم و به آن علاقه مندم، ولی بخاطر یکی از دستورات آن، من هنوز به اسلام گرایش پیدا نکرده ام، و درباره آن با شوهرم و عدّه ای از مسلمانان بحث و گفتگو نموده ام که متاسفانه پاسخ قانع کننده ای نشنیده ام، اگر شما بتوانید مرا قانع کنید من به دین اسلام مشرف شده و مسلمان خواهم شد. من گفتم: آن دستور کدام است! زن مسیحی گفت: دستور حجاب است. چرا اسلام حجاب را برای زن لازم دانسته و چرا به او اجازه نمی دهد که مثل مرد بدون حجاب از خانه بیرون بیاید؟ سپس بنا کرد به ایراد و انتقاد کردن، که حجاب مانع رشد و ترقی زنان، و سبب عقب ماندگی در جامعه است. من پس از شنیدن ایرادها و انتقادهای آن زن، چنین پاسخ دادم: آیا شما تا بحال به بازار جواهر فروشی رفته اید؟ گفت: آری، گفتم: چرا جواهر فروشان، طلا و سائر جواهرات گرانبهای خود را در ویترین شیشه ای قرار داده و درب آنرا قفل میکنند؟ گفت: بخاطر اینکه دست دزدان و خیانتکاران و سارقان به آنها نرسد. در اینجا آن عالم دینی رو کرد به زن مسیحی و اظهار داشت فلسفه حجاب نزد ما مسلمانها همین است که: زن گُلی خوشبو است... زن گوهر و یاقوت گرانبهاست و چون جنس لطیف زن هم مانند طلا و جواهرات است، و باید از دست خیانتکاران و دزدان عِفت و ناموس محافظت کرد، و از چشم تبهکاران و اهل فساد حفظ نمود، زیرا زن همانند مروارید است که در صندوقچه صدف باید پنهان گردد تا طعمه آنان نشود و تنها ساتر و نگهدارنده زن حجاب است و حجاب برای زنان مانند محفظه ای بر جواهرات است و اگر زنان نیز در پوشش نباشند. همیشه در معرض خطرات و تجاوزات قرار میگیرند و به خاطر نشان دادن زیبائی ها پیوسته مورد آزار و تعدی مفسدین میشوند. آری دخترم... دستور حجاب در اسلام باین جهت است که زن از دست خیانتکاران در امان باشد. زیرا بدنش پوشیده و زینتهایش مستور است و مردم از او چیزی نمی بینند و در او طمع نمی کنند و از او دوری میجویند و نظرشان را جلب نمی کند، بلکه از او حساب میبرند و حیا میکنند، همه اینها به خاطر حجاب است. و شما مطمئن باش که اگر زن در پوشش حجاب نباشد، پیوسته در معرض آزار مفسدین است، بنا بر این حجاب شرافت و بزرگواری توست، آری دخترم این گوشه ای از فلفسه حجاب بوده که تذکر دادم. پس از شنیدن این مطلب، آن خانم مسیحی فکری کرد... و سپس با چهره ای درخشان گفت: من تا بحال این گونه نشنیده بودم... شما بسیار جالب بیان کردی، و اکنون اسلام را میپذیرم. دوشیزه مسیحی در همان جلسه، شهادتین را بر زبان جاری کرد، و اسلام را پذیرفت. خواننده محترم: از این گفتگوی مذهبی آشکار شد که اسلام میخواهد شخصیت و پاکی زن را حفظ نماید، و به دنبال آن از اجتماع حمایت کند، از این رو حجاب را به عنوان شرط اساسی برای هدف مزبور لازم دانسته است. همچنین از این گفتگو روشن میشود که اغلب بانوانیکه بی حجاب هستند از فلفسه حکیمانه حجاب اطلاع ندارند و به آثار پرسودش توجه ندارند و از مفاسد بی حجابی غافلند، تنها بوسیله حجاب، عفت و شخصیت زن حفاظت میشود، و از خطرات ناشی از بی حجابی در امان میمانند. (۲۸)

حجاب حضرت زهرا (علیها السلام)

امام باقر علیه السلام فرمود: روزی پیغمبر اسلام صلّی الله علیه وآله وسلّم همراه جابر به طرف خانه حضرت زهرا (علیها السلام)

حرکت کردند، وقتی که کنار در رسیدند، پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم دستش را روی در گذاشت و با صدای بلند فرمود: سلام علیکم. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: و علیکم السّـلام حضرت رسول صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: آیا اجازه هست وارد خانه بشویم حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: آری ای رسول خدا. حضرت رسول صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: آیا اجازه هست همراه شخصی که با من است وارد گردم حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: سر برهنه هستم. حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: با رو انداز، خود را بپوشان. حضرت فاطمه (علیها السلام) خود را پوشانید. بار دیگر حضرت پیغمبر برای خود و جابر طلب اجازه کرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) اجازه داد، آنگاه آن دو وارد خانه شدند. (۲۹)

گرسنه شکم و شهوت

حضرت حجهٔ الاسلام والمسلمین مروج الاسلام والدّین حاج شیخ غلامرضا فیروزیان فرمودند: تابستان سال ۱۳۲۳ در ونک مستوفی منبر میرفتم. امام جماعت آنجا سید بزرگواری بود که اَلا ن با گذشت، ۵۵ سال نامش را فراموش کرده ام. بین گفتگوهایی که با هم داشتیم تعریف کرد: که یک روز صدای در منزل بلند شد، وقتی آمدم در را باز کردم، خانمی نیمه برهنه و بی حجاب و آرایش کرده و دست و سینه باز را مقابل خود دیدم، خواستم درب را ببندم و به او بی اعتنایی کنم. فکر کردم همین که در خانه یک روحانی با این قیافه آمده شاید معایب بی حجابی را نمیداند: و شاید بتوانم نصیحتش کنم. سرم را پائین انداخته و گفتم بفرمائید، داخل اطاق شده نشست، و مسئله ای در مورد ارث از من سئوال کرد. من گفتم خانم منهم از شما میخواهم مسئله ای بپرسم اگر جواب دادید منهم جواب میدهیم گفت: شما از منگفتم بله. گفت بفرمائید؟ گفتم: شخصی در محلی مشغول غذا خوردنست غذا هم بسیار مطبوع و خوشبو است، گرسنه ای از کنار او میگذرد، پایش از حرکت میایستد جلوی او مینشیند شاید تعارفش کند، ولی او اعتنا نمی کند. شخص گرسنه تقاضای یک لقمه میکند او میگوید: غذا متعلق بمن است و نمی دهم هر چه التماس میکند او به خوردن ادامه میدهد، خانم این چگونه آدمیست گفت: آن شخص بیرحم از شمر بدتر است. گفتم: گرسنه دو جور است، یکی گرسنه شکم و یکی گرسنه شهوت. جوان غربی و گرسنه شوت، خانم نیمه برهنه و زیبائی را میبیند که همه نوع عطرها و آرایش های مطبوع دارد، هر چه با او راه میرود شاید خانم توجهی به او بکند و مقداری روی خوش به او نشان بدهد، جوان او اعتنا نمی کند. جوان: اظهار علاقه میکند، زن: محل نمی گذارد، جوان: خواهش میکند، زن میگوید: من نجیبم و حاضر نیستم با تو صحبت کنم. جوان التماس میکند، زن: توجه نمی کند. این خانم چگونه آدمی است خانم فکری کرد و از جا حرکت کرد و از خانه بیرون رفت. فردا درب منزل صدا کرد، رفتم در را باز کردم، دیدم سرهنگی دم در ایستاده و اجازه ورود میخواهد، وقتی وارد اطاق شد و نشست. گفت: من شوهر همان خانم دیروزی هستم، وقتی که با او ازدواج کردم چون خانواده ای مذهبی بودیم از او خواستم با حجاب باشد، گفت: بعد از ازدواج، ولی آنچه به او گفتم و خواهش کردم تهدید کردم، زیر بار نرفت ولی دیروز آمد و از من چادر و پوشش اسلامی خواست، نمی دانم شما دیروز به او چه گفتید: ماجرا را به او گفتم: او با خود عبایی آورده بود. به من داد و تشکر کرد و رفت.

سئوال پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم

حضرت علی علیه السلام میفرماید: با جمعی از اصحاب در محضر رسول خدا علیه السلام نشسته بودیم، پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم به ما رو کرد و فرمود: به من خبر دهید که برای زن چه چیز خوب است و خیر و سعادت او در چیست همه ما از پاسخ به این سئوال، در مانده شدیم، تا اینکه متفرّق گشتیم، و به خانه آمدم و به حضرت زهرا (علیها السلام) گفتم: پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم چنین سؤالی از ما نموده و ما از پاسخ به این سئوال درماندیم. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: من پاسخ این سئوال را

میدانم. خَیْرٌ لِلنّساءِ اَنْ لا یَرینَ الرِّجالَ وَ لا یَراهُنَّ الرِّجال بهترین دستور برای زنان آن است که نه آنها مردان نامحرم را بنگرند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند. به محضر مقدس رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم بازگشتم و عرض کردم: سئوالی که فرمودید: که چه چیز برای زنان بهتر است، برای آن بهترین چیز آن است که نه مردان نامحرم آنها را بنگرند و نه آنها مردان نامحرم را ببینند. پیغمبر اسلام صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: تو وقتی که نزد من بودی، پاسخ به این سئوال را نتوانستی بدهی، چه کسی این پاسخ را به تو آموخت عرض کردم: حضرت فاطمه (علیها السلام) به من آموخت. پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم خوشحال شد و فرمود اِنَّ فاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنّی فاطمه (علیها السلام) پاره تن من است. (۳۰)

دختر شجاع

ترکیه کشوری است که بر اساس سیستم لائیک (منهای مذهب) اداره میشود، از این رو از مظاهر مذهب جلوگیری مینماید. یکی از دختران شجاع مسلمان (۱۹ ساله) به نام نور جان کوجامان دانشجو بود و در شهر آنکارا، با حجاب اسلامی به دانشگاه میرفت و در آنجا از رئیس جهمور وقت ترکیه کنهان اوژن به خاطر آنکه طرفدار حکومت لامذهبی است انتقاد میکرد، او را دستگیر کردند و به یک سال زندان محکوم نمودند. او در دادگاه فرمایشی آنکارا پس از شنیدن محکومیّتش به یک سال زندان، فریاد زد: امام خمینی رهبر دنیای اسلام است و من از طرفداران او هستم! این دختر شیردل، آن چنان در آن کشور ضدّ خدا، پایبند به احکام اسلام بود، که حجاب خود را کاملاً رعایت میکرد و با قرآن مأ نوس بود ودر هر فرصتی آیات قرآن را تلاوت مینمود و با صراحت میگفت: من امام خمینی را به عنوان رهبر اسلامی میشناسم و از او پیروی میکنم. (۳۱)

مفاسد بی حجابی یا بدحجابی

روزی یک تیم ورزشی از یک شهرستان، پهلوان کُشتی شهر دیگری را برای مسابقه دعوت کرد. قهرمان مزبور به دعوت آنان پاسخ گفت، و همراه همسر زیبا و بی حجابش راهی آن شهر شد، بازی کنان و کشتی گیران شهر، برای استقبال وی به فرودگاه آمدند و با گرمی به وی خیرمقدم گفتند، سپس آن پهلوان همسر خود را به رفقایش معرّفی کرد، و وی را برای دست دادن به آنان جلو انداخت و بازی کنان با گرمی و لبخند به همسر وی دست دادند. یکی از آنها عاشق همسر پهلوان شد و بفکر افتاد با او ازدواج کند. برای رسیدن به هدف نقشه هایی پیش خود طرح ریزی کرد و سرانجام با همسر پهلوان بطور پنهان و دور از چشم شوهرش خلوت و ملاقات کرد و نقشه خود را باین وجه عملی ساخت. از وی پرسید: شوهر شما چقدر مهر بشما داده، زن گفت: بیست هزار تومان. مثلاً، مرد گفت: ولی من حاضرم چند برابر این مبلغ را بشما بدهم، زیرا ارزش شما بیش از این مقدار است. حقیقتا شوهر شما با این مهر بشما ظلم و ستم نموده، سپس پرسید: بگو ببینم، شوهر شما چه شغلی غیر از ورزش دارد؟ زن گفت: کارمند یکی از وزارت خانه ها است. ناگهان مرد هوسران، آه مزوّرانه ای از دل کشید و گفت: این نیز ظلم در حق شما است، شما با این زیبائی، همسر یک کارمند هستی نه نه شما بیش از این ارزش دارید. همسر شما باید مانند من باشد، من مهندس و تحصیل کرده دانشگاه هستم، و دکترا دارم و حاضرم با شما ازدواج کنم، بشرط اینکه شوهرت تو را طلاق دهد. سرانجام او را فریب داد، و با او قرار گذاشت که پس از مراجعت، از شوهرش طلاق بگیرد، و با وی ازدواج کند. این راز و نیازهای عاشقانه و مخفیانه و پنهان از چشم پهلوان میهمان صورت گرفت، و او هیچگونه اطلاّعی از این حوادث نداشت، و نمی دانست چه میگذرد. بالاخره مدّت ملاقات بپایان رسید و شوهر و همسرش به شهر خود بازگشتند از آن پس شوهر با اخلاق و رفتار سوء همسرش روبرو شد، و پس از آنکه در گذشته خندان بود، و با او انس میگرفت و رنجهای او را از یادش میبرد، اکنون رفتارش بر عکس شده است. مرد از این کجروی زن به ستوه آمد، وکاسه صبرش لب ریز شد، و از وی علّت تحوّل اخلاقی او را جویا شد؟ زن گفت: بخاطر آنکه تو مرا فریب داده

ای، تو به من ظلم کرده ای.. مرد بـا کمال تعجّب گفت: من! چگونه من ترا فریب داده ام! زن گفت: چون با مهر کمی با من ازدواج کرده ای و ارزش من بیشتر از اینها است، تو شایسـته ازدواج با من نبودی و کسـی هست که با مهر شایسته حاضر است با من ازدواج کند، و من میخواهم الا ن از تو طلاق بگیرم. شوهر بدبخت، که انتظار شنیدن این سخن را از همسرش نداشت، هوش از سرش پرید، و خود را در چنگال این فاجعه بزرگ گرفتار دید، فاجعه ای که خودش بدست خودش روزی که همسر بی حجابش را بهمراه خود به شـهر دیگر برد بوجود آورد، اینک شوهر در صدد بر آمد که او را از تصـمیمش منصـرف کند، ولی سـخنان او با شکست مواجه شد، و سـرانجام از روی ناچاری او را طلاق داد، و زن طلاق نامه خود را گرفت و برای ازدواج با دوست خود راهی شـهر دیگر شد. خواننـده محتـرم: در این حـادثه که یکی از هزاران حـادثه مربـوط به خیانتهـای خـانوادگی است دقت کنیـد و بیندیشـید و علتش را بررسـی نمائیـد تـا برای شـما روشن شـود که عامـل آن فقـط بی حجـابی و خـود نمـایی است. چرا که اگر آن زن حجـاب داشت و زیبائیهـایش پوشـیده و پنهان بود، هرگز به این دام نمی افتاد و شوهرش نیز دچار این بـدبختی که بـدست خود برای خود فراهم کرد نمی شد. آری این است مفاسد بی حجابی و این است سزای کسی که با قانون اسلام و حکم قرآن مخالفت میکند. (۳۲)

بی حجابی یا بدحجاب وبای اجتماع

مقایسه بین بی حجابی یا بدحجابی و حجاب اسلامی

به دو نمونه از زنان اجتماع توجه فرمائیـد ارزش آنان را بسـنجید و بگوئیـد کـدامیک برترنـد. آیا یک زن با حجاب، که در پوشـش ایمان درآمـده و لباس اسـلام به تن کرده و خود را به روپوش کرامت و شـرف آراسـته و خشـنودی خدا را جلب کرده و به درجات بهشت نائل گردیده و شخصـیت واحترام و پاکدامنی را در خود افزایش داده که وقتیکه انسان به او نگاه میکند، چیزی جز حجاب و چـادر نمی بینـد، و اصـلاً نمی دانـد که آیا او جوان است یا پیر؟ زشت است یا زیبا؟ از این رو با دیـده احترام به او نظر میکنـد و در صدد آزارش برنمی آید، چون میداند او زنی است که بدینش پای بند است و نگهبان شـرافت و متمسک به اسلام خویش میباشد و از پستی اِبـاء دارد، و از بی حجابی و خود نمایی پاک است و از فساد و انحراف دوری میگزینـد. برتر است... یا یک زن بی حجاب یا بـد حجاب که لباس حیا را از تن بیرون آورده و روپوش ایمان را کنده (زیرا که در حدیث است حیا از ایمان است و کسـیکه حیا نـدارد ایمان نـدارد) و فرمان قرآن را مخالفت کرده وبی بنـد و باری و خودنمائی را مانند زنان جاهلیت قدیم پیش گرفته، و به زنان یهودی و مسـیحی شبیه شـده و عظمت و شخصـیت خود را از دست داده، و بـدنش را نمایـان و صورت و دسـتها و سـینه و زینتهـای بـدنش را آشـکار ساخته، نظر بـدکاران را به خود جلب کرده و چشم خیانتکاران را بر خود خیره نموده و بدنش را مانند کالائی در بازار در معرض نمایش گذاشته و در معرض دید همگان قرار داده چه بسا او را مسخره و بیچاره کنند، و گاهی به او تجاوز نمایند و عفّت او را از بین ببرند و... شـرافت خود را از دست بدهد، و در کرامت خویش زیان ببیند، و در بدبختی و بیچارگی و بدحالی قرار گیرد. زیرا همه اینها در اثر بی حجابی و بـدحجابی بر او پیش میآیـد. این دو زن را با هم مقایسه کنیـد کدام یک از اینها بهتر اسـت کدامیک سنگین تر و محترم هستند، کدام یک از نظر مقام و مرتبه عالی ترند؟ (۳۴)

حجاب و آرامش

بنـابر این، روشن است کسـانیکه زنـان را به بی حجابی دعوت میکننـد، در حقیقت آنان را به تبهکاری خوانـده و آنان را به قربانگاه میکشاننـد و میخواهنـد شـرافت و عفّت را از آنـان سـلب کننـد، و به اسم شـعارهای پوچ و سـخنان باطل، عظمت و احترام را از آنها بگیرنـد. خواننـده محترم: اگر میخواهیـد به درستی سـخن من پی ببریـد، از بزرگسالان خود، از پـدران و اجداد خود، که گذشـته را

بخاطر دارند بپرسید: آیا این جنایات و حوادث، دختر ربائی و تجاوز، در آن زمانها وجود داشته یا نه طبعا پاسخ این سوال منفی خواهد بود. این جنایات و حوادث از کجا بوجود آمده است؟ میگویند: در اثر عوامل گوناگونی که مهمترین آنها بی حجابی و بدحجابی و بی بند و باری است به وجود آمده. آری پاسخ صحیح همین است. از ساکنان دهکده های کوچک که تا بحال به اسلام و ایمان و حجاب اسلامی پای بند هستند سوال کنید، و اگر میخواهید تحقیق و بررسی کنید: آیا دختر ربائی و تجاوز به بانوان چنانکه در شهرها اتفاق میافتد در دهکده های شما نیز واقع میشود؟ طبعا میگویند: نه اتفاق نمی افتد، زیرا اجتماع ما پیوسته پای بند به اسلام و دستورات حکیمانه آن میباشد. (۳۵)

بی حجابی یا بد حجابی یعنی بدبختی و نکبت و گرفتاری

دشمنان اسلام پس از بررسیهای طولانی، راه و نقشه و روشهای گوناگونی برای نابود کردن تدریجی اسلام و مسلمانان ترسیم نموده اند. یکی از مهمترین راه های شیطانی که بدین منظور بکار گرفته اند: دعوت به فساد و بی حجابی است، که زیر پوشش شعارهای جلوه دار، و ماسکهای قلّابی و تبلیغات باطل، از آن ترویج میکنند. مثلا: بنام هنر از فساد تبلیغ میکنند، و به اسم پیشرفت، مردم را به گناه میکشانند، و بعنوان تمدّن و با اسم آزادی خواهی، آنان را به هرزگی و بی بند وباری و اعمال زشت دعوت مینمایند. متاءسفانه بسیاری از زنان و مردان مسلمان، در برابر این شعارهای فریب خورده و بدنبال این سخنان مسموم که ذلّت و بدبختی برای آنان ببار میآورد، راه افتاده اند. و با لباس ارزنده اسلامی (یعنی حجاب) مخالفت نموده و از آشیانه ایمان و شرف بیرون آمده ولباسهای بیگانگان را که از کشورهای بی دین شرق و غرب وارد میشود به تن کرده اند. و حتی عده ای از مردم مسلمان هم با این تبلیغات سوء و زهر آلود گول خورده اند، تا حدّی که زنان خویش را به بی حجابی وادار نموده اند که طبعا این عمل خطرات وحشتناکی همراه دارد. زنی از شوهر خود که او را وادار به روی باز در بیرون از خانه کرده بود شکایت میکرد. آری اینها نمی فهمند آن کسانیکه در غرب یا شرق، به اشاعه بی حجابی دامن میزنند، خواهان فساد و تباهی در جامعه پاك مسلمانان هستند. آنها میخواهند کشورهای جهان بویژه کشورهای اسلامی عزیز را به بدبختی و گرفتاری و بی عفتی بکشانند آنها میخواهند با دود تمدّن جدید، چشم ملّت های مسلمان را کور کنند، و آنها را به لجن بکشانند. آری همینطور میشود که هدف استعمار و دشمنان اسلام تحقق میابد. و جامعه اسلامی در گودال پستی و انحطاط سقوط میکند، و اجتماع پس از آنکه پاك بود بصورت اجتماعی فاسد و متلاشی در میآید و جنایاتی از قبیل زنا، تجاوز، سقط جنین و کورتاژ رواج میابد.

بی حجابی یا بد حجابی باعث سقط جنین

اسقاط جنین (کورتاژ) و قطعه قطعه کردن آن با آلات گوناگون یکی از مفاسد بی حجابی یا بدحجابی میباشد. روشن است که زن بی حجاب یا بدحجاب، بسیاری از اوقات تحت فشار جوانان بی پروا قرار میگیرد و طعمه دست آنها میگردد و او را مورد تجاوز قرار داده و شرافت و احترام او را از بین میبرند. در نتیجه زن از راه نامشروع باردار میشود و برای اینکه راز آن عمل زشت و پلیدش فاش نشود ناچار میگردد جنین را سقط کند. آمار کورتاژ، در کشورهای غربی که بی حجابی بسیار است هولناك است و روز به روز در افزایش است. در گزارش ویژه ای آمده است: در لندن آمار سقط جنین از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۰ از ۵۰ هزار به ۸۳ هزار رسیده. و در سال ۱۹۷۱ آمار مزبور به ۲۰۰ هزار مسطور گردیده و این نسبت در فرانسه افزایش یافته بطوری که در هر ۲۰۰ نوزاد ۴۶ تا ۱۴۳ آن سقط جنین بوده. و در شوروی در هر سال شش میلیون سقط جنین دارد حالا که بدتر است. (۳۶) بی حجابی یا بدحجابی باعث (۳۷) بیماری های خطرناك. یکی از مفاسد بی حجابی، فساد اخلاق جوانان و گرایش ایشان به انحراف جنسی میباشد. زنی که با بی حجابی و خود نمائی به بازار و خیابان میآید اگر جوانی که در مرحله دیوانه کننده غریزه جنسی قرار دارد او را ببیند، آیا فکر

کرده ایم به سر آن چه خواهد آمد؟ طبعا غریزه جنسی در او تحریک میشود، و در صدد برمیآید که به هر وسیله ای غریزه خود را اشباع کند. او اگر متدین و معتقد به اسلام نباشد به استمناء، لواط، زنا، تجاوز به ناموس دیگران پناه میبرد و این جنایات، گذشته از آنکه مخالف دین خدا و حکم خداست، باعث بیماریهای خطرناک و پیش آمده های ناگوار میشود. حتی در گزارشی آمده است که در آمریکا تعداد بیمارستانهایی که اختصاص به امراض جنسی دارد به ۶۵۰ بیمارستان میرسد. و شکّی نیست که آن زن بی حجاب که باعث انحراف جوانان میشود، در جرم، کیفر و عذاب آنها شریک است، زیرا او بخاطر خودنمائی و هرزگی خود، غریزه جوانان را تحریک کرده است، وآنان را روانه فساد کرده است. این در صورتی است که جوان، متدّین نباشد، ولی اگر متّدین و معتقد به اسلام باشد، غریزه جنسی را در درون خود فرو مینشاند، و با تمایلات خود مبارزه میکند. و به خدا پناه میبرد، و هرگونه رنجی را در این زمینه متحّمل میشود. (و ای بسا به ناراحتیهای روانی مبتلا میشود). در این صورت نیز زن بی حجاب مسئول است، زیرا او باعث آزار این جوان شده، و گناه کیفر آن را بعهده گرفته است. (۳۸)

بی حجابی یا بد حجابی عامل خودکشی ها

در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی شود، افزایش روزافزون بیماریهای روانی بخوبی مشهود است. پرفسور سیمورهالك مدیر قسمت روانی دانشگاه ویسکونیسن میگوید: فقط در این دانشگاه سالانه بیش از ۸۰۰ دانشجو به کلینیک بیماریهای روانی مراجعه میکنند. نه تنها من و همکارانم بلکه اکثر روان شناسان دانشگاه های آمریکا از وضع روحی نسل جدید آمریکا دچار وحشت شده اند. (۳۹) توماس اکمبس میگوید: لذت های جسمانی در اوّل کار به ما لبخند میزند ولی عاقبت نیش زهر آلود خود را در روح ما فرو برده و هلاکمان میکند. (۴۰) غنچه به باغ ایمن است تا بود اندر حجاب آفت جان و دل است، چهره عیان داشتن آفت جان و دل است، چهره عیان داشتن آفت جان و دل است، چهره عیان داشتن آمار وحشتناك خودکشی ها در غرب نیز نشان دهنده میزان اختلالات روانی موجود در غرب میباشد. بنابر نوشته دیل کارنگی روان شناس مشهور آمریکائی در آلمان سالانه ده هزار نفر خودکشی کرده اند. البته این رقم جدا از ۱۳۰۰۰ نفری هستند که نجات یافته اند. در فرانسه نیز سالانه ۳۵ هزار نفر دست به خودکشی میزنند. (۴۱) طبق آمار یونسکو در هر دقیقه یک نفر در آمریکا در صدد خودکشی برمی آید. (۴۲) بنابر این به نمایش گذاشتن اندام یا زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت یك بیماری روانی محسوب میگردد بلکه بیماری زا نیز بوده و امراض روانی، در دیگران ایجاد خواهد نمود. (۴۳) اینها نشان دهنده گوشه ای از مسائل روانی فساد است. ای اهل عقل عبرت بگیرید.

آژیرهای خطر

بعضی از کوته فکران خیال میکنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم بصورت عادی در میآید و دیگر افراد تحریک نمی شوند. از نظر جنسی شاید چنین باشد ولی عطش روحی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه بطور مدام افزایش خواهد یافت، اگر چنین بود، در غرب آزادانه تجاوزات جنسی تحقق نمی یافت، ولی بنابه نوشتهPlaintruth تجاوز به عنف از هر ۳۴ دقیقه یک فقره، به ۱۴ دقیقه رسید و طبق نوشته مجلّه آمریکائی نیوزویک هر سال دهها هزار کودك در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفادهای دیگر قرار میگیرند. (۴۴) تنها در ترکیه که ۹۸ مردم آن مسلمان هستند، ولی فرهنگ غرب در آن گسترش پیدا کرده با آنکه طبق آمار شهربانی کل آن کشور ۶۰۵ مرکز فحشاء رسمی موجود بوده، و ۵۶۵ مرکز غیر قانونی فحشاء کشف و سیزده هزار و ششصد و هفتاد و یک زن بدکاره مورد تعقیب قرار گرفته، ۲۰۹ دختر مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند. (۴۵) طبق آمارگیری در انگلستان ۴۱ زنان ۱۶ تا سی ساله از اینکه احتمالاً ـ مورد تجاوز قرار گیرند همیشه و بطور دائم بسیار نگران هستند، بیش از ۱۱ زنان انگلیس معتقدند که بهر حال یکروزی از سال مورد تجاوز قرار خواهند گرفت، ۴ زنان از آژیرهای هشدار

دهنده، تجاوز جنسی استفاده میکنند و ۷ زنان کلاسهای دفاع از خود دیده اند. (۴۶) این آمار بخوبی اثبات میکند که فرهنگ فساد و بی حجابی خود عامل تحریک و تجاوز به عنف است نه موجب عادی شدن آن.

بدحجابی و قتل

مردی به مهمانی رفته بود، پس از صرف نهار، صاحب خانه برای کاری بیرون رفت، مرد مهمان از این فرصت استفاده کرده، پس از انجام عمل منافی عفت با همسر میزبان، او را کشت. بعد از دستگیری از او سئوال شده بود که چرا این جنایت زشت و شنیع را انجام دادی او در پاسخ گفت: من شب گذشته در مجلس عروسی بودم، که خانمی را با لباسهای جلف و چهره ای زیبا و موهای آنچنانی دیدم و دلباخته او شدم، دیگر نتوانستم خود را کنترل کنم طرح دوستی ریختم و سر انجام چنین تصمیم گرفتم. (۴۷) خانم عزیز، این جنایت به خاطر خودنمایی و جِلْوه گری و بی حجابی شما است که به وجود آمده. پس وقتی اسلام آیین حجاب را متذکّر میشود، آن را با کمال میل قبول کن که به سرنوشت داستان فوق دُچار نگردید. خُب، این سزای زن بی حجاب در دنیا است و در آخرت هم به عذاب دردناک گرفتار میگردد.

بدحجابی و کشتار

جوانی را که متهم بقتل بود دستگیر کردند و از او سئوال کردند که چرا چنین عمل شنیع را بوجود آوردی گفت: جوانی عذب بودم که با هزار زحمت دیپلم را گرفتم و وارد دانشگاه شدم در آنجا چشمم به دختران بد حجاب زیادی بر میخورد که با آن زیبایی در حیاط و کلاس دانشگاه قدم میزدند با هم میخندیدند و اصلا رعایت هیچ چیزیی را نداشتند. من هم جوان و عذب کم کم با آنها طرح دوستی ریختم و با لطایف الحیلی یکی از آنها را فریب دادم که میخواهم با شما ازدواج کنم و بعد از مدتها که با هم دوست بودیم، یک روز او اظهار داشت که من حامله هستم و باید مرا بگیری. من که وضعم مناسب نبود به او قول امروز و فردا میدادم تا اینکه یک روز کارمان به مشاجره و آبروریزی کشید با او گلاویز شده وقتی که به خود آمدم متوجه شدم او را خفه کرده ام و او مُرده است.

تمثیلات حجاب

غنچه تا غنچه است در حجاب است، هیچ کس هوس چیدن آن را نمی کند. اما همینکه حجاب را کنار نهاد و باز شد، آنرا خواهند چید. وقتی که چیدند چند روزی هم ممکن است در جای مناسب قرارش دهند. اما دیری نمی پاید که پژمرده و پرپر میشود و آن را در سطل زباله میریزند. خواهران باحجاب هم همچون غنچه اند، هیچ کس دست طمع و تصرف، به سمت آنها دراز نمی کند. امّا همینکه این حجاب را کنار گذارند مورد طمع دیگران واقع خواهند شد. (۴۸)

رمز زیبایی

تا زمانیکه سرشیشه عطر بسته است، عطر داخل آن هم محفوظ خواهد بود، ولی به محض اینکه چند ساعتی سر شیشه عطر برداشته شود عطر داخل آن میپَرد و تنها شیشه خالی بدون عطر میماند و کسی بدان میلی ندارد. حجاب همانند سرشیشه عطر است که بوی خوش و زیبایی و حلاوت و طراوت زنها را حفظ میکند و با برداشتن حجاب، آن زیبایی و حلاوت از بین میرود. رمز زیبایی زنهای مسلمان هم همین حجاب است. (۴۹)

سیم خاردار

شما چرا به دور خانه هایتان دیوار میکشید و بر روی دیوارها سیم خاردار نصب میکنید؟ اگر دربهای خانه تان چوبی باشد، چرا آهنی میکنید و اگر دیوارها کوتاه باشد چرا بلند میکنید؟ آیا اینها همه برای راحتی یا ناراحتی شماست حجاب همچون دیوار خانه و همچون سیم خاردار است، حال اگر دیوار خانه هایتان بلند بود و کوتاه کردید، یا سیم خاردار داشت برداشتید، یا درب بسته بود باز کردید، این موجب راحتی، آرامش و آسایش یا موجب ناآرامی شما خواهد بود؟ اگر دربها، دیوارها و... برای راحتی خانه ها باشد، حجاب هم برای راحتی و آسودگی بانوان است، پس اگر اسلام برای زن حجاب آورده، برای راحتی است نه مشقت مشقت در بی حجابی و بدحجابی است. (۵۰)

حجاب و سلامتی

تا میوه ای پوست بر تن دارد، مدتهای زیادی دوام خواهد داشت. ولی وقتی پوست میوه ای گرفته شد بیش از دقایقی دوام نخواهد داشت و حتی بی احترامی به مهمان است که قبلاً میوه ای مثلاً سیب را پوست بکنند بعد در مقابل مهمان بگذارند. حجاب همانند پوست میوه است که حافظ تازگی و سلامت میوه است و تا زمانی که زنها این حجاب و عفّت را دارند از طراوت و زیبایی و تازگی و سلامت بهره مندند، ولی برداشتن حجاب همان و از بین رفتن سلامت و زیبایی همان. (۵۱)

حجاب عامل استحکام خانواده ها

یکی از عوامل مهم استحکام خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه ای کاملاً رعایت شود و روابط جنسی به محیط خانواده محدود گردد، گروه جوانان به ازدواج تمایل بیشتری پیدا میکنند و خانواده های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهند گرفت، بالنتیجه در این میان بیشترین نفع عاید زنان خواهد شد، زیرا از محبت و حمایت مالی مردان برخوردار خواهند بود. در حالی که اگر خودنمائی و آرایش و تحریک در یک اجتماع بشری رواج پیدا کند و روابط جنسی در غیر محیط خانواده مُیَسر گردد، هیچ وقت جوانان مشکلات ازدواج را نخواهند پذیرفت و به آن تن نخواهند داد. بلکه خانواده های تشکیل شده نیز دائماً در حال تزلزل میگردند. زیرا مردان با دیدن زنان بی حجاب تحریک شده و آسیب پذیر میشوند و در نتیجه کانون گرم خانوادگی بسردی میگراید و محبت در خانواده جای خود را به تنّفر خواهد داد، چون همسر قانونی رقیب و مانع روابط جدید جنسی به حساب میآید. بی تردید نهاد خانواده تنها با پاسداری از حجاب اسلامی درخشش و بالندگی لازم را پیدا خواهد کرد. بله وقتی لامپ نورافشانی میکند که سیمهای متّصل به آن سالم باشند و اگر این سیمها لخت و یا زدگی داشته باشند، نه تنها نیروی برق را بخوبی منتقل نمی کنند بلکه با جریان آب یا با اتصال به یکدیگر موجب حریق و آتش سوزی میگردند. زن و مرد همانند، جریان مثبت و منفی دست به دست هم داده و چراغ خانواده را روشن کرده اند، میبایست حجاب اسلامی را رکن اساسی این پیوند قرار دهند و الّا این چراغ بخاموشی میگراید و آتش هوس آن را خواهد سوزانید. جورج کامینکسی جامعه شناس معروف به این مطلب تصریح کرده است و میگوید: عامل اصلی اختلاف (زن و شوهرها در طلاق) روابط نامشروع میباشد. (۵۲) اینک به برخی از پیش آمدهای نامطلوب طلاق اشاره میکنیم. الف: افزایش جرائم با افزایش طلاق، جرائم نیز افزایش خواهند یافت. زیرا با فروپاشی خانواده، زنان و کودکان بی سرپرست دارای زمینه بیشتری برای اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، بزهکاری و فساد اخلاقی میباشند. بنابر گزارش های آماری پژوهشگران: ۹۰ در صد بزهکاران جوان ۱۴ تا ۲۵ ساله از میان خانواده های از هم پاشیده برخاسته اند. (۵۳) ب: کودکان بی سرپرست با رواج روابط نامشروع و افزایش طلاق، کودکان نامشروع را از حمایت هیچیک از والدین برخوردار نمی سازد و

مسئله جدیدی است که امروزه غرب را دچار مشکل نموده است. بنابر آمار منتشره امروز در جهان ۹۰ میلیون جوان زیر ۲۰ سال از خانواده ها طرد شده و بدون خانه و کاشانه حیران در خیابان ها زندگی میکنند. متاسفانه آمار کودکان نامشروع در غرب دائما رو به افزایش و تزاید است. در آمریکا از هر ۴ نوزادی که متولد میشوند، یکی نامشروع است، تنها در سال ۱۹۷۹ بیش از ۵۹۷۰۰۰ کودك نامشروع در آمریکا متولد شده است. در سوئد ۷ میلیونی سالانه ۲۷۰۰۰ کودك نامشروع به جامعه تحویل داده میشود. (۵۴) ج: بیماریهای روانی ناشی از طلاق یا وقوع طلاق زنان مطلقه بیشترین زیان را متحمل میگردند. به نوشته مجله نیوزویك: با وجودی که پس از طلاق زن آمریکائی خویشتن را آزادتر از آزاد حس میکند، ولی مُطَّلِقه های آمریکائی چه جوان چه میان سال شادکام نیستند و این ناشادی را میتوان از میزان روز افزون مراجعات زنان به روانکاو و روانشناس یا از پناه بردن به الکل و یا افزایش سطح خودکشی در میان آنان دریافت. از هر چهار زن مُطّلقه یکی الکلی میشود و میزان خودکشی میان آنها سه برابر زنان شوهردار است. (۵۵) این نوشته ها بخوبی اثبات میکند که زنان با خودنمائی و بی حجابی بیشترین زیان را متوجه خویش ساخته و خود اولین قربانیان پدیده شوم فساد میباشند. (۵۶)

حجاب همچون سدی آهنین

زن و مرد مانند آتش و پنبه هستند و باید تا آنجا که ممکن است از هم دور نگه داشته شوند، مگر از طریق تشکیل خانواده که روابط جنسی باید به آن محدود گردد. حضور زنان و مردان در جامعه بصورتی که هیچگونه تحریك و شائبه جنسی با آن همراه نباشد آن جامعه را استوار و محکم نموده و زمینه پیشرفت تعالی آنرا فراهم خواهد کرد. استاد شهید مطهری در توضیح این مطلب چنین میفرماید: آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند، و فرضا اگر در یك محیط درس میخوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچگونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس میخوانند و فکر میکنند و به سخن استاد گوش میکنند؟ یا وقتی که کنار هر پسری یك دختر آرایش کرده با دامن کوتاه تا یك وجب بالای زانو نشسته باشد؟ آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه های محرّك و مهیّج زنان آرایش کرده دائما مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت میشود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟ (۵۷) بنابر این حجاب مجوّز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن، برای روشن شدن نقش حجاب در استفاده شایسته از نیروی زنان به مثالهای ذیل توجه فرمائید. مثال اول: همانطور که برای بهره برداری از نیروی گاز میبایست آن را در محفظه ای مخصوص و غیر قابل نفوذ قرار دهیم و یا لوله های آن را از نظر نشت مراقبت نمائیم، همیشه در آسایش قرار داریم. حال اگر در محفظه قرار نگیرد و مراقبتها انجام نشود، نه تنها از آن بهره برداری نمی کنیم، بلکه انفجار آن باعث تخریب خواهد شد. بهره برداری از نیروی زن نیز منوط به رعایت حفاظ محکم حجاب است در غیر این صورت با رواج فرهنگ مبتذل، آرایش و خودنمائی، نیمی از جامعه را به خود مشغول کرده که چه بپوشند؟ چگونه بپوشند؟ و خود را چگونه بیارایند؟ و نیم دیگر جامعه را به آنان مشغول خواهد ساخت. آنوقت کار آموزش تحقیق و پژوهش جای خود را به آرایش، خودنمائی، چشم چرانی و لذّت جوئی خواهد داد و سقوط و سوختن و از بین رفتن جامعه در آن صورت حتمی خواهد بود. مثال دوّم: همانطوری که سدّ، نیروی آب را مهار میکند و آن را در معرض استفاده مطلوب قرار میدهد. حجاب هم مثل سدّی آهنین، است که نیروی زنان را ذخیره کرده و از هرز رفتن آن در مسیرهای نامطلوب جلوگیری میکند. و امکان استفاده مطلوب را از آن میسّر خواهد ساخت. مثال سوّم: همانطور که آتش میتواند آب را گرم کند و حتّی آن را بصورت غلیان و حالت جوش درآورد البته در صورتی که (بین آن دو حجابی وجود داشته باشد و در ظرفی جای داده شود) و الاّ با ریختن آب بر روی آتش نه تنها حرارتی ایجاد نخواهد کرد بلکه خود نیز خاموش خواهد شد. و هر دو از بین خواهند رفت. نیروی زن وقتی موقعیت خود را خواهد یافت و گرمی بخش و مکمّل فعالیتهای دیگر اجتماعی میشود که حجاب بطور کامل رعایت گردد. در غیر اینصورت، با آرایش و خود نمائی نه تنها نیرویش

صرف تجمّل میشود بلکه همچون آبی بر آتش از به جریان افتادن چرخ فعالیت دیگران نیز جلوگیری خواهد کرد. زیرا زن به آراستن خود مشغول میگردد و نیم دیگر از اجتماع هم به او. (۵۸)

بی حجابی یا بدحجابی باعث فشارهای روانی

بی تردید اگر زنان متین و موقر باشند و با پوشش مناسب ظاهر شوند و تحریکی صورت نگیرد، همسران آنها و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود. امّا اگر حضور زنان در جامعه بصورت تحریک آمیز باشد، التهاب و اضطراب و هیجان روحی بیننده، هر لحظه با دیدن صحنه ای تازه افزایش پیدا خواهد کرد و از آنجا که ارضای غریزه جنسی در تمامی موارد به دلخواه ممکن نیست، باعث به هم خوردن تعادل روحی آنها میشود، این تاثیرات منفی روانی نه تنها بینندگان این مناظر را تهدید میکند، بلکه همسران این زنان بی حجاب را نیز در معرض بیماریهای روانی قرار میدهد. زیرا این مردان دائما با نگاههای هوس آلود دیگران به زن و دختران خود مواجه هستند که مانند نیشی زهر آگین آنان را مورد آزار و اذیّت قرار میدهند، و متاسفانه در بسیاری از موارد نمی توانند به آن اعتراض کنند!! و در برخی از موارد مجبورند علیرغم فطرت انسانی و اعتقادات مذهبی خود و... یا سکوت کرده و بدینوسیله آن را تاءیید کنند و باخود نسبت به تهیه آن لباسها و کفشهای مبتذل که توجّه دیگران را جلب میکند اقدام نمایند و با دست خود عامل بیماری روانی خود را فراهم سازند!! حتّی میتوان گفت: زنان بی حجاب دیگری که قادر به تهیه آن نوع لباس و کفش نیستند نیز دچار فشارهای روانی شده و تعادل روحی خود را از دست بدهند، بهم خوردن تعادل روحی در بینندگان این مناظر و همسران بدبخت آنان یا زنان بی حجاب دیگر بیماریهای جسمی و روانی را بوجود میآورند که از زبان متخصصان به آن اشاره مینمائیم: دکتر الکسیس کارل نویسنده معروف کتاب انسان موجود ناشناخته میگوید: فکر و هیجان میتواند سبب ضایعات عضوی واحشائی شود.... عدم تعادل دستگاههای عصبی و نقص دستگاه هاضمه در اثر هیجان عامل بیماری های معده و روده است. (۵۹) دکتر دیل کارنگی بنقل از دکتر ژوزف میگوید: عصبانیت و هیجان عامل زخم معده است. (۶۰) قرآن مجید: حجاب را عامل طهارت قلب و روح معرفی میکند و خداوند متعال در قرآن چنین میفرماید: هر گاه از زنان پیامبر متاعی را میخواهید پس آن را از پس پرده بخواهید زیرا این کار برای طهارت و پاکی قلوب شما و ایشان بهتر است. (۶۱) وَ اِذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعاً فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراَّءِ حِجابٍ ذلِکُمْ اَطْهَرُ لِقُلُوبِکُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ. (۶۲)

بی حجابی یا بدحجابی یعنی کمبود شخصیت

زنانی که حجاب دارند از سلامت روانی برخوردارند و در خود کمبودی احساس نمی نمایند و تمایلی هم به جلب توجه دیگران ندارند، ولی زنانی که بی حجابند دارای عُقْده حقارت هستند و با نمایش زیبائیها و زینت و نوع پوشش، میکوشند تا حس کمبود خود را بنحوی مرتفع نمایند. روان شناسان در این باره چنین میگویند: زنان و مردانی که در تعویض لباس و انتخاب رنگهای متنوع مبالغه و وسواس دارند جز جبران یک نقیصه ذاتی کار دیگری نمی کنند، زیرا افراط در لباس پوشیدن هم، نظیر افراط در حرف زدن است و نوعی مبالغه زیاده روی است و زیاده روی هم شکل منحرف و پی گم کرده از حس حقارت است. زنی که مورد توجه مردان نباشد میکوشد تا با پوشیدن لباسها و زینتهای مختلف جبران نازیبائیهای خود را کرده و احیانا توجه دیگران را از نقائص صوری خویش منحرف سازد. (۶۳) آری انتخاب لباس و نحوه پوشش و آرایش چهره مانند رنگ رخساره از سرّ ضمیر خبر میدهد، افرادی که دچار کمبود شخصیت هستند میکوشند با لباسی که تن میکنند برای خود نوعی تشخّص و تعیّن ایجاد کنند، بنابر این میتوان حجاب را علامت سلامت روحی زن دانست، و بی حجابی را نشان بیماری روانی. در روایت نیز به این نکته اشاره گردیده است: امام صادق علیه السلام میفرماید: کَفی بِالْمَرءِ خِذْیاً اَنْ یَلْبِسَ ثَوْباً یَشْهُرَهُ. در خذلان و پستی (عقده حقارت) فرد همین بس که

لباسی میپوشد تا بوسیله آن مشهور گردد. (توجّه دیگران را جلب کند). (۶۴)

بی حجابی یا بدحجابی باعث از هم گسیختگی جامعه است

یکی از عوامل مهّم فحشا و منکرات، و جرایم ویرانگر و گیج کننده در جهان غرب که ناله همه را بلندکرده است. برهنگی و بی حجابی است. مطابق آمارهای قطعی و مستند، روز به روز، بلکه ساعت به ساعت و لحظه به لحظه بر تعداد بهم پاشیدگی خانواده ها و طلاق، و فرزندان نامشروع و انحرافات جنسی میافزاید که هر کدام از اینها عاملی برای جرایم و انحرافات گوناگون و بسیار دیگر خواهد شد، بطوری که دانشمندان تربیتی برای اصلاح جامعه ناامید شده اند، زیرا یکی از علل مهم آن این است که بازار برهنگی و دوری از حریم حجاب و عفاف وآزادی در روابط، زنان را به صورت کالای مشترك در آورده، به طوری که دو همسر تعلّق به خود ندارند، در نتیجه قداست پیمان زناشویی مفهومی ندارد، و به دنبال این برنامه، خانواده ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی میشوند، و کودکان، بی سرپرست میمانند، و همین وضع اساس اعتیاد، بزه کاری، انحرافات شدید، و قتل و جنایت را پی ریزی مینماید، و جامعه را به صورت فساد و لجام گسیخته درمی آورد، تا آنجا که آمار طلاق در آمریکا به ۵۰ در صد رسیده، یعنی از هر دو نفر خانواده زندگی یک نفرشان به طلاق و بهم پاشیدگی کشیده شده است. و از صفحات حوادث روزنامه ها که بیانگر نمونه هایی از جنایات هولناك و تباهیهای جامعه است، به خوبی میتوان به پیامدهای شوم بی حجابی یا بد حجابی پی برد. (۶۵)

آمار فساد

آمار ذیل که مال سالها پیش است، یک روز آمریکا را به تصویر کشیده گویای تاثیر فساد در افزایش طلاق و جرائم میباشد. ۱- هر روز در آمریکا ۹۰۷۷ کودك بدنیا میآید که ۱۲۶۳ نفر آن غیر مشروع هستند. ۲- در قبال ۵۹۶۲ ازدواج روزانه در آمریکا هر روز زن و شوهر نیز از هم جدا میشوند. ۳- هر روز ۳۲۳۱ نفر عمل سقط جنین در این کشور انجام میشود. ۴- روزانه ۲۷۴۰ دختر در آمریکا باردار میشوند ۵- نوجوانانی که هر روز در آمریکا به امراض تناسلی دچار میشوند به ۶۸۴۹۳ نفر میرسد. ۶- در هر ۸ دقیقه یک آدم ربایی در این کشور صورت میگیرد. ۷- در هر ۷۸ ثانیه یک نفر کشته میشود. ۸- در هر ۱۶ ثانیه یک سرقت مسلحانه صورت میگیرد. ۹- در هر ۱۶ ثانیه یک اتومبیل ربوده میشود. ۱۰- آمریکائی ها روزانه ۹۰ میلیون بطری مشروبات الکلی مینوشند. ۱۱- هر روز ۱۶۰ میلیون سیگار در آمریکا کشیده میشود. ۱۲- روزانه چندین هزار نفر معتاد به هروئین و کوکائین و... میشوند. این آمار که توسط یکی از نشریات خارجی تهیه و انتشار یافته نشانگر گوشه ای از این پیامدها و نابسامانی ها اجتماعی طی هر شبانه روز در این کشور میباشد. (۶۶)

زن با حجاب مانند گوهر در صدف

بطور کلی هر چیزی که در همه جا پیدا میشود و در دسترس همه به آسانی میرسد از ارزش کمتری برخوردار است. ولی از اشیاء کم یاب و ذی قیمت و پر بها بخوبی نگهداری مینمایند و از دسترس دیگران دور نگه میدارند و بطور خاصی از آن مراقبت میکنند. مثلاً طلا و جواهرات را در گاوصندوقهای محکمی حفظ میکنند که از دسترس دزدان محفوظ باشد. زن هم مثل گوهر گرانبهایی است که باید محفوظ باشد. اسلام زن را جواهر گرانبهای هستی میداند و برای او شخصیت والایی قائل است و او را انسانی کامل شناسانده و حجاب را همچون گاوصندوق و صدف و ویترین، و پوشش را بهترین وسیله برای حفظ و ثبات شخصیت زن معرفی کرده است. آنهایی که زن را تشویق و ترغیب به آرایش و تزئین و نمایش زیبائیهای جسمی میکنند در حقیقت زن را فاقد شخصیت

و روح انسانی میشمارند. تجربه این مطلب را ثابت کرده. قبل از ظهور اسلام نه تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه با داشتن یک دختر ننگ به حساب میآمدند در چنین جامعه ای بی حجابی که علامت آن بی ارزشی بود رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا بُرد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد. دکتر گوستاولبون مورخ معروف فرانسوی میگوید: این مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زن بسیار کوشیده و اولین مذهبی است که مقام زن را بالا برده و روی هم رفته زنان مشرق زمین از نظر احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت بهتر از زنان اروپائی هستند. اسلام نه تنها زن را یک انسان کامل میداند بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی میکند: آقا رئیس اسلام حضرت رسول اللّه صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: ما اَکْرَمَ النِّساءِ اِلّا الْکَریم وَ ما اَهانُهُنَّ اِلا اللَّئیم. هرگز زنان را گرامی نمی دارند مگر کریمان با کرامت و به آنان اهانت نمی کنند مگر لئیمان بی ارزش. خانم ایفیلین کوبالاد نویسنده انگلیسی، که بالا خره به اسلام گروید و مسلمان شد، در کتاب بسوی خدا میگوید: در مقام و بزرگی زن در اسلام همین بس که مسلمین او را حرم که از احترام و حرمت گرفته شده میخوانند. بدین اساس حجاب وسیله ای است در خدمت زن تا موفّقیت خویش را در جامعه تحکیم کرده و شخصیّت و احترام خویش را فزونی بخشد. ویلیام جمیس روانشناس معروف در تأ یید این مطلب چنین میگوید: زنان دریافتند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند. قرآن میفرماید: ای پیامبر به همسران و دخترانت و همه زنان مسلمان بگوی که: حجاب و روسری شان را به خود نزدیک سازند تا (به عفاف) زنان عفیفی شناخته شوند ومورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است. (۶۷) عصمتیان را به مقام جلال جلوه حرام است مگر با حلال جلوه حرام است مگر با حلال جلوه حرام است مگر با حلال (۶۸)

بی حجابی یا بدحجابی یعنی تنزّل شخصیت زن

امروزه با رواج بی حجابی شخصیت انسانی زن بفراموشی سپرده شده و تنها به زیبائیهای جسمی او توجّه میشود. در استخدام او بیشتر از صلاحیتهای تخصصی زیبائی جسمش مورد دقّت قرار میگیرد. چاپ تصویر برهنه او بمنظور تبلیغ بر روی بی ارزشترین اجناس امری عادی شده، زن از نظر آنها موجودی است با هویّت صرفا جنسی، نه دارای یک شخصیّت انسانی، بدین صورت ارزش زن را تا حدّ یک (کالای لوکس) نظیر اجناس دیگر تنزل داده اند و این نگرش توهین آمیز به زن هر ساله با جارو جنجال فراوانی انتخاب (ملکه زیبائی) صورت میپذیرد. زن را وسیله ای برای کامیابی قلمداد کرده اند که بعد از مدّتی ملال آور میگردد و هر چند گاه یک بار باید به او تنوّع بخشید، در همین راستا روابط آزاد جنسی مورد حمایت قرار میگیرد. به قول گاندی: زن با اینکه به ظاهر در صدد آزادی بر آمده ولی در خطر جدیدی قرار گرفته و آن خطر بازیچه و قرار گرفتن وسیله هوسرانیهای مرد است. (۶۹) وی اضافه میکند: من ترجیح میدهم که نسل انسان نابود شود تا اینکه بماند و با تبدیل زن یا ظریفترین مخلوق الهی (به یک وسیله عیاشی و شهوترانی مرد) از هر حیوانی پست تر گردد... اگر من زن بودم علیه دعوی مرد دائر بر اینکه زن بدنیا آمده تا بازیچه او باشد، سخت عصیان میکردم، ای زنان اگر آرایش کردن شما تنها به خاطر جلب شهوت مردهاست از این کار خودداری کنید و زیر بار ننگ چنین خفتی نروید. ولی این اقدامات غرب جز مزاحمت و تجاوز نتیجه دیگری برای زنان بهمراه نداشته است. طبق آمارگیری در ۶۳ شهر آمریکا ۹۱ در صد زنان دامن کوتاه و نیمه عریان هر روز در معرض تهدید و تجاوز جنسی قرار دارند. طبق این آمار تنها ۹ در صد از آنان از این تهدیدات مصون مانده اند. امید آنکه زنان جهان با روی آوردن به حجاب، ارزش و شخصیت از دست رفته خویش را به چنگ آورند و هر ساله بجای انتخاب ملکه زیبائی شاهد انتخاب ملکه علمی و هنری یا ملکه اخلاقی و عاطفی زنان باشیم. (۷۰)

حجاب یعنی شکوفایی استعدادها

اگر زنـان دارای حجـاب باشـند همه مثـل هم میشونـد امتیـازات ظـاهری و زیبائیهای جسـمی زیور و مقام محو میگردد. آنگاه ذهنها متوجه ارزشـهای واقعی نظیر علم، ادب، هنر و اخلاق میشود. و در تحصـیل آنها کوشا میگردد و در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه راه ترقی و پیشرفت را بسرعت طی خواهد نمود. آری از آن جهت که حجاب احیاگر ارزشهای معنوی است، اسلام پوشش از بیگانه را ملاک برتری زن معرفی کرده است. پیامبر اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم میفرمایـد: بهترین زنان شـما زنان با عفت و غیر عقیمی هسـتند که تنها برای شوهرانشان خود را میآراینـد و در مقابل بیگانه کاملاً پوشـیده انـد. (۷۱) در حـدیث دیگر فرمودند: آیا بدترین زنان را بشما معرفی کنم بدترین زنان شما زنانی هستند که در برابر بیگانه آرایش کنند و نزد شوهر پوشیده باشند. (۷۲) هان ز اغیار بپوشـان رخ زیبـا زنهـار نرسـد میوه در آن باغ که دیوارش نیست نرسـد میوه در آن باغ که دیوارش نیست نرسـد میوه در آن باغ که دیوارش نیست (۷۳) پس اگر زنان خواهان تحکیم موقعیت و افزایش محبوبیت خویشـند بایـد آن را در پناه حجاب بـدست آورنـد. زن امروزی بـا بی حجـابی از جـذابیت خود کاسـته، حجـاب مؤثرترین چیز برای حفـظ زیبـایی و طراوت است، چون زنان باحجاب، آرامش روانی دارند. امام صادق علیه السلام میفرماید: حجاب زن، برای طراوت و زیبائی اش مفیدتر است. (۷۴)

ایرادهای مخالفان حجاب

طرفداران برهنگی و کشف حجاب، برای برداشـتن حجاب اسـلامی، به اصطلاح خودشان توجیه و برهانی ارائه میدهند، اشکالاتی را مطرح میکننـد تا با اِلقای شـبهه، در دلها تردیـد ایجاد کننـد، و عمـده اشـکالات آنها به پنج اشـکال زیر باز میگردد، که ما آن را در اینجا به طور فشـرده مطرح کرده و به پاسـخ آن میپردازیم: ۱- آنهـا میگوینـد انسان چه زن و چه مرد، آزاد آفریـده شـده، و آزادی مفهوم مقدّسی است که همگان طرفدار آن هستند، ولی حجاب و پوشش اسلامی، دست و پاگیر است و زنان را منزوی و پرده نشین کرده و از مـواهب آزادی محروم میسـازد. خداونـد (و به قول بعضـی طـبیعت) غرایزی را در وجود انسـان، آفریـده، که یکی از آنها غریزه جنسـی است که، نبایـد آن را حبس و سرکوب کرد، بلکه بایـد آن را بـا کمـال آزادی اشـباع نمـود، و گرنه موجب عقـده و بیماری روانی خواهد گردید. ۲- زنان نیمی از جامعه هسـتند و باید دوش به دوش مردان به تلاش های مختلف فرهنگی، سیاسـی و اقتصادی بپردازند، و به هیچ وجه صـحیح نیست که نیمی از نیروهای انسانی جامعه به انزوا کشیده شوند، و از صحنه های تلاش دور گردنـد، حجـاب عامـل مهمّی برای این انزوا است. زیرا دست و پاگیر است و طبعا زنان را از فعالیتهای فرهنگی واقتصادی و سیاسـی عقب میراند. ۳- حجاب و پوشـش زن موجب فاصله انداختن بین زن و مرد شده و همین موضوع مردان را به زنان حریصتر میکند. و آتش تمایلات جنسـی آنها را شعله ور میسازد، چرا که از قدیم گفته اند و از نظر روانی ثابت شده که انسان نسبت به آنچه را که از آن ممنوع شـده حریص است. ۴- با پوشـش زن، موارد بسـیاری از مصالح و منافع از دست خواهد رفت، و گاهی نادیده گرفتن این مصالح، موجب سـقوط و رنجهای ابدی خواهد شد، مثلاً جوانی که میخواهد با دختری ازدواج کند، چگونه آن دختر را که در میان حجـاب پنهـان شـده بشـناسد، آیـا ازدواج جوان با آن دختر باحجاب اقـدام کور کورانه برای انتخاب شـریک زنـدگی تا آخر عمر، نخواهد بود؟! ۵- اگر حجاب برای حفظ زنان از روابط نامشـروع، و از بروز انحرافات جنسـی و فساد است پس چرا زن از نظر اسلام در نماز باید کاملاً رعایت حجاب کند، گرچه در درون اطاق در بسته باشد، آیا این کار یک نوع به زنجیر کشیدن زن نیست!

پاسخ به اشکالات

۱- آزادی، کلمه مقدسـی است، ولی هر چیزی دارای حدّ است، مثلاً آیا انسان آزاد است غذای مسـموم بخورد؟ آیا آزاد است چند

برابر غـذای معمولی بخورد؟آیا آزاد است نصف شب که همسایه ها در خواب هسـتند با بلندکردن صدای طبل آنها را بیدار نماید؟ آیـا...؟ آیـا...؟ قطعاً آزادی دارای مرز و حـدّ است، آن آزادی مقـدّس است که موجب ضـرر و زیان و باعث سـلب آزادی دیگران نشود، همه اندیشـمندان با انصاف معتقدنـد که آزادی بر دو گونه است. ۱- آزادی صحیح ۲- آزادی غلـط، ما با دلیل و منطق ثابت کردیم که آزادی زنان به این معنی که بدون پوشـش اسـلامی و مَلا عام آشکار شوند، آزادی غلط است، و هرگز عقل و علم چنین آزادی مفسده انگیز را نمی پذیرد. ۲- درست است که زنان نیمی از جامعه هسـتند، و باید در همه صـحنه های زندگی تلاش داشته باشند، ولی پوشش اسلامی هرگز آنها را منزوی نمی کند و هرگز دست و پاگیر نیست در حدّی که آنها را از تلاش در صحنه های کار و فعالیت باز دارد. زیرا حجاب، به معنی پرده نشـینی نیست، بلکه به معنی یک پوشـش معقول است، اگر ما در گذشته در پاسخ به این اشـکال، نیاز به استدلال داشتیم، امروز پس از جهموری اسلامی در ایران، دیگر نیاز به استدلال نیست، چرا که آشکارا میبینیم زنـان در تمـام صـحنه ها، از مجلس قانونگـذاری گرفته تا ادارات و بیمارسـتانها و رادیو و تلویزیون و فروشـگاه ها و.. در عین حفظ حجاب اسـلامی، مشـغول کار و تلاش شـبانه روزی زنـدگی هسـتند. زن میتوانـد با لباسـهای بلند و پوشـش کامل اسـلامی به تلاش زنـدگی بپردازد، و در موارد دیگر بـا چـادر که لباس برتر و پوشـش عالیتر است در صـحنه ها ظاهر شود، آری وضع موجود، پاسـخ دنـدان شـکنی به اشـکال فوق است، چنانکه فلاسـفه گفته اند: بهترین دلیل بر امکان چیزی وقوع آن است به زبان معمولی خودمان: آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است چه حاجت به بیان است وانگهی مگر خانه داری و فرزنـدداری، کار و تلاش بسیار مهم اقتصادی و فرهنگی نیست! ۳- این اشـکال نیز بی اساس است زیرا پوشش در اسلام به معنی محرومیت زن و مرد از اشـباع غریزه جنسی از راه صحیح نیست، تا موجب عطش بیشتر و انفجار گردد، اگر آنچه را که اسلام درباره ازدواج و آسان گیری در تحقـق آن فرموده، اجرا گردد، غریزه جنسـی از راه صـحیح اشـباع شـده و هیچگونه اشـکالی پیش نمی آیـد. وانگهی اگر وضع فعلی جمهوری اسـلامی، را بـا وضع عصـر رژیم گذشـته مقـایسه کنیم، به روشـنی میفهمیم که امروز تـا حـدود زیادی حجاب اسـلامی رعـایت میشود، در حـالی که آن روز رعـایت نمی شـد، و در امروز دهها و صـدها برابر فساد و تباهی و بی بنـدوباری و بی عفّتی کمتر شـده است، بنابر این بی بنـدوباری و بی حجابی عطش جنسـی زن و مرد را بیشتر خواهـد کرد، و حجاب و مقّید بودن به حفظ حریم حجاب و عفاف، تباهی و فساد را از بین میبرد. وآمارهای قطعی نشان میدهد که فساد در کشورهای بی حجاب اسـلامی به مراتب بیشتر است، از فساد در کشورهایی که در آن رعایت حجاب میشود، اینها شواهد عینیِ خلل ناپذیری است که بیانگر فواید حجـاب، و بازدارنـدگی آن از بسـیاری از تباهیهـا است، و به عکس بی حجـابی و بی بنـدوباری وسـیله نزدیـک و عامـل مؤثر برای افزایش فساد و گسترش دامنه انحرافها خواهد بود. ۴- در پاسخ چهارم باید گفت: اولاً: پوشش برای زنان، دارای فواید و مصلحتهای بسـیار مهم برای آنها و جامعه است، که هرگز به خاطر بعضـی از مصـلحتهای فرضـی و جانبی نمی توان از آن دست کشید. ثانیا: در آن مواردی که مصـلحت مهمتری در میان باشد، اسلام پوشش را در آنجا لازم نمی داند، بلکه گاهی عدم پوشش را واجب میداند، به عنوان مثـال: اگر مردی در حـال غرق شـدن یـا سوختن است، و در آنجـا مردی که او را نجـات دهـد نیست، ولی زنان نامحرم در آنجـا هسـتند، بر آنـان واجب است گرچه مـوجب کنـار رفتن پوشـشان گردد آن مرد را نجـات دهنـد. و به عنـوان مثـال: جوانی که میخواهد با دختری ازدواج کند، با توجه به مصـلحت آینده برای او نگاه به چهره دختر مورد نظر، نگاه به مواضع زینت او جایز است تا او را بشـناسد. حتّی در این مورد پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم امر کرده که خواسـتگار، دختر مورد نظرش را بنگرد. بنابر این با رعایت پوشـش اسـلامی، و دسـتورهای اسلام، هیچگونه مصلحتی از دست نمی رود. ۵- فلسـفه رعایت حجاب در حال نماز ممکن است از چنـد جهت زیر باشد: ۱- حجـاب برای زنـان بهترین حـالت است، نمـاز نیز بهترین عمل عبادی است و چه بهتر که زن نماز خود را در بهترین حـالت که حـالت پوشـش است انجام دهـد. ۲- نمـاز در عین آنکه یـک عبـادت است، یـک فرهنگ است، یک کلاـس بزرگ و پربـار است که درسـهای مختلف میآموزد، یکی از درسـهای آن این است که درس حجـاب را به زنان میآموزد، و

آنها را عملاً به حجاب دعوت میکند. با توجّه به پنج بار نماز واجب در شبانه روز، زنان مسلمان پنج مرتبه با حجاب کامل اسلامی با خدا رابطه برقرار میکنند، و همین تکرار عمل، چگونگی حجاب را به آنها یاد میدهد، و این دستور مقدّس را برای آنها به صورت یک عادت خوب، درمی آورد، و پیوند آنها را با حجاب محکم میسازد، قعطا چنین تکراری آن هم در نماز، تمرین عمیق و خوبی برای رعایت حفظ پوشش خواهد بود. (۷۵)

دخترک مسیحی در رشت

مرحوم حاج شیخ یوسف جیلانی در کتاب طومار عفّت مینویسد: در گیلان ما دختر قشنگ و خوشگلی که مسیحیّة بود و پدر وی هم دکتر بود. دکتر و مادر و جدّه دختر که در سبزه میدان رشت ساکن بودند، پیوسته در حفظ و حراست آن دختر بودند که مبادا شهوت پرستان و دزدان ناموس او را بربایند. ولی آن دختر بیچاره چون زیبا و بدحجاب بود و همیشه خود را آرایش میکرد به جوانان عرضه مینمود هدف گلوله قرار گرفت. پدر و مادر به خاطر حفظ آبرویشان به ناچار او را برای معالجه به خارج بردند و پولهای زیادی خرج او کردند تا بلکه بتوانند او را از منجلاب مرگ تدریجی و بی آبرویی نجات دهند. گرچه دخترک از مرگ نجات یافت، اما چه فایده آنکه دیروز از زیارتش مسرور بود، امروز از دیدنش ناراحت میشد، و میهراسید، من این قضاوت را به خود شما واگذار میکنم، آیا این کار بر اثر حجاب و پوشش بود یا در سایه بی حجابی!... (۷۶)

خاطره ای از آیت اللّه مروارید

بنده در مراجعت از عراق بعد از قضایای مسجد گوهر شاد به واسطه قطع ارتباط بین مشهد و تهران که از ناحیه خود دولت به وجود آمد. هر کس میخواست عبور کند میباید تحت کنترل باشد و مراقبت شود. چند روزی در تهران ماندم و بعد آمدم، بالاخره خیلی فشار میآوردند هم از جهت لباس و هم از جهت کشف حجاب زنان، وضع خیلی فجیعی به وجود آورده بودند. حتی در حرم مطهّر به خُدّام و پاسداران حرم دستور داده بودند که چادر و چارقد را از سر زنها بکشند و به یک تعبیر گفتند که گاهی شنیده میشد، عده ای خودشان در پای ضریح میگفتند: خجالت بکش با روسری نیا. زنهای خانواده ما و منسوب به ما، سحر از منزل بیرون میرفتند وصله ارحام به جا میآوردند. حتی یکی از خانمها را که مامور تعقیب کرد، حالتی برایش به وجود آمد که بعد از دو سه روز ناراحتی در منزل ما فوت شدند. از حجاب به شدت جلوگیری میکردند و دخترها را با اوضاع بدی در خیابانها رژه میبردند، کاملاً روشن بود که همه این کارها برای از بین بردن مظاهر دینی است. (۷۷)

خاطره حجاب زنی از کشمیر

خانم سیده آسیه آندرابی از کشور کشمیر میگوید: سال ۱۳۶۰ نقطه عطفی در زندگی من بود، در آن سال من به کتابی تحت عنوان افکار عمیق زنان مسلمان برخوردم که تاءثیر زیادی در روح من گذاشت و سپس با آثار خواهر مریم جمیله آشنا شدم که باعث گرایش من به درک عمیق مفاهیم قرآن شد. به آخرین تفسیر مولانا مودودی پی بردم با مطالعه در سیره پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، موسی عیسی و محمد صلّی الله علیه وآله وسلّم به این واقعیّت پی بردم که همه آنها به خاطر مبارزه با خدایان دروغین زمان خود همواره در رنج بوده اند. این مطالعات باعث ایجاد یک انقلاب درونی من گردید و من حجاب را به عنوان اوّلین اقدام انتخاب نمودم و آن را در بین تمام اعضاء خانواده ام رواج دادم و سپس خانه به خانه و مدرسه به مدرسه شروع به تبلیغ نمودیم و جایگاه والایی را که اسلام به زن اختصاص داده برای زنان جامعه معرفی کردیم. (۷۸)

طاغوتی ها از حجاب میترسند

(قسمتی از خاطرات اسداللّه اعلم وزیر در بار شاه) سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ شرفیابی شاه از من به خاطر سخنرانی دیروزم در دانشگاه پهلوی شیراز تمجید کرد، به او گفتم که چه استقبال گرمی از من به عمل آمده بود ۳۰۰ دانشجو در استادیوم ورزشی (دانشگاه) اجتماع کرده بودند، البته از دیدن این همه دختر با چادر وحشت کردم. در زمان خودم در مقام ریاست دانشگاه چادر کم و بیش منسوخ شده بود. هر دختری که میخواست آن را بر سر کند تحقیر میشد. لیکن در کنفرانس دیروز سی نفرشان بودند، مناسب ندیدم که در آن لحظه اظهار نظری بکنم. ضمنا به من اطلاع داده شد که بعضی از این دختران از دست دادن با فرهنگ مهر، رئیس جدید دانشگاه خودداری کرده اند، و مدّعی بودند که اسلام هر نوع تماس جسمانی را با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج ممنوع کرده است. شاه خیلی اوقاتش تلخ شد. (۷۹)

حجاب زن آلمانی

به نام خدا اسم قبلی من زابنیه است ماجرای تشرفم به اسلام از این قرار است که در آلمان در همسایگی ما یک خانواده مسلمان اهل ترکیه زندگی میکردند. دختران آنها در مدرسه با من دوست بودند و با هم رفت و آمد داشتیم وقتی که من به خانه آنها میرفتم میدیدم آنها نماز میخوانند کم کم جذب آنها شده و با اسلام آشنا شدم در تاریخ ۴/۱۲/۱۹۹۰ در مسجد اسلامی هامبورک به سرپرستی برادر محمد مقدم به دین اسلام تشرف یافتم. آیا فکر نمی کنید الگوی حجابی که اسلام برای زن در نظر گرفته زحمت دارد؟ هر موجودی برای مصونیت از آسیب دشمن و بیگانه به دنبال حفاظ و مأ من و پناهگاهی میگردد تا در پناه آن احساس امنیت و آرامش کند شما اگر یک لاک پشت را در نظر بگیرید، مشاهده میکنید که چگونه درون پوستی سخت و مقاوم میرود تا از گزند و دشمن ایمن باشد. چرا انسان وزن مسلمان اینگونه نباشد آدم وقتی که دنبال محافظی میگردد تا اورا انگشت نمای غیر نکند و او را از جلب توجه بدیگران حفظ کند چه بهتر که حجاب را انتخاب نماید. حجاب برای من نه تنها زحمت و تحمیل نیست، بلکه یک اصل مسلم و خدشه ناپذیراست که از عقیده ام سرچشمه گرفته است و در صددم که عقیده و حجابم را برای همگان ابراز داشته و توضیح بدهم. این من بودم که در حجاب وارد شدم و دریافتم که حجاب یک ارزشی است و ارزشهای دیگر در کنار حجاب به من ارزانی میشود، نه اینکه حجاب بر من تحمیل شده باشد. من خودم اینطور تصمیم گرفتم. (۸۰)

بهترین خدمت به نسل جوان

نامه ای از یک برادر دلسوز و دردمند انقلابی از بوشهر غم ها و رنج های زیادی است که بر قلب جوانم سنگینی میکند از مسئولین کشور گله مندم، امّا نه برای تورّم و گرانی و نه هشت سال جنگ و نه از برای مسائل مادی و دنیوی دیگر، مسائلی که بر دل من سنگینی میکند این است که چرا مسئولین کشور که حامیان عزّت و شرف این ملتند به حرف میلیونها حزب اللّهی این مرز و بوم توجّه نمی کنند؟ آیا به دستورات به پیامها و وصیت نامه آن بزرگوار عمل میکنید؟ آیا از بی حجابی و بدحجابی، از عروسی های کذائی، از پخش و توزیع عکسها و نوارهای مبتذل جلوگیری میکنید...؟ رادیو، تلویزیون فرهنگ اسلام را تبلیغ میکند یا....؟ بسیجیان، طلّاب و روحانیون و تمامی افراد مومن متعهد از دست مسئولین مینالند که چرا در برخورد با مفاسد اقدامی جدّی صورت نمی گیرد؟ چرا مسئولین به درد دل برادران، خواهران، مادران و پداران شهدا گوش نمی دهند؟ مسئولین کشورا انقلاب را دریابید، خدا میداندحیف است که آن همه رنجها و زحمت امام راحلمان و آن همه رشادتها و دلیری فرزندان انقلاب در میادین نبرد هدر برود.... مسئولین بدانند که در مبارزه با مظاهر فساد و تلاش برای فرهنگ اسلام مردم حامی آنها هستند، ولی چنانچه در انجام

وظیفه کوتاهی نماینـد پیش خدا و ملّت و امام راحلمان مسئولند. مگر نه این است که مقام معظم رهبری آیهٔ اللّه خامنه ای فرمودند: فلسـفه وجود ما خـدمت به مردم است مگر نه این است که مسئولین خادم این ملّت هسـتند پس بایـد به مردم خـدمت کنند و اکنون شایـد خـدمتی بهتر و ارزشـمندتر از مبارزه با فساد بی حجابی و بـدحجابی نباشـد و این بهترین خدمت خصوصا به نسل جوان است. (۸۱)

خاطره ای از امام خمینی در مورد حجاب

برادر خـادم یکی از محـافظین بیت امام یکی دیگر از موارد خاطرات من مساله دقّت در رعایت حجاب نزدیکان امام از جانب ایشان بود بعضا لازم میشـد که ما به طور سـر زده به خـدمت ایشان برسـیم و مطلبی را عرض نماییم. بلافاصـله بعد از زدن درب و تقاضای ورود از جانب ما، اگر از بسـتگان امام نزد ایشان بودنـد، خیلی سـریع میگفتنـد: که کمی صبر کنیـد و بعـد به بسـتگان خویش تذکر میدادنـد چـادر خود را بر سـر گذارنـد، تـا وارد شویم و بـالعکس اگر مـا در داخـل خانه بودیم و یکی از بسـتگان امام قصـد دخول داشـتند، بلافاصـله امـام میفرمودنـد که: یا اللّه یا اللّه... نامحرم داخل اتاق است. البته امام برای تـذکر اعلام کرد و گرنه بسـتگان امام همیشه رعایت حجاب خویش را مینمودند. (۸۲)

نصایح خانم مجتهده امین

چنـانچه از قرائن معلوم میشود از صـدر اسـلام تـا این زمان اخیر گفتگو در حجاب زنان نبوده و معمول نوع زنان اسـلام این بوده که خود را موظّف میدانسـتند که از نامحرمـان احتراز نموده و خود را بپوشاننـد و تـارک آنرا فـاسق و گنه کار میدانسـتند. در این دوره اخیر بعضـی از آزادیخواهان بشر خواستند زن را از قید حجاب و چادر نجات دهند و زن را در کار و فعالیت، ردیف مرد قرار دهند، این بود که به اسم آزادی و دلسوزی و حُرّیت حجاب زنان را دریدنـد و چنانچه میبینیم در این دوره آنقـدر بی عفّتی و فساد اخلاق در بین جامعه شـیوع پیدا نموده.... ای خواهران میدانید این نگارنده ناچیز از صـنف زن میباشم و دشـمنی با هم صـنف خود ندارم و طبعیت زن را بهتر از مردها میـدانم و طالب سـعادت و خوشـبختی و آسایش و آزادی شـما هسـتم و کشف حجاب اگر چه در ظاهر چون موافق با طبعیت زن است که مایل به خودنمایی و جلوه گری است بسـیار خوش میآیـد و البته اگر بدون چادر و حجاب آزادنه در معـابر و خیابانهـا گـذر کنـد و مقیّـد به حجـاب نباشـد، خیلی راحت تر است. لکن ببین صـلاح دین و دنیـای تو در چیست حکم حجـاب تکلیف است و تکلیف البته زحمت دارد. و شایـد بعضـی خانمها و دوشـیزگان خیال میکننـد با حجاب بودن و خانه نشسـتن اسباب ضعف و نقص آنها میشود. لکن این فکر اشتباه است، شهوت پرستی است که منکرات را به صورت زیبا در نظر جلوه میدهد، قدری فکر خود را به کار بیاندازید و از دریچه عقل خود وضـعیّت امروزه را بنگرید و انصاف دهید، آیا این وضعیت با دین داری و ایمـان و تقوی مناسـبت دارد؟ البتّه نفس بشـر طـالب هرزه گری، ولگردی و انجام هواهای گوناگون است، خـدا پرستی غیر از نفس پرستی است.... از عموم مسـلمین که پای بنـد به دیانت اسـلامند تقاضا مینمائیم که همّت گمارنـد که این گم گشـته را باز آرند که شایـد اندازه ای از این وحشـیگری و بی عفتی که سرتاسـر ممالک اسـلامی را گرفته و شـیوع پیدا نموده جلوگیری شود... خواهران: گمان نکنیـد اگر شـما شـیک و مُد و بدون حجاب از منزل بیرون آئید شـرافتمند میشوید مردها به نظر تقدیس به شـما نگاه میکنند، همـان کسانیکه شـما را خانم خطاب میکننـد. اینها روی اصل قوای شـهوانی است و نگاه آنها نگاه شـهوت آمیز است نه روی اصـل فضـیلت! همان که با صورت بشّاش شـما را استقبال میکنـد و به شـما دست میدهـد و احترام میگذارد در دل شـما را خانم بی عفّت میداند و اگر قدری با غیرت باشد، هیچ وقت امثال شـما را به همسری نمی گیرد. خواهر: تو مسـلمان و مسـلمان زاده ای و مقدّسات مذهب در تمام ملل محترم است خود را هدف تیر چشمهای ناپاک بعضی مردهای بی عفت قرار مده. (۸۳)

سخنی از حجهٔ الاسلام قرائتی در مورد حجاب

شما جنس مرغوب را در کادو میپیچید، روی تلویزیون پارچه میاندازید، کتاب قیمتی را جلد میکنید، طلا و جواهرات را ساده در دسترس قرار نمی دهید. بنابراین جلد وحجاب نشانه ارزش است. خداوند برای چشم که ظریف است و خطرات آنرا تهدید میکند، حجاب قرار داده حجاب باعث تمرکز فکر مردان که بخش عمده تولید جامعه به دست آنان است میگردد. در کشورهایی که بی حجاب است نظام خانواده از هم گسسته و آمار طلاق غوغا میکند. اسلام به خاطر حفظ حیا، کرامت و جلال، جلوگیری از تشتّت و هوسبازی و گسستن نظام خانواده حجاب را واجب فرموده. باید دانست که حجاب مانع تولید نیست، بزرگترین صادرات ایران بعد از نفت، قالی است که تولیدش به دست زنان با حجاب است. حجاب مانع تحصیل نیست صدها هزار دانشمند زن در کشور اسلامی ایران شاهد این ادعّاست حجاب آرم جمهوری اسلامی ایران است. دنیا انقلاب اسلامی ایران را باحجاب بانوان میشناسد و ابرقدرتها از این نشانه پرارزش انقلاب آنقدر هراس دارند که چند دختر مسلمان را با پوشش اسلامی بر سر درس تحمل نمی کنند. (۸۴)

مقابله با بی حجابی

عید نوروز سال ۱۳۰۶ ش بود، زائران بسیاری در حرم حضرت معصومه (علیها السلام) حضور داشتند خانواده رضاخان پهلوی بدون حجاب برای زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) به قم آمده بودند و میخواستند با همان وضع وارد حرم شوند، این گستاخی و بی احترامی خانواده شان، موجب خشم مردم میشود و یک نفر روحانی به نام سیدناظم واعظ مردم را به امر معروف و نهی از منکر فرا میخواند. در این میان خبر به آیت اللّه شیخ محمد تقی بافقی رسید، ایشان نخست به خانواده رضاخان پیام داد که اگر مسلمان هستید نباید با این وضع در این مکان مقدس حضور یابید، و اگر مسلمان نیستید باز هم حق ندارید. زیرا کافر نباید در حرم باشد. خانواده رضاخان به پیام آیهٔ اللّه بافقی، ترتیب اثرنمی دهند، آنگاه مرحوم آیهٔ اللّه... بافقی شخصا به حرم آمده و به خانواده رضاخان شدیدا اخطار کرد، و همین حادثه نزدیک بود موجب قیام و شورش مردم بر ضد حکومت شاه شود. از طریق شهربانی قم به رضاخان اطلاع دادند که خانواده شما (یعنی همسر و دو دختر شما شمس و اشرف) به دستور روحانیون در اتاقی محبوس شده اند و به آنها اخطار شده که حق ندارند بدون حجاب وارد حرم گردند. رضاخان شخصا با یک واحد نظامی به قم آمد و خانواده خود را نجات داد، او با چکمه وارد صحن مطهر شد، آیهٔ الله بافقی را مورد ضرب و شتم قرار داد. (۸۵)

چادر نورانی

روزی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام محتاج به قرض شد، چادر حضرت فاطمه (علیها السلام) را پیش مرد یهودی که نامش زید بود، رهن گذاشت آن چادر از پشم بود، قدری جو قرض گرفت. یهودی آن چادر را به خانه برد و در اتاقی گذاشت، وقتی شب شد زن یهودی به آن اتاق رفت، ناگاه نوری را از آن چادر دید که تمام اتاق را روشن کرده بود وقتی زن آن حالت شگفت را دید فریاد زد: شوهر خود را خواست آنچه را دیده بود برای شوهرش بازگو کرد. یهودی شگفت زده شده بود و فراموش کرده بود که چادر حضرت فاطمه (علیها السلام) در آن خانه است، با سرعت داخل اتاق شد، دید که اشقه نورانی چادر آن خورشید عصمت است که مانند بدر منیر خانه را روشن کرده است. یهودی از مشاهده این حالت تعجبش بیشتر شد، یهودی همراه با زنش به خانه خویشان خود دویدند و ۸۰ نفر از ایشان حاضر شدند و این را دیدند از برکت شعله چادر فاطمه (علیها السلام) همگی به نور اسلام مشرف و منور گردیدند. (۸۶)

حجاب در اجتماع

فاطمه زهرا (علیها السلام) با گروهی از زنان مسلمان که بنا به نقل واقدی ۱۴ نفر بودند، از مدینه حرکت کردند و روانه اُحد شدند تا از نزدیک جریان کار و حادثه هولناک را ببینند و پیامبر خدا را ملاقات نمایند. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با آن گروه از زنان که دلشان میتپید و از آسیب رسیدن به پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم نگران بودند پس از مدت کوتاهی توانستند خود رابه اُحد یا بهتر بگوئیم به میدان رزم برسانند. وقتی آمدند که، پیامبر خدا چند روز پیش در هنگام رزم سراسر بدنش مجروح شده بود، ناراحتی حضرت زهرا (علیها السلام) به اندازه ای بود که نمی توانست آب بیاشامد، در این صحنه زنهای مسلمانی که با حضرت زهرا (علیها السلام) بودند، نگفتند: چون ما زن هستیم باید در خانه بنشینیم، بلکه آنها را تعلیم به حقایق و درخشان اسلام را به خوبی از رسول خدا میآموختند و به وظیفه خود آشنا بودند، حجاب اسلامی آنها موجب نمی شد که دست از وظیفه خود بردارند از اینرو هر کدام مشکی پر از آب کرده و به دوش میگرفتند و به رزمندگان آب میدادند، زخم خوردگان را مداوا مینمودند. تا آنجا احساس وظیفه میکردند که خود حضرت زهرای اطهر (علیها السلام) نیز غذا و آب به دوش میکشید و از پادر آمدگان میدان رزم پرستاری میکرد و به کمک امیرالمؤمنین علی علیه السلام زخمهای پیامبر را شستشو و مداوا مینمودند. (۸۷) پس از این داستان میآموزیم که زنان هم میتوانند با حجاب کامل در اجتماع خدمت کنند.

حجاب و نماز

فلسفه رعایت حجاب در حال نماز ممکن است از چند جهت زیر باشد: ۱- حجاب برای زنان بهترین حالت است، نماز نیز بهترین عمل عبادی است و چه بهتر که زن نماز خود را در بهترین حالت، که حالت پوشش است انجام دهد. ۲- نماز در عین آنکه یک عبادت است، یک فرهنگ است، یک کلاس بزرگ و پر بار است که درسهای مختلف میآموزد، یکی از درسهای آن این است که درس حجاب را به زنان میآموزد، و آنها را عملاً به حجاب دعوت میکند. ۳- با توجه به پنج بار نماز واجب در شبانه روز، زنان مسلمان پنج بار با حجاب کامل اسلامی با خدا رابطه برقرار میکنند، و همین تکرار عمل، چگونگی حجاب را به آنها یاد میدهد. و این دستور مقدس را برای آنها به صورت یک عادت خوب، درمی آورد، و پیوند آنها را با حجاب محکم میسازد، قطعا چنین تکراری آن هم در نماز، تمرین عمیق و خوبی برای رعایت حفظ پوشش خواهد بود. (۸۸)

الگوی زنان

مطابق پاره ای از روایات، حضرت وقتی که از خانه بیرون میآمد شمله میپوشیدند، (شمله روپوش فراگیری بود که کاملاً سر تا پای حضرت زهرا (علیها السلام) را میپوشاند). و نیز حضرت زهرا (علیها السلام) در وصیت خود به علی علیه السلام فرمود: جنازه ام را با تابوت (که پوشاننده است) حمل کن. و در این مورد، وقتی اسماء بنت عُمیس، تابوت پوشاننده ساخت، حضرت زهرا (علیها السلام) خرسند شد و فرمود: بسیار خوب و عالی است این حوادث بیانگر آن است که حضرت زهرا (علیها السلام) که باید الگوی زنان خداپرست و مسلمان باشد، برای خود حجاب برتر را برگزیند، و سفارش میکرد که حتما مسلمانان در لباس، در مسکن، در رفت و آمد و زندگی و تقسیم کار و... آن را رعایت کنند. (۸۹)

زن در اجتماع

چگونگی وضع ظاهری خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) یکی از اموری که بعضی برای وسعت دادن به اختلاط زن و مرد،

به آن تمسّک میکنند موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجدالنّبی است، موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجدالنبی در برابر مردان است، در صورتیکه با تشریح چگونگی ورود حضرت زهرا (علیها السلام) و خطبه خواندن او به روشنی به دست میآید که این ماجرا هیچ گونه دلالتی بر اختلاط یا بی تناسبی آن با حریم حجاب و عفاف ندارد، بلکه بیانگر آن است که باید حتی در موارد ضرورت خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) برای تبیین امامت حق، باید حریم عفاف را کاملاً ـ حفظ نمود، اینک در اینجا نظر شما را به ذکر متنی که بیانگر ورود حضرت (علیها السلام) به مسجد و خطبه خواندن اوست، و سپس به شرح کوتاه آن، جلب میکنیم: عبداللّه بن حسن (نوه امام حسن مجتبی (ع» از پدران خود نقل میکند، هنگامیکه ابوبکر و عمر به اتفاق هم، فدك را غصب کردند و این خبر به حضرت زهرا (علیها السلام) رسید در این هنگام: حضرت زهرا (علیها السلام) روسری خود را بر سرش پیچید و عبای خود را که (روپوشی مانند چادر بود) بر سر نمود و همراه گروهی از همفکران و یاران و زنان خویشاوند به سوی مسجد حرکت کرد، آن حضرت در حال راه رفتن بر اثر شتاب یا بلندی لباس به قسمت پایین لباسش، پا میگذاشت (یعنی قسمت پائین پیراهن بلند یا چادرشان، زیر پایش قرار میگرفت) راه رفتن او در (متانت و وقار) از راه رفتن رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم هیچ کم نداشت و همانند او بود، تا اینکه آن حضرت بر ابوبکر وارد شد، در حالیکه ابوبکر در میان گروه بسیاری از مهاجر و انصار و سایر مسلمانان قرار گرفته بود، در این هنگام میان آن حضرت و مردم پرده ای نصب شد. حضرت زهرا (علیها السلام) نشست، سپس ناله جانسوزی نمود که بر اثر آن صدای همه حاضران به گریه بلند شد، به گونه ای که گویی از صدای گریه، مسجد به لرزه در آمد، سپس حضرت زهرا (علیها السلام) اندکی سکوت کرد، تا مردم آرام شدند، و جوش و خروششان بر اثر گریه، فرو نشست، آنگاه خطبه را شروع کرد. (۹۰)

اعتراض شدید زینب سلام الله علیها به یزید

در ماجرای اسارت زینب (علیها السلام) زنان خاندان رسالت و همراهان پس از حادثه خونین عاشورا، زنان خاندان رسالت و همراهان را به گونه ای وارد دمشق کردند که به آنها هتك حرمت شد، به طوری که روپوش آنها را غارت کردند. هنگامیکه زینب و همراهان را به مجلس یزید وارد کردند، حضرت زینب (علیها السلام) در همانجا سخنرانی شدیدی بر ضدّ روشهای ظالمانه یزید و یزیدیان نمود، از جمله بر سر یزید فریاد زد و فرمود: آیا این عدالت است که زنان و کنیزان خود را در پشت پرده بنشانی، ولی دختران رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم را به صورت اسیر حرکت دهی، حریم پوشش زنان ما را بشکنی و نقاب از چهره آنها برداری. سپس فرمود: سوگند به خدا جز پوست خودت را نکنده ای و گوشت خودت را پاره پاره نکرده ای، حتما تورا در (قیامت) نزد رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم ببرند، با بار سنگین گناه، گناه ریختن خون اهل بیت آن حضرت، و هتك حرمت (حجاب) آنها، آنگاه حق ما از تو گرفته خواهد شد، و در آنجا عزّت ما و ذلّت خود را خواهی دید. این فراز بیانگر آن است که خاندان رسالت در مورد، قداست حریم حجاب بسیار حسّاس بودند، به طوریکه هتك آن را در کنار گناه بزرگ ریختن خونشان، عنوان یک گناه بزرگ میشمردند، و با ذکر آن به سلطان ستمگر وقت، اعتراض مینمودند. (۹۱)

شهادت آیت اللّه آقا زاده در راه

مبارزه با بی حجابی شهید آیت اللّه میرزا محمد خراسانی مشهور به آقا زاده فرزند آخوند آیت الله شیخ کاظم خراسانی صاحب کتاب کفایهٔ الاصول است، وی در نیمه شعبان ۱۲۹۴ ه‍ ق در نجف اشرف به دنیا آمد، و پس از رشد علمی و دریافت درجه اجتهاد، در سال ۱۳۲۵ ه‍ ق (یک سال بعد از رویداد مشروطیت) به مشهد هجرت نمود، و در آنجا سکونت نموده علاوه بر تدریس و تربیت شاگرد، در امور سیاسی دخالت میکرد، و تا سر حد جهاد و تبعید و زندان، با هر گونه فساد مبارزه مینمود. هنگامیکه رضاخان

کشف حجاب اجباری را به اجرا گذاشت، مرحوم آیهٔ اللّه آقا زاده همراه علمای دیگر، اعتراض شدید خود را اعلام نمود. علمای برجسته مشهد مانند: آیت اللّه العظمی حاج آقا حسین قمی، آیت اللّه حاج شیخ محمد آقا زاده، آیت اللّه شیخ هاشم قزوینی، آیت اللّه سید عبداللّه شیرازی، آیت اللّه سید علی اکبر خویی، آیت اللّه شیخ غلامحسین قزوینی، آیت اللّه سید علی سیستانی و... در بیت آیت اللّه العظمی سید یونس اردبیلی (ره) اجتماع کردند و اعتراض خود را طیّ تلگرافی به رضاخان، ابلاغ نمودند، این تلگراف، با امضای ۳۱ نفر از علمای برجسته مشهد، مزیّن شده بود. پس از کشتار فجیع مسجد گوهر شاد به دست مزدوران رضاخانی، چون رژیم پهلوی احتمال قیام عمومی را میداد، همه علمای مبارز را دستگیر کرده و از مشهد تبعید نمود. از جمله تبعیدشدگان به تهران سه نفر از مراجع برجسته بودند که عبارتند از: آیت الله حاج آقا حسین قمی، آیت اللّه سیدیونس اردبیلی و آیت الله شیخ محمد آقا زاده. مرحوم آیت اللّه آقازاده وقتی به تهران رسید، به دستور رضاخان خلع لباس شد، و در دوره سرپاس مختاری (رئیس شهربانی وقت) با تزریق آمپول هوا به دست دکتر احمدی به شهادت رسید، و در روز ۳۱ ذیقعده سال ۱۳۵۶ در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم علیه السلام به خاک سپرده شد. آری او در حالیکه بیش از ۶۲ بهار از عمر پر بار و شریفش نگذشته بود، به خاطر مبارزه با کشف حجاب، جان خود را فدا کرد تا امّت اسلام بیدار گردند، و دستور حجاب را پاس دارند، و در برابر بی حجابی، مقاومت نموده و حریم حجاب وعفاف را از گزند دشمنان و غرب زدگان، و مزدوران استعمار حفظ نمایند. (۹۲)

چند فراز از گفتار شهید مطهری پیرامون حجاب

استاد شهید، علامه مرتضی مطهری در ضمن بیان تشریح فلسفه حجاب، و بیان چهار اصل به عنوان شاخصه های فلسفه حجاب که عبارتند از: ۱- آرامش روانی. ۲- استحکام پیوند خانوادگی. ۳- استواری اجتماع. ۴- ارزش و احترام زن، مینویسد: حجاب در اسلام از یک مساله کلّی تر و اساسی تری ریشه میگیرد، و آن این است که اسلام میخواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی، اختصاص یابد، اجتماع منحصرا برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذّت جوئیهای جنسی به هم میآمیزد، اسلام میخواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند وظیفه پوشش که اسلام، برای زنان مقرّر کرده است، به این معنی نیست که آنها از خانه بیرون نروند، زندانی کردن و حبس زن در اسلام، مطرح نیست... پوشش زن در اسلام، این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند، و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد، آیات مربوطه همین معنی را ذکر میکند، و فتوای فقهاء هم مؤید همین مطلب است. از نظر استعمار گران اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف کننده لا یقی برای سرمایه داران غربی خواهد بود، و نه وظیفه و ماموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان، و ضعف اراده آنان، و ایجاد رکورد در فعالیّت اجتماعی، به نفع استعمار غرب، انجام خواهد داد. به عقیده ما برای آرامش غریزه جنسی، دو چیز لازم است: ۱- ارضاء غریزه جنسی در حد نیاز طبیعی (با ازدواج.) ۲- جلوگیری از تهییج و تحریک آن (با پوشش.) (۹۳)

عوامل بی حجابی یا بدحجابی

از مطالب گذشته و بررسی ریشه ها و زمینه ها چنین نتیجه میگیریم که عوامل بدحجابی را باید در امور ده گانه زیر خلاصه کرد: ۱- هجوم فرهنگ غرب، و تلاش استعمار برای نابودی حجاب. ۲- اعتقاد به آزادی غلط، و ناآگاهی از آزادی صحیح و معقول. ۳- اعتقاد به دست و پاگیر بودن حجاب برای کار و تلاش. ۴- پیروی از هوسهای نفسانی و خوشگذرانی بدون قید و بند. ۵- دگرگونی ارزشها، و اعتقاد کاذب به اینکه شخصیت زن در این است که زیبائیهایش آشکار باشد، که چنین حالتی بر اثر آگاهی یا

عقده های درونی، و تربیت های ناصحیح است که موجب کمبودهای عاطفی شده، و زن را برای جبران آن به شیوه های غیر طبیعی و ناهنجار سوق میدهد، از جمله او را به بی حجابی و یا بدحجابی میکشاند. ۶- الگوهای دروغین، عامل دیگری برای بی حجابی و بدحجابی است، با توجه به اینکه انسان به طور فطری، الگوپذیر و الگو گزین است. اگر در این راستا، هدایت صحیح، او را راهنمایی نکند چه بسا با گزینش الگوهای غربی و غرب زده، و به بی حجابی و بدحجابی کشانده شود. ۷- تقلید کورکورانه و بدون دلیل که از جهل و عدم اعتماد به نفس و کمبود نشأ ت گرفته و انسانها را از راه راست منحرف میسازد. ۸- جایگزینی فرهنگهای بیگانه، و دور شدن از فرهنگ اصیل اسلام. ۹- بی محتوایی، و عدم استقلال فکری و ضعف تجربه و تحلیلهای عقلی و منطقی یکی از عوامل دیگر رو آوردن به ناهنجاریها از جمله ناهنجاری بی حجابی و بدحجابی است. ۱۰- سستی و سهل انگاری، و زندگی بیمار گونه همچون زندگی معتادان که معلول ضعف اراده است، قطعا ضعف اراده از عوامل مهم انحرافات و کج اندیشی ها و کج روشی خواهد شد. (۹۴)

رضاخان مامور کشف حجاب

قبل از انقلاب اسلامی ایران، بی حجابی و برهنگی در ایران آنچنان توسعه یافته بود که در تهران و بعضی از شهرها بین پسر و دختر تشخیص داده نمی شد، و موجب مفاسد بسیار شده بود و روز به روز بر دامنه فساد و انحراف جنسی میافزود، رژیم منهوس پهلوی، بی حجابی را به عنوان تمدّن و رشد فرهنگی، عنوان میکرد، و با انواع ترفندها از آن ترویج مینمود، برای اینکه نسل جوان ما که در آن عصر نبودند، دورنمایی از آن عصر و وضع خاندان پهلوی را در رابطه با حجاب دریافت نمایند، دو داستان زیر را بخوانید تا بیشتر قدردان جمهوری اسلامی ایران باشید. (۹۵) در آن زمان که رضاخان سلطنت میکرد به روشنی معلوم بود که از طرف انگلیس، به نام تمدّن، ماءمور کشف حجاب است، لذا او خود پیشتاز این گناه بزرگ شد، به عنوان نمونه مینویسند: در عید نوروز سال ۱۳۶۰ ه ش برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۴۶ ه ق) رضاخان همسر و دو دخترش به نامهای شمش و اشرف را بدون حجاب به قم فرستاد، این سه زن بی حجاب میخواستند با همان وضع برای به اصطلاح زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) وارد حرم گردند، مردم قم و زائران اجتماع کردند و بر اثر خطابه سیدناظم واعظ احساس مسئولیت کرده و تنفّر خود را از ورود این سه زن با سربرهنه به حرم مطهر اعلام نمودند. در این میان، عالم مجاهد حضرت آیهٔ اللّه محمد تقی بافقی که از علمای نزدیک به مرجع آن عصر آیت اللّه العظمی شیخ عبدالکریم حائری بود، از حادثه اطلاع یافت و برای سه زن نامبرده چنین پیام داد: اگر شما مسلمان هستید مسلمان نباید با این وضع در این مکان مقدس حاضر شود، و اگر مسلمان نیستید باز حق ندارید، (زیرا کافر نباید وارد حرم گردد). خانواده رضاخان به این پیام گوش نکردند، آیت الله بافقی شخصا به حرم آمد و به آنها اخطار شدید کرد و مردم را برای جلوگیری از ورود آنها با سر برهنه فراخواند، همین موضوع از طریق شهربانی به رضاخان گزارش شد، رضاخان شخصا با یک واحد نظامی خود را به قم رسانید، و خانواده خود را از دست مردم نجات داد و با کمال گستاخی، با چکمه وارد صحن مطّهر گردید و آیت اللّه بافقی (ره) را مورد ضرب و شتم قرار داد، سپس به دستور او، دژخیمان آن عالم ربّانی را به زمین خواباندند و شاه با عصای ضخیم بر پشت او میزد و او با فریاد میگفت: ای امام زمان! به فریاد برس. سپس آیت اللّه بافقی را به جرم مبارزه بابی حجابی، مدّتی زندانی کردند و بعد از آن او را به شهر ری تبعید نمودند، او در آنجا به عبادت اشتغال داشت تا از دنیا رفت، سپس جنازه مطهّرش را به قم آوردند و در مسجد بالاسر حرم، به خاک سپردند. (۹۶)

زن بی حجاب

چه قدر ارزشمند است محل نشستن و سوار شدن زنان و مردان در اتوبوسهای شرکت واحد، در اکثر نقاط ایران، جدا گشت، و در

آن حریم حجاب رعایت شده است و.. این وضع زیبا را با وضع رژیم شاهنشاهی مقایسه کنید که دوستی میگفت: در اتوبوس شرکت واحد سوار بودم، دو نفر جوان جلف کنارم نشسته بودند، دختری آرایش کرده و بی حجاب وارد اتوبوس شد، آن دو جوان حریصانه به او نگریستند یکی به دیگری گفت: بنویس! این دختر از نظر قد و قامت، نمره اش ۲۰ است، دیگری گفت: بنویس! در مورد بینی نمره اش ۱۸ است و... دختر سخنان آنها را شنید و با تندی به آنها گفت: بروید گم شوید، مرده شور ریختتان را ببرد، یکی از آنها بی درنگ گفت: بنویس از نظر اخلاق نمره اش صفر است. آیا براستی به نظر شما مقصّر چه کسی بود؟ اگر عمیق فکر کنید و با انصاف باشید خواهید گفت: مقصّر آن دختر و یا آن بانو بود که با آن وضع ظاهر شده بود. (۹۷)

علّت شکست سپاه موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام با تلاشهای پی گیر خود به تدریج بر ستمگران پیروز شد و پرچم توحید و عدالت را در نقاط زمین به اهتزار آورد، او برای توسعه خدا پرستی و عدالت همواره میکوشید، در آن عصر شهر انطاکیه (که فعلاً در ترکیه واقع شده) شهر با سابقه و پر جمعیتی بود ولی ساکنان آن همراه در تحت حکومت خود کامگی ستمگران به سر میبردند و از نظرات گوناگون در فشار قرار داشتند. موسی برای نجات ملّت انطاکیه راهی جز سر کوبی ستمگران و فتح آن شهر و حومه نمی دید، برای اجرای این امر سپاهی به فرماندهی یوشع و کالب تشکیل داد و آن سپاه را به سوی انطاکیه رهسپار کرد. عده ای از مردم نادان و از همه جا بی خبر و اغفال شده انطاکیه گرد عابد خود بلعم با عور که اسم اعظم را میدانست جمع شده از او خواستند تا درباره حضرت موسی علیه السلام و سپاهش نفرین کند، بعلم در ابتدا این پیشنهاد را رد کرد، ولی بعد بر اثر هواپرستی و جاه طلبی جواب مثبت به آنها داد، سوار بر الاغ خود شد تا به سر کوهی که سپاه حضرت موسی علیه السلام از بالای آن پیدا بودند برود و در آنجا در مورد حضرت موسی علیه السلام و سپاهش نفرین کند، در راه الاغش از حرکت ایستاد، هر چه کرد الاغ به پیش نرفت حتی آنقدر با ضربات تازیانه اش آن را زد که کشته شد، سپس آنرا رها کرد و پیاده به بالای کوه رفت، ولی در آنجا هر چه فکر کرد تا اسم اعظم را به زبان آورد و نفرین کند به یادش نیامد و خلاصه چون به نفع دشمن و به زیان حق و عدالت گام برمی داشت شایستگی استجابت دعا در موردش از او گرفته شد و با کمال سرافکندگی برگشت. او که تیرش به هدف نرسیده بود و به طور کلّی از دین و ایمان سرخورده شده بود، دیگر همه چیز را نادیده گرفت و سخت مغلوب هوسهای نفسانی خود گشت از آنجا که دانشمند بود، برای سرکوبی سپاه حضرت موسی علیه السلام راه عجیبی را به مردم انطاکیه پیشنهاد کرد، که همواره برای شکست هر ملتی، استعمار گران از همین راه استفاده میکنند، آن راه و پیشنهاد، این بود. مرد انطاکیه از راه اشاعه فحشاء و انحراف جنسی و برداشتن پوشش و حجاب از زنان و دختران وارد عمل گردند، دختران و زنان زیبا چهره و خوش اندام را با وسایل آرایش بیارایند و آنها را همراه اجناس مورد نیاز به عنوان خرید و فروش وارد سپاه حضرت موسی علیه السلام میکنند و سفارش کرد که هر گاه کسی از سربازان سپاه حضرت موسی علیه السلام خواست قصد سوء با آن دختران و زنها کند مانع او نشوند. آنها همین کار را انجام دادند طولی نکشید که سپاه حضرت موسی علیه السلام با نگاههای هوس آلود خود که به پیکر سفیر عریان زنان آرایش کردند و کم کم در پرتگاه انحراف جنسی قرار گرفتند، سپس کار رسوایی به اینجا کشید که: رئیس یک قسمت از سپاه حضرت موسی علیه السلام زنی را به حضور حضرت موسی علیه السلام آورد و گفت: خیال میکنم نظر شما این است که هم بستر شدن با این زن حرام است، به خدا سوگند هرگز دستور تو را اجرا نخواهم ساخت، آن زن را به خیمه برد و با او آمیزش نمود. کم کم بر اثر شهوت پرستی، اراده ها سست شد، بیماریهای مقاربتی و طاعون زیاد گردید، لشکر حضرت موسی علیه السلام از هم پاشید تا آنجا که نوشته اند بیست هزار نفر از سپاه حضرت موسی علیه السلام به خاک سیاه افتادند و با وضع ننگینی سقوط کردند، روشن است که با رخ دادن چنین وضعی، شکست و بیچارگی حتمی است. این داستان یک واقعیت تاریخی است، به خوبی بیانگر یکی از فلسفه های پوشش،

برای زنان است. خدا را شکر که در پرتو جمهوری اسلامی، در کشور ایران، از بی حجابی و سبکسری ها جلوگیری شد، امید آنکه با هوشیاری بیشتر، از بدحجابی و ورود فرهنگ ننگین غرب، نیز پاکسازی گردد و جامعه سالم بماند. (۹۸)

حقیقت زن

چنانچه زن مایه مباهات است، حجاب سند شخصیت زن است نه وسیله عقب ماندن او در اجتماع، حجاب حریم مقدس و قلعه آرامش زن است، رسم است که هر چیز با ارزش را پنهان دارند تا از دستبرد نااهلان مصون باشد. ای زن، تو نیز با حجاب باش تا اسرار وجودیت، از ارزش نیفتد. حجاب پوشش جسم تو است. چرا که پیامبر اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم آن را برای تو به ارمغان آورد، تا با استفاده از آن به امنیت برسی و باوقار آزادی در جامعه ظاهر شوی و جذابیت وجودت باعث نشود که میکروبها و انگلهای جامعه حقیقت وجود تو را تهدید نموده و آن را به فساد و تباهی بکشاند. حجاب صدف است و گوهری گرانبها، با حجاب شدن به نمایش گذاشتن شخصیت واقعی زن و محدود کردن جسم و آزاد گذاشتن روح و عقل است و بی حجابی یعنی پنهان شدن حقیقت زن و در پوشش جاذبه جنسی و بدحجاب میکروب جامعه است که بر روح و افکار افراد رسوخ میکند و آن را مشوش میکند. حجاب به عنوان سرمایه عظیمی برای زن است، این نقش مهم را ایفا میکند، پرده سیاهی بر چشم هوسبازان کشیده و به او اجازه میدهد سرمایه های وجود خویش را در کانون گرم خانواده متمرکز نموده و با عرض استوار و خلل ناپذیر اولین هسته اجتماعی را پی ریزی کند. اگر خداوند متعال حجاب را بر زن واجب کرد، چون زن یک موجود زینتی و ظریفی است و میخواسته با این حجاب زن را یک موجود محترم بداند نه اینکه فقط وسیله ای باشد برای دفع شهوت مرد. (۹۹)

هتاکی و خشونت برای مبارزه حجاب

در خاطرات صدرالاشرف آمده است: در اتوبوس زن با حجاب را راه نمی دادند ودر معابر پاسبانها از اهانت و کتک زدن به زنانی که چادر داشتند با نهایت بی پروایی و بی رحمی فرو گذار نبودند. حتی بعضی از مامورین به خصوص در شهرها و دهات، زنهایی که پارچه روی سرانداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده پاره پاره میکردند و اگر زن فرار میکرد او را تا توی خانه اش تعقیب میکردند، و به این اکتفا نکرده، اتاق زنها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل میدیدند، پاره پاره میکردند یا به غنیمت میبردند. محمدرضاشاه راجع به کشف حجاب در کتاب ماموریت برای وطنم اشاره دارد، میگوید: اقداماتی که پدرم برای ترقی و پیشرفت معنوی بانوان به عمل آورد، طبعاً با مخالفتهایی مواجه میگردید، ولی با آن شهامت و دوراندیشی فطری که داشت موانع را از پیش برداشته و راه را هموار میساخت چنانکه مثلاً در سال ۱۳۰۷ که مادرم به زیات عتبه منوره (حضرت معصومه (علیها السلام) به قم مشرف شده بود، با وجود آنکه خود و همراهانش در نقاب بودند، ولی باز چون چادرشان کمی کوتاه بود، از طرف بعضی از متعصبین جاهل مورد طعن و توهین قرار گرفتند. به مجردی که این خبر به تهران رسید، پدرم با چند کامیون سرباز به آن شهر رفت و عامل آن اهانت را شخصا تنبیه فرمود... پدرم در آغاز به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال ۱۳۰۹ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول در خانه های خود و مجالس مهمانی به لباس اروپایی در آمدند وعده کمی هم جرات کرده، بدون حجاب در خیابانها ظاهر میشدند. در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش آموز، با داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمی رفتند. بالاخره در سال ۱۳۱۴ روز هفدهم دی پدرم با اعلام کشف حجاب قدم نهایی را در این راه برداشت و از مادرم و خواهرم خواست که بدون حجاب همراه وی در یکی از جشنهای مهم رسمی کشور حاضر شوند. جشن مزبور به مناسبت اعطای دانشنامه به بانوانی که از دانش سرا فارغ التحصیل شده بودند، برگزار میشد و موقع بسیار مناسبی برای این تصمیم عمومی بود. تا آنجائیکه اطلاع دارم این اولین باری بود

که در تاریخ جدید ایران بانوان بدون حجاب در مراسم رسمی عمومی شرکت میجستند و پرواضح است که موقعیت در این آزمایش بزرگ مرهون ابتکار پدرم و تا درجه ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بود که در برابر رسوم کهنه و مورد حمایت اکثریت مردم از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ و رجال کشور بود، قیام کنند. اما رضاشاه میدانست که بسیاری از مردم ترقی خواه کشور و روحانیون دانشمند و کسانیکه در خارج یا در تهران در مدارس خارجی تحصیل کرده بودند، طرفدار تصمیم عاقلانه او هستند. اقدام رضاشاه موفقیت کامل یافت و متعاقب آن پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد. به موجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت و اگر زنی با روبند و چادر در کوچه پیدا میشد، پاسبان از وی تقاضا میکرد که روبند خود را بردارد، و اگر امتناع میکرد اجبارا او را برمی داشتند. سرانجام بااعلام رسمی کشف حجاب زنان از طرف رضاخان در سالهای قبل و بعد از ۱۳۱۴ جامعه ما با دو گروه مواجه بود دسته ای که فرهنگ غربی را پذیرفته بودند و به دنبال آن به خاطر آزادی و تساوی حقوق تغییر لباس را نیز پذیرفتند. و گروهی دوم این تغییر لباس را قبول نکردند و دقیقا آنها بودند که آن فرهنگ را نپذیرفته بودند و گول آن به اصطلاح ترقی و آزادی و تساوی حقوق صد البته به اصطلاح غربی را نخورده بودند و همانهایی بودند که در برابر آن همه زور و قلدری مقاومت کردند. مساله به ظاهر خیلی ساده بود، رضاخان میخواست زنان را از چادر بیرون آورد و آنان را وارد دنیای پرنور و مدرن کند، ولی اکثریت عظیم این مردم در برابر این پیشنهاد ساده، تا سر حد جان مقاومت کردند و حتی حاضر شدند جان خود را فدا کنند و کفن بپوشند اما لباس غربی نپوشند. راستی که دفاع زنان ما از لباس و حجابشان در قضیه کشف حجاب رضاخانی، یک حماسه غرورانگیز در تاریخ ملت ماست. (۱۰۰)

چادر سیاه سرگرفتن زنها از چه زمانی آغاز شد

در تفسیر ابن کثیر آمده: امّ سلمه روایت کرده، وقتی که آیه فوق نازل شد، زنان طایفه انصار جامه های پشمی سیاه به سر میکردند، و در سیاهی مانند زاغها بودند، و با همین وضع از کنار رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم عبور میکردند. رسول اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم در این مورد به آنها اعتراض نکرد، و همین دلیل تقریر و امضاء آن حضرت است، و تقریر او مانند قول او حجت میباشد. (۱۰۱)

انهدام خانواده

در یکی از خانواده های محترم، زنی زیبا و خوش اخلاق زندگی میکرد، او با شوهر و چهار فرزندش با وجودیکه شوهرش چندین سال از او بزرگتر بود. در یک جوّ پر مهر و محبت و با تفاهم کامل روزگار را سپری میکردند. نزدیک خانه ایشان کاسب خبیثی بود که همیشه به زیبایی آن زن (که بی حجاب بود) چشم دوخته و در او طمع میکرد، کم کم با کلمات و نغمه های عاشقانه ای او را فریب داد و به او گفت: تو زنی زیبا و کم سن هستی، چگونه به زندگی با اینمرد بزرگسال تن میدهی! و پیوسته در گوش او زمزمه میکرد... تا اینکه شوهر آن زن تحت فشار همسر فریب خورده اش مجبور شد طلاقش دهد تا با آن مرد جوان کاسب ازدواج کند، به این ترتیب (بی حجابی) کانون گرم خانواده ای را منهدم، میان دو همسر جدایی و بالا خره: فرزندان آنها را ضایع و آواره ساخت. (۱۰۲) و همه بلاها بر اثر بی حجابی بود. اگر این زن حجابش را در دست میگرفت چشم دزدان ناموس به او نمی خورد و زندگی شیرین منهدم نمی گشت.

جنایتهای خاندان پهلوی

پهلوی اول دستور داد هر رئیس صنفی باید هم صنفان خود را در روز معیّنی همراه با زنانشان و بدون حجاب در محلّی جمع نماید.

روز اوّل از خود شاه و زن بی حجابش شروع شد، روز بعد از وزراء و خانواده هایش و روز سوم وکلا... و به همین ترتیب تا یک روز هم نوبت به اهل علم و خانواده هایشان رسید. این برنامه ریزی برای آن بود که اهل علم را مجبور به چنین عملی بکنند و در نتیجه بی حجابی رواج پیدا کند. شاه از امام جمعه خواست این کار را ترتیب دهد، امام جمعه آن وقت از شاه مهلت خواست چون میدانست گوش ندادن به حرف شاه چه عاقبت سختی را به دنبال دارد. امام جمعه به نزد مرحوم آیت اللّه سید محمد بهبهانی (قدس سره) آمده جریان را به عرض ایشان رسانید ایشان فرمود: این را بدانید برای هر انسانی چهار چیز است. یکی مال، دیگری زندگی، سوّم ناموس، چهارم دین حال اگر بنا باشد یکی از این فدای دیگری بشود، باید مال را فدای زندگی، زندگی را فدای عرض و تمام را فدای دین کرد. بعد مرحوم آیت اللّه به امام جمعه فرمود: شما عمر خود را نموده اید و از عمرت چندی بیش باقی نمانده چه بهتر که دستور را عملی نکنی، زیرا اگر به دستور شاه عمل کردی خودت را به عذاب ابدی گرفتار خواهی نمود. اضافه بر این تاریخ هم ترا لعن میکند، اما اگر کشته شوی سعادت دنیا وآخرت را برای خود کسب نموده ای پس از آن شاه امام جمعه را برای گرفتن جواب طلبید، امام جمعه همان جوابی را به شاه داد که آن مرحوم فرموده بود. پهلوی از سخن او بسیار خشمگین شده گفت: این سخن او نیست بلکه سخن سیدمحمّد بهبهانی است و به ناچار آن عالم را رها ساخت و خداوند هم آنها را از شر پهلوی نجات داد و به عزت دنیا وآخرت نائل گشته رحمت خدا بر آنان باد. حقانیت حجاب (۱۰۳) حجاب، مانند فانوس است و زن شبیه به شمع است و حیا و عفت او همانند نور شمع، یعنی زن عفیف همچون شمع روشن است و زنی که عفت خود را از دست داده و بی حیا شده چون شمع خاموش است. در قدیم فانوس یک ظرفی بود مسی و یک پارچه شمعی که نور پس میداد، در اطرافش بود، شمع را داخل آن میگذاشتند و بعد روشن میکردند حال اگر باد میوزید این شمع خاموش نمی شد. اما اگر شمعی بیرون بود، همین که نسیمی میوزید، خاموش میشد: زن شمع و این حجاب چون فانوس است روشنی همیشه شمع به فانوس است. شمع اگر بخواهد روشن بماند، باید در این فانوس باشد و این فانوس برای حفظ نور و روشنایی اوست وزندان نیست. (۱۰۴)

پر طاووس

طاووس تا وقتی که پر دارد زیبا و قشنگ است اگر پر طاووس را از او بگیری و عریان بشود، چقدر زیبایی خود را از دست میدهد. در حقیقت حجاب برای زن همانند پر برای طاووس است. (۱۰۵) پوشش برای شیر زن آگاه چون پر بود که زینت طاووس است چون پر بود که زینت طاووس است

ارزش چادر

می دانید چادر یعنی چه درِ خانه شما چقدر ارزش دارد؟ بگو ۱۰۰ هزار تومان حال اگر این در کنده بشود و یک شب بی در باشی، چقدر ضرر دارد؟ چادر یعنی در خانه. ۱۰۰ هزار تومان میدهد، یک میلیون تومان حفظ کند. دور خانه هایتان سیم و میله میزنید، یعنی چند هزار تومان خرج میکنید، اما صد برابرش را حفظ میکنید، خارجی ها چادر ندارند پس خانه شان هم در ندارد البته دیوار هم ندارد. هر که خواهد گو بیا و هر که خواهد گو برو. شما دیده بودید که در آبادان، انگلیسی ها آمده بودند آنجا خانه ساخته بودند. آنجا دیوار نکشیده بودند، گفتند: چرا نمی کشید؟ گفتند با دیوار فضای خانه گرفته میشود. باید خانه باز و دلباز باشد وهمه خانه ها میشود یک خانه. حال بیا و همه خانه ها را نگاه کن. زنها از خانه بیرون میآمدند، ! اما در معرض دید همه مردم، آبادانیها که این طور نبودند، انگلیسی ها این ارمغان را برای ایشان آوردند. و الاّ اینها از غیورترین و جدّی ترین مردم بودند. اما مدتی با اینها معاشرت کردند و عوض شدند. الان هم دارند زنده میشوند و خودشان را دارند حفظ میکنند و گذشته را جبران میکنند چه شهیدهای خوبی اینها در انقلاب دادند و چه صبر خوبی در دوران مهاجرت انجام دادند امّا این غم فسادی که اینها خوردند از

معاشرت با انگلیسی ها بود. شما میدیدید خانواده هایی که وضع خوبی داشتند، رفتند اروپا و برگشتند و بی غیرت شدند. (۱۰۶)

بخشنامه ضد حجاب

وزیر آموزش و پرورش رژیم گذشته منوچهر گنجی به دستور مسئولان رژیم بخشنامه زیر را برای اجراء به سراسر کشور صادر کرد (۲۳/۸/۲۵۳۵ (۱۳۵۵ شمسی) شماره ۲۴۳/۳۶ از دفتر خدمات محرمانه) اداره کل آموزش و پرورش طبق گزارشات رسیده، مشاهده میشود هنوز در جلسات امتحانات مدارس و در کلاسهای درس دوشیزگان با چادر حضور پیدا میکنند و با توجه به تحولات بنیادی که در عصر رستاخیز در کلیه شئون کشور بخصوص در زمینه آزادی زنان بعمل آمده اند لذا استفاده از چادر صرف نظر از اینکه با روح انقلاب سفید ایران سازگاری ندارد، از نشانه های عقب ماندگی زنان از کاروان ترقی و تمدن نیز به شمار میرود. دستور فرمائید مراقبتهای لازم به عمل آید که در کلاسهای درس و جلسات امتحانی دانش آموزان و بانوان بدون چادر و با لباس مناسب شرکت نمایند. مدیر کل و رؤسای ادارات آموزشی و پرورشی مسئول اجراء این دستور میباشند وصول بخشنامه و نتیجه اقدامات محوله را به دفتر حفاظت اعلام دارید. وزیر آموزش و پرورش منوچهر گنجی لازم به تذکر است که منوچهر گنجی از عناصر فراری رژیم گذشته و از ضد انقلابیون مقیم خارج کشور است که اسناد ارتباطش با سیا و اخبار دریافت کمک وی از آمریکا در سالهای گذشته منتشر شده است (ماهنامه صبح سال دوم شماره ۶۶ ص ۶۲ عین بخشنامه را گردآوری کرده است. بخشنامه یادشده دو سال قبل از انقلاب صادر شده است و ملاحظه میکنید که اگر انقلاب نشده بود رژیم منحوس چه فاجعه ای بوجود میآورد. چنانکه در سال ۱۳۵۵ نیز تصویب کردند که ضمن تعلیمات اجباری ورود بانوان، دانشجویان و دانش آموزان دختر باحجاب به مراکز آموزشی ممنوع است، سوار کردن افراد با حجاب به قطار، هواپیما و ماشین های شرکت واحد ممنوع میباشد و بلیط به آنها فروخته نمی شود فقط بانوان ۶۰ سال به بالا ـ مثتثنی هستند و نگارنده خود قبل از انقلاب در یکی از شهرهای غرب کشور شاهد بودم که زنان بی حجاب را آنهم با وضع بسیار زننده ای در مدارس راهنمائی پسرانه بعنوان معلمین دینی منصوب کرده بودند و بارها میدیدم که معلمین بی حجاب آرایش کرده در خیابانها راه افتاده و دانش آموزان را که همانند عروسک آنها را درست کرده بودند بدنبال خود میگردانیدند. خدا را شکر میکنیم که با این انقلاب اسلامی ملّت ما بخصوص زنان و جوانان از آثار خانمانسوز نقشه های بیگانگان در امان ماندند و الحمدللّه. (۱۰۷)

ارزشهای گرانقدر حجاب

زن با حجاب و چادری، رضایت پروردگار را به دست میآورد. زن بد حجاب وبی حجاب سبب خشنودی شیطان میشود. حجاب مواظبت از گل میباشد. جمال زن در جلال حجاب است. زن با حجاب، نزد شوهر محبوبتر است. حجاب باعث آرامش روح است. حجاب نشانه عدم کمبود و عدم حقارت نفس است. حجاب، باعث دوام بیشتر زندگی میشود. اضطراب در زنان با حجاب، نسبت به بد حجابها کمتر است. حجاب مصونیت است، نه محدویت. حجاب و چادر، نشانه عفاف زن است. دختر با حجاب، زودتر همسر میابد. حجاب، ارزش زن را بالاـ میبرد. حجاب، یعنی، گسستن قیود اسارت نفس و رهایی از آن است. فساد و سقط جنین در با حجابها کمتر است. زن با حجاب، مردان هرزه را در اهدافشان نا امید میکند. حجاب نشان دهنده حیا و پاکی روح و روان زن است. زن با حجاب، در تحصیل علم موفقتر است. حجاب و تقوا، آدمی را بهشتی میکند. حجاب، مانع ایجاد فرزندان نامشروع میشود. حجاب، نشان د هنده استقلال در فرهنگ مذهبی و ملّی است. چادر مشکی زن و حجاب او، تیر زهر آلودی برقلب شیطان بزرگ است. حجاب، خطرات اوباش و اراذل را از زن دور میکند. طلاق و فروپاشی زندگی در زنان با تقوا و با حجاب کمتر است. زن محجّبه، باعث عزت و سرافرازی خود و شوهرش است. محجّب بودن، یعنی، خروج از ولایت شیطان و د خول در ولایت اللّه است.

زن با حجابش، د شـمنان را در اهدافشان که همان ضـربه به اسلام است، شکست میدهد. زن باحجابش، رو ح شهدا را شاد میکند و به جر گه پیروان واقعی شـهدا میپیوندانـد. زن باحجاب، حق شوهر را ضایع نمی کنـد و به او خیانت نمی ورزد. چادر مشکـی، باعث غمگینی شـیاطین و هرز گان و روشـنی دل مؤمنان است. حجاب زن، نشانه غیرت پـدر، برادر و شوهرش است. حجاب، مبیّن ایمان و اعتقاد زن به خداوند سـبحان و روز قیامت است. حجاب، بیانگر شخصیت حقیقی زن است، در حالی که بد حجاب اصالت و هویّت خود را از دست میـد هـد. زن چادری و با حجاب، مطیع خـداست و زن بد حجاب، مطیع شـیاطین است. زن محجّب، شـیطان را (در عملِ خود که همان فساد و انحراف است نا امید میکند. زن با حجاب، باحجابش به قرآن شریف و ائمه (علیهم السلام) و خون شهدا و....احترام میگـذارد، ولی بـد حجاب به همه اینها کـج دهنی میکنـد. دختران و زنان با حجاب، از لحاظ روحی و اخلاقی سالمترند، در حالی که بـد حجاب و بی حجاب با ناز و عشوه... میخواهـد نقایص خود را جبران کنـد. زن با حجاب، باپوشـش خود، آرایش و زینت را به شوهرش اختصـاص میدهـد، ولی بـد حجاب با عشوه و آرایش خود، میخواهـد محبوب همه باشـد، نه شوهر خویش. زن باحجاب، همچون مرواریـد است در صدف که به شوهرش اختصاص دارد، ولی زن بد حجاب، مانند جواهرات بدلی بدون پوشـش هسـتند که در هر جـا به چشم میخورنـد. زن بـا حجاب، نخستین عشق و گوهر عفت خود را به شوهرش تقـدیم میـدارد، ولی زن بی حجـاب و بی تقـوا، بعـد از معاشـرتهای بسیار و در معرض نگاههـای مختلـف قرار گرفتن، شایـد آخرین عشـق خـود را به شوهرش میدهد. زن به بفرموده حضـرت علی علیه السلام : مانند گل خوشبو است. حجاب باعث میشود، زن لطافت و طبیعت خود رااز دست ندهـد وماننـد گلی شود که در دسترس همگان نیست و زود پژمرده نمی شود، ولی زن بی حجاب وبـدحجاب، مانند گلی است که در اماکن عمومی و پارکها قرار دارد و سـریع لطافت و طبیعت خود را از دست میدهـد و باغبان که همان شوهر است، اندك اندك به گل بی اعتنا میشود. زن محجوبه، چون کمتر دیده میشود، محبوب است و هر چه محبوب شد مطلوب است. (۱۰۸)

توصیه چارلی چاپلین به دخترش

چارلی که در آوریل ۱۸۸۹ در لنـدن به دنیا آمد، یکی از کمدین های مشـهور جهان است. در نامه ای به دخترش میگوید: برهنگی بیماری عصـر ماست و من پیرم شاید حرفهای خنده آور میزنم، امابه گمان من تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری. (۱۰۹)

نتیجه

از آنچه گفتیم معلوم شد که زن، با حجاب خویش میتواند شـرافت خویش را حفظ کند و زن شایسـته ای برای همسرش باشد. زن با حجاب خود میتواند همسـرش را اسیر خود گرداند و اگر شوهرش بی اعتقاد هم باشد به دنبال زن دیگری نرود که خود این مساءله، باعث اسـتحکام نظام خانواده میگردد. بر همین اساس بود که بازیگران و گوینـدگان سابق سـینما و تلویزیون از آن کارها توبه کرده انـد و هنرمنـد واقعی گشـته انـد و حفـظ شخصـیت حقیقی خود را در حجـاب یافته انـد و دانسـتند که پیش از آن ملعبه دست مشتی خدانشناس بوده اند، و از وجود و زیبایی آنان برای جلب مشتری بیشتر در فیلمها استفاده میشد، تا به این طریق زراندوزان از خدا بی خبر سـریعتر به مطامع دنیوی برسـند. دلسوزانه به همه بانوانی که در این راهها قـدم مینهنـد عرض میکنیم: راهی که دیگران رفتنـد و سالهـا تجربه کردنـد و چیزی جز ضـرر برایشان حاصل نشـد، عاقلانه نیست شـما آن راه را برویـد. تقاضا داریم به آغوش اسـلام باز گردیـد ودرسایه لطف و رحمت خداونـد بزرگ زندگی کنید، که سـعادت دنیا و آخرت در آن است. و گناه و نافرمانی حق تعالی ضررش به خود انسان بر میگردد. برهمین اساس خداوند سـبحان میفرماید:... یا ایّها الناس انّما بغیکم علی انفسکم... ای مردم، طغیان و سر پیچی از دستورات الهی، ضررش به شما بر میگردد. (۱۱۰)

فساد و سقوط اجتماع

از دیر باز فساد، عامل تباهی اجتماعات بشری بوده است بطوری که میتوان این تجربه را بعنوان یکی از قوانین حاکم بر ملّتها بحساب آورد که تاریخ موارد آنرا بطور مکرر ثبت کرده است. امّتهای گذشته، مسلمان و حتی جوامع غیر اسلامی هر یک زیانهای ناشی از این فرهنگ را متحمل گشته اند که در این نوشتار بذکر نمونه ای از هر یک بسنده میکنیم.

شکست مسلمانان وزوال اسلام در اندلس

اَنـدُلُس که امروز اسپانیا نامیده میشود در سال ۷۱۱ میلادی به تصرف مسلمانان در آمد با آن که اروپا در حالت توحش و قرون وسطائی میزیست، مسلمانان اسپانیا را باوج تمدن و دانش رساندند. دکتر گوستاولون دانشمند معروف فرانسوی در اینباره مینویسد:در زمان مسیحیان اسپانیا قبل از اعراب، تمدن و آبادی جز همان مقدار که وحشیان گوت داشتند در این کشور بچشم نمی خورد، اعراب مقارن باپایان فتوحات خود در این سرزمین دست به اصلاحات و عمران و آبادی زده و در زمانی کمتر از صد سال توانستند زمینهای لم یزرع و موات را زیر کشت و زرع در آورده و شهرهائی که بصورت ویرانه در آمده بود از نو بسازند و بناهای بسیار عالی و مهم در آنجا بنا کنند و از طرفی ارتباطات خارجی با کشورهای دیگر برقرار سازند. سپس دست به ترویج علوم و دانش زده بهمین منظور کتب یونانی و لاتینی را به زبان عرب ترجمه کردند، دانشگاههای بزرگی تاءسیس نمودند که یکی از همین دانشگاهها مدت زمانی مرکز نشر علوم و معارف در تمام قاره اروپا شده بود...و در حقیقت قرطبه برای مدت سیصد سال مترقی ترین شهرهای دنیای آنروز بوده است. مسلمانان حدود ۸۰۰ سال در اسپانیا قدرت را در دست داشتند و اسپانیا در این مدت مهد علم و تمدن گردیده بود تا آنکه دشمنان با انتشار فساد و بی حجابی و رواج مشربات الکلی و بی بندوباری و بالاخره در اثر اختلاف زمامداران حکومت مسلمانان ساقط گردید. بلکه طبق نوشته دکتر گوستاولوبون: بعد از سقوط حکومت مسلمین، نخست مسلمانان را بزور وادار به قبول دین مسیح کردند، سپس محکمه های تفتیش عقائد، دستور سوزاندن این تازه مسیحیان را داد. ببهانه اینکه اینها واقعاً به دین مسیح در نیامده اند و بقیه را وادار به مهاجرت کردند. در سال ۱۶۱۰ میلادی دولت اسپانیا دستور داد تمام اعراب از اسپانیا بیرون روند و مهاجرت کنند اعراب که با این دستور ناچار بجلای وطن گشتند در سر راه که میخواستند از اسپانیا هجرت کنند بیشترشان بدست مسیحیان کشته شدند آنگاه بنقل از راهب بلیدا میگوید: ۴/۳ این مهاجران در اثنای مهاجرت کشته شدند. و اضافه میکند: و او (بلیدا) همان کسی است که کاروان یکصد و چهل هزار نفریشان را کشت. این مورخ معروف فرانسوی بنقل از سدیلو مورخ معروف مینویسد: از زمانی که فردیناند اسپانیا را فتح کرد، تا آخرین مهاجرت اعراب سه میلیون نفر از نفوس اسپانیا کاسته شد. می بینیم چگونه یک ملت مسلمان بر اثر فساد؛ حکومت، فرهنگ، دین و حتی جان خود را از دست دادند. آری اینست نتیجه جوامعی که از مسیر فطرت منحرف گشته و در گرداب فساد غوطه ور شده اند. باشد که کشورهای اسلامی از آن درس عبرت بگیرند. پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: لا یُلْدغ الْمُؤمِن مِنْ جُحرٍ مَرَّتَین مؤمن هرگز از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود. (۱۱۱)

گفته ها

براستی فساد بصورت کنونی جز بدبختی و نکبت چه چیزی را با خود بارمغان آورده است عمق فاجعه ناشی از فرهنگ بر هنگی آنقدر زیاد است که سران استکبار را هم بفریاد درآورده است کندی رئیس جمهور اسبق آمریکا میگوید: از هر هفت جوانی که به سر بازی اعزام میشوند ۶ نفرشان نالایق و سست عنصر از آب در میآیند و این بدان سبب است که افراط در شهوترانی استعدادهای

بدنی و روانی آنان را کاسته است. خروشچف رئیس اسبق اتحاد جماهیر شوروی در اینباره میگوید: آینده شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه امید بخشی ندارند، زیرا بی بندوبار و اسیر شهوات گشته اند. ویل دورانت مورخ معروف میگوید: ما میراث اجتماعی خود را با این فساد انبوه به هدر خواهیم داد. جالب تر آنست که بدانیم عوارض شوم فساد بجائی رسیده است که حتی کندی در خواست کمک کرده و میگوید: نسل جوان اروپائی و آمریکائی هوسبازند من برای نسل آینده آمریکا بیمناکم. از این رو دانشمندان و روشنفکران و مصلحین اجتماع را دعوت میکنیم که در باره این خطر بزرگ که دنیای بشریت را تهدید میکند فکری کرده و راه علاجی پیدا نمایند. آری حجاب است که با کنترل غریزه و نظم و قانون بخشیدن با رضای آن جامعه را استوار ساخته، و آنرا در مقابل عوامل سقوط بیمه خواهد کرد. بامید بیداری جوامع اسلامی و بازگشت به فرهنگ ملی اسلامی خود. عاقبت اندیشی مردی با اصرار از پیامبر گرامی اسلام صلّی الله علیه وآله وسلّم خواست تا به او پندی بیاموزد؛ رسول اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم تا سه بار به او فرمود: اگر بگویم بکار میبندی هر سه بار جواب شنید. بلی یا رسول اللّه. آنگاه پیامبر فرمود: اِذا هَمَمْتَ بِأ مرٍ فَتَدَبَّرَ انْ یَکُ رُشْدا فَامْضِهْ وَ انْ غَیّاً فَانْتَهِ عَنْه. هرگاه تصمیم بکاری گرفتی در عاقبت آن کار بیندیش اگر دیدی عاقبتش خوب است آن را دنبال کن و اگر عاقبتش تباهی است از آن صرف نظر کن. کاش بی حجابان عصر ما لحظه ای به نتایج کار خویش میاندیشیدند! و آینده فرزندان و جامعه خویش را با دست خود بخاطر تقلید از بیگانگان به آتش نمی کشیدند!! غم انگیزترین فاجعه معاصر آنست که بعضی از زنان جوامع اسلامی به فطرت، مذهب، فرهنگ و تمدن ملّی خود، پشت پا زده و بجای آنکه به عواقب شوم و خطرناک آن بیندیشند. افتخار میکنند که به فرهنگ از ما بهتران!؟ نزدیکتر شده و متمدّن و متجدّد! گشته اند. کاش حفظ شخصیت زن و استواری جامعه خویش را بر خودنمائی و آرایشهای مبتذل مقدّم مینمودند. کاش بجای تقلید کورکورانه و غرق شدن در این مرداب خطرناک با دیده ای باز به بررسی فوائد حجاب و عوارض فساد پرداخته و آنگاه راه خویش را انتخاب میکردند. (۱۱۲)

حجاب پیام عاشورا

قیام خونین کربلاء که ماهیّتش امر به معروف ونهی از هر منکر بود بنیان فساد را لرزاند. آری سالار شهیدان برای حفظ ارزشهای متعالی دین بپا خاست و به شهادت رسید. ولی رسالت عاشورا همچنان در قافله اسیران کربلا پی گیری شد، با قافله اسیران غم همراه میشویم تااز لابلای کلمات آن عزیزان پیام عاشورا را با گوش جان بشنویم. یزید فاجعه کربلاء را با تبلیغات فراوان پیروزی خواند و مردم را برای تماشای پیروزیهایش دعوت کرد، اینک قافله اسراءنزدیک شهر دمشق رسیده است، ام کلثوم نزد شمر آمد و فرمود: ما را از راهی ببر که تماشاچیانِ کمتری جمع شده اند و سرهای مطهّر شهیدانمان را از بین محمل و کجاوه های ما جدا کن و آنها را در جلو قافله حرکت بده تا توجّه مردم به دیدن آنها جلب گردد و صورت دختران پیامبر از نگاه نامحرمان محفوظ بماند. ام کلثوم اینگونه مسؤلیت خویش را ادا نمود ولی به این در خواست توجهی نگردید. قافله اسیران به شهر شام داخل شد سهل بن سعد ساعدی میگوید: ناگاه دیدم زنانی بر شتران بی روپوش سوارند نزدیک شدم واز نخستین زن پرسیدم کیستی! گفت: سکینه دختر امام حسین علیه السلام هستم. گفتم: آیا حاجتی داری تا برآرم که من سهل بن سعد ساعدی هستم جّد ترا دیدم حدیث او را شنیدم. گفت: ای سهل به حامل این سر بگو که آنرا پیشتر بَرد تامردم مشغول نگریستن آن شوند و به حرم پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم نگاه نکنند. سهل میگوید: چهار صد دینار دادم تا سر را جلوتر بُردند. قافله اسیران را نزد یزید آوردند زینب (علیها السلام) لب به اعتراض گشوده فرمود: ای پسر آزاد شده!!آیا عدالت اینستکه زنان و کنیزانت را در پشت پرده و مارا در بین نامحرمان جا داده ای امّا سکینه (علیها السلام) اندوه جانکاهش را با گریه اظهار میکند. وقتی یزید از او پرسید: چرا گریه میکنی فرمود: چگونه گریه نکند کسی که روپوشی ندارد تا با آن صورتش را از تو و نامحرمانی که در مجلس تو حاضرند بپوشاند؟ آری او میگرید که چرا روپوشی برصورت ندارد. وبدینسان پیام مکتب عاشواء نیز حفظ حجاب است. (۱۱۳)

تاریخچه، اهداف وشیوه

برهنگی وبی حجابی دامی شیطانی است: در قرآن برهنگی و فساد را از دامهای شیطان معرفی کرده است: یابنی آدم لاـ یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنه ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوء تهما انه یراکم هو وقبیله من حیث لاترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لایؤمنون ای فرزندان آدم مبادا شیطان شما را بفریبد، آنگونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، لباسشان را از تنشان بیرون آورد تا عورتشان را به آنها بنمایاند شیطان و وابستگان او از جائی شما را میبینند که شما آنها را نمی بینید ما شیاطین را اولیاء دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند. با توجه به آنکه لباس و حجاب وسیله ای است برای زینت، عفاف، وتقوی. کشف حجاب هم از دامهای شیطان و اولیاء اوست. بهمین جهت قرآن ضمن تشریح دامهای شیطان به مسلمانان اینگونه توصیه میفرماید: یا ایها الذین آمنوا لاتتّبعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان فانه یاءمر بالفحشاء و المنکر ولو لا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من اءحد اءبدا ولکن الله یزکی من یشاء و الله سمیع علیم ای کسانی که ایمان آورده اید از دامهای شیطان پیروی نکنید هرکس از این دامها پیروی کند شیطان او را به فحشاء ومنکر دستور میدهد و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نمی بود هرگز هیچیک از شما پاک نمی شد ولی خداوند هر کس را که بخواهد تزکیه خواهد کرد و خدا شنونده و داناست. (۱۱۴) (۱۱۵)

تاریخچه بی حجابی

از فصلهای گذشته بخوبی معلوم شد که تاریخ حجاب به آفرینش اولین موجودات روی زمین یعنی حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) برمی گردد وفراز و نشیبهای بی شماری که در طول تاریخ رخ داده نتوانسته آن را از بین ببرد. تاریخ بی حجابی به سبک جدید آن از رنسانس علمی صنعتی اروپا آغاز میشود و طبق شواهد تاریخی کارخانه داران بزرگ برای استفاده از نیروی کار ارزان قیمت زنان، زمینه باصطلاح آزادی!! زنان و امکان حضور آنان را در محیط کار پدید آوردند. زنان بی خبر از همه جا در تلاش فراوان برای دست یافتن بحقوق اوّلیه خویش!!گول این تبلیغات دروغین را خورده و آنان را در اینجهت یاری دادند!! دامنه این اقدامات کم کم کشورهای اسلامی را نیز فرا گرفت و بصورت سلاحی کار آمد برای تضعیف معنویت و اخلاق و سقوط اسلامی بکار گرفته شد و استعمارگران در جهت ترویج آن از هیچ اقدامی فروگذار نکردند در این راستا واژه های بسیاری تغییر کرد مذاهب جدیدی توسط استعمار ساخته شد حرفهائی در قالب علمی مطرح گردید و... نخستین کشور اسلامی که اقدام بکشف حجاب از بانوان کرد افغانستان بود. امان اللّه خان پادشاه افغانستان مسافرتی به اروپا کرده و در مراجعت از اروپا در سال ۱۳۰۶ شمسی به ایران آمد و از طریق خراسان بکشورش باز گشت به محض ورود به پایتخت اعلام نمود که زنان بایستی بدون حجاب باشند و نخست خود با همسرش بدون حجاب در مجامع و محافل ظاهر شد. این بی پروائی آنهم در کشوری چون افغانستان موجب قیام عمومی در آن کشور گردید و امان اللّه خان ناچار به استعفا و ترک کشور شد. دومین کشور را میتوان ترکیه دانست: بعد از سقوط دولت عثمانی در ترکیه آتاتورک در سال ۱۳۱۳ فرمان منع حجاب را صادر کرد. در ایران آغازگر بی حجابی را زنی بنام قرهٔ العین دانسته اند وی که در سال ۱۲۲۳ در یک خانواده مذهبی در قزوین بدنیا آمد با ظهور باب به این مسلک استعماری پیوست. وی با کشف حجاب و آرایش کامل ظاهر میگشت و به ترویج بهائیت میپرداخت تا آنکه فشار افکار عمومی بر دولت ناصرالدین شاه بالاـ گرفت و قرهٔ العین معدوم گردید. ولی زمینه سازی برای کشف حجاب بطور رسمی همزمان با اقدامات آتاتورک آغاز گردید در سال ۱۳۱۳ وزیر معارف وقت مسافرتی به شیراز میکند و بمناسبتی مجلس جشنی که از پیش تدارک دیده شده بود برپا میکند که عدّه زیادی از طبقات مردم در آن شرکت نموده بودند پس از ایراد سخنرانیها و نمایش در خاتمه آن عده ای از دوشیزگان بروی صحنه (سِن) نمایان میشوند و ناگهان نقاب از چهره بر میگیرند و ارکستر رقص مینوازند و دختران به

پای کوبی میپردازند. اعتراض و فشار افکار عمومی در همان مجلس و در شهر بالا میگیرد و رضا خان بخاطر هراس از قیام عمومی انجام این اقدام شوم را بتاءخیر میاندازد. ولی پس از مسافرت به ترکیه و اطمینان از آنکه کشف حجاب در کشورهای اسلامی قیام عمومی را بدنبال نخواهد داشت بصورت جدی وارد عمل میگردد. کتاب تاریخ بیست ساله ایران در اینباره مینویسد: مجالس جشن و سخنرانی ابتدا در تهران و شهرهای شمال ایران و سپس بتدریج در سایر شهرها برقرار میگردد. ولی پیشرفت زیادی نداشت و اکثریت مردم نه تنها استقبال نمی کردند بلکه با نظر تنفّر مینگریستند تا روز ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ که شاه باتفاق ملکه و شاهدخت ها در جشن دانشسرای مقدماتی حضور یافتند. محمود جم نخست وزیر وقت میگوید: جالب تر از همه این بود که میهمانان حتی وزراء که یک عمر بود با هم دوست و رفیق بودند آنروز برای اولین بار صورت زنهای یکدیگر را میدیدند. چونکه تا آنروز هیچ دوستی مجاز نبود صورت زن دوست خود را ببیند. البته این اقدامات بعد از به خاک و خون کشیدن اجتماع مردم مشهد صورت میگیرد در این اجتماع که در تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۴ برای انصراف شاه از عمل تغییر لباس و کشف حجاب در مسجد گوهرشاد قبل از اعلام رسمی آن تشکیل گردیده بود قزاقان دژخیم با کشتن بیش از دو تا پنج هزار تن و اسیر کردن ۱۵۰۰ نفر، مردم را سرکوب و مرعوب نمودند، این موج خشونت بنظر رضاخان اعلام رسمی کشف حجاب را با یک قیام عمومی مواجه نمی ساخت. زیرا که با این عمل دژخیمانه بهمگان ثابت کرده بود که از هیچ اقدامی جهت این نقشه استعماری اِباء ندارد. رضاخان از این اقدامات طرفی نبست تبلیغات مطبوعات وابسته هم تاءثیر چندانی نداشت بالاـخره با زور سر نیزه به عملی کردن کشف حجاب پرداخت. امام خمینی در بیان خاطرات تلخ خود از این روز میفرمایند: امروز هفده دی است من یادم هست که هفده دی چه شرارتی کرد این آدم (رضاخان) ، چقدر به این ملت فشار آورد چه اختناقی ایجاد کرد، چه محترماتی را هتک کرد، چقدر سقط جنین شد. در هفده دی و اطراف هفده دی چقدر ماءموران و دژخیمان او به زن ها تندی کردند و زن ها را از توی خانه ها بیرون کشیدند، کارهائی که او کرده است نمی شود شرحش داد. مهدیقلی هدایت در این مورد مینویسد: پلیس دستور یافت روسری را از سرزنها بکشد، روسری ها پاره شد و اگر ارزش داشت تصاحب، مدتی زد و خورد بین پلیس و زنها دوام داشت بسیار زنها را شنیدم که از خانه بیرون نیامدند ولی این سلاح نیز مؤثّر واقع نشد. این اقدامات توسط محمدرضا شاه نیز بطور جدی با برنامه ریزی گسترده و البته با ملایمت بیشتری دنبال شد تنها در یکی از جلسات برنامه ریزی کشف حجاب ۳۱ برنامه اجرائی برای برداشتن چادر نظیر استفاده از صدا و سیما، انتشار مقاله، آموزش غیر مستقیم کودکان در مدارس، ممنوع بودن چادر برای دانشجویان و کارمندان به تصویب رسید. و بتدریج بمرحله اجرا گذاشته شد، زنان شریف و نجیب ایرانی اگر چه تحت فشار همه جانبه تبلیغات و عملکرد این پدر و پسر بودند. لکن جز اندکی ناآگاه اصالت خویش را حفظ کردند و برگی دیگر بر افتخارات خویش افزودند و با پیروزی انقلاب اسلامی جهان را متوجه ارزش آن قانون الهی نمودند. (بنابر این میتوان گفت ؛ توطئه کشف حجاب توسط استعمار انگلیس طراحی گردید، بهائیت در ایران ماءمور زمینه سازی آن گردید و مزدوران انگلیس امان اللّه خان در افغانستان، آتاتورک در ترکیه و رضاخان در ایران عامل اجرای این توطئه شوم بودند.) (۱۱۶)

اهداف استعمار از کشف حجاب

این اهداف را از زبان خود آنان بشنویم: در پُروتکل اندیشمندان یهود آمده است: ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا ویران شود تا راه سیطره ما را بگشاید فروید از ماست وبزودی روابط جنسی زن و مرد چنان آشکارا و بر ملاء انجام میشود که در نظر جوان، دیگر هیچ چیز مقدسی مفهوم نداشته باشد. پیوسته همت و هدف او اشباع غرائز شهویش گردد در آن صورت است که اخلاق فرو میریزد. فرانتس فانون که از طرف فرانسه مدیر بخشی از روانکاوی یکی از بیمارستانهای الجزایر بود میگوید: مسؤلین اداری فرانسوی که در الجزایر ماءموریت داشتند اصالت ملت را نابود سازند و از طرف مراجع مربوطه موظف بودند مطلقا تمام

شکلهای زنـدگی را که ممکن است از نزدیـک یـا دور واقعیت و اصـالت ملی را خاطرنشان مردم سازد، تجزیه کرده از هم بدرنـد. (حـداکثر کوشـش خود را بر مسـاءله چـادر تمرکز داده آنرا به منزله علامـت اصالت ملّی و وضع خاص زن الجزایری تلقّی کردنـد) آنگاه میگوید: موضع گیری آنچنانی نتیجه الهامی تصادفی نیست بلکه بعد از تجزیه و تحلیل های جامعه شناسان و مردم شناسان بود که متخصصـین باصـطلاح مسائل بومی و مسؤلین ادارات عمومی کار خود را هماهنگ ساختند در بادی امر این روش تمسکی است ساده و روشن به ضـرب المثل قـدیمی که میگویـد: زنها را در دست بگیریم همه چیز بدنبال آن خواهد آمد. کشـفیات جدید جامعه شناسان فقط کاری که کرده اینست که به این فرمول قدیمی روش خالص علمی بخشـیده است. وی حضور مختلط مردان با خانواده خود در مجالس جشن یا ازادواج با دختران فرانسه را از شـیوه های انتقال فرهنگ فرانسه به خانواده های الجزایری ذکر میکند، بنا بر این اعترافـات، میتوان اهـداف استعمار را بطور خلاصه چنین ذکر نمود. ۱ تحقیر فرهنگی کشورهـای جهـان سوم و تحمیل فرهنگ مبتـذل غرب. ۲ صـدور فرهنـگ تجـدد و مصـرف بجـای تعلیم مبـانی تکنولـوژی و علـوم. ۳ ایجـاد جمـود فکری در اثر اشـتغال به کامجوئی. ۴ تهیه بازار مصـرف کالاهای تولیدی و در یک کلمه استعمار اقتصادی. ۵ زمینه سازی برای تسلط سیاسی از طریق سلطه فرهنگی. ۶ جلوگیری از تحرک و هر گونه مبارزه علیه منافع استکبار و در یک کلمه تسلط همه جانبه بر جهان و منابع اقتصادی آن. (۱۱۷)

شیوه های استعمار در انتشار فساد

اسـتکبار جهانی از شـیوه های ذیل برای اهـداف شوم خود اسـتفاده میکنـد: ۱ تضـعیف مکاتب صـحیح و سـست کردن عقائد باابزار فرضیه های بظاهر علمی نظیر فرضیه های فروید یا بوجود آوردن مذهب مثل بهائیت مبانی فکری فساد را مستحکم نماید. با دقّت در تاریـخ علوم وادیـان بخوبی میتوان دریافت که برخی از فرضـیه های بظاهر علمی یا انـدیشه های مـذهبی باطل ریشه اسـتعماری دارد سعی در جا انداختن فرهنگ لذّت و فراموشـی هدفهای متعالی از این اقدامات است. ۲ هدایت و تفسیر تاریخ و علوم و حتّی مذهب در جهت منافع خویش همفر جاسوس انگلیسی میگوید: باید ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس متداول گشته و مطلقا سنّت اسـلام نیست. مردم همسـران پیامبر را بـدون حجاب دیده اند... پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسـیعی از میان رفت وظیفه ماءموران ما آنست که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسـی با زنان غیر مسـلمان سوق دهنـد و کاملا بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسـلمان از آنان تقلید کنند. می بینیم که تاریخ و احکام اسلامی خود را نیز باید از جاسوسان انگلیسی بیاموزیم و آنان برای ما باید مطالب را اثبات نمایند و شیوه زندگیمان را بیان نمایند. ۳ مخلوط کردن فرهنگ محلی با فرهنگ فساد در ترویج فساد برای هر کشور بفراخور حـال آن برنامه ریزی میکننـد. لـذا میبینیم از نظر پوشـش در بعضـی از کشورها تنها سـرو گردن زن نمایان است، در برخی دیگر سـروگردن بـا مقنعه پوشـیده امّـا دامنهـای رنگـی جـذاب بـا پاهـای برهنه و بـدون جوراب وناخنهـای لاک زده تحریک صورت میگیرد. امّا در هنـد شـکم زنان نمایان است اگر چه بقیه انـدام آنان پوشـیده است، یا از مراسم مختلف برای این مقصد شوم اسـتفاده میگردد. مثلاـ در ایران از مراسم عروسـی در برخی دیگر کشورها از جشن گنـدم برای اختلاط زن و مرد اسـتفاده میشود. ۴ طرح شـعارهای عوام پسـندانه بطور مثال میگوینـد: دلت پاک باد حجاب یک امر ظاهری است در حالی که پاکی دل تنها با داشـتن حجاب میّسر است. یا میگوینـد: دیگر جامعه عوض شـده است جامعه امروز اینگونه میپسـندد ولی ما نباید تحت تاءثیر محیط باشـیم بلکه بایـد بر محیط تاءثیر بگـذاریم در زمسـتان همه جا سـرما هست اما باید خود را از سـرماخوردگی حفظ کنیم. ۵ القاء فرهنگ و مطـالب غرب در تمـام برنـامه هـای صوتی، تصویری، فلیم هـای سـینمائی، تئاترهـا مجلات و روزنامه ها و کتب منتشر شـده خود با اسـتفاده از تکنیکهای روانشناسی و روانکاوی، گفته میشود تنها در تهیه برنامه های رادیوئی اسرائیل ۴۰ متخصص روانشناس شرکت داشـته تا مطالب به شـنونده القاء گردد. ۶ طرّاحی و تولیـد لبـاس و کفشـهای تحریـک آمیز ارزان قیمت تا مردم برای خریـد به آنها

روآورده و کم کم بطور ناخودآگاه الگوی مصرف عادی جامعه گردد، بنظر شما آیا کفشهای صدادار که توجه دیگران را جلب میکند بدون طراحی استکبار تولید میگردد؟ آیا جورابهای نازک با این فراوانی و با مدلهای مختلف بدون برنامه ریزی قبلی تولید و توزیع میگردد؟ ۷ ترویج مُد گرائی بصورت مستقیم و غیر مستقیم. ۸ قالب کردن تجدد بجای تمدن، فساد بجای علم، شهوترانی بجای پژوهش. ۹ ایجاد خانه های فرهنگ رفت و آمد به کشورهای فاسد، وحتی از روابط تجاری در اشاعه فساد استفاده میشود. ۱۰ فراهم آوردن امکان تحصیلات عالیه برای جوانان با توجّه به محدودیت آن در کشورهای سوم، جهت غرب یا شرق زدگی آنان و باصطلاح تربیت مزدوران محلّی اشاعه دهنده فرهنگ مبتذل غرب بوسیله تعلیم دانش البته این اقدامات معمولا بصورت تدریجی انجام میشود بطوری که کم کم لباس مورد نظر آنان عادی شده و حتی نسل بعد نمی داند که آداب و پوشش نیاکانش به چه صورت بوده است، زیرا حساسیّت ها بتدریج از بین میرود و با عادی شدن یک انحراف، درمان آن نیز مشکل تر میشود. بطور مثال ابتداء چادر حذف میگردد و بعد مقنعه ها تبدیل به روسری میگردد، کم کم مانتوها تنگ یا کوتاه شده آنگاه جوراب جای شلوار میگیرد و جورابها هر روز نازکتر میشود و... باشد که با هوشیاری ترفندهای دشمن را شناخته و با آن به مقابله برخیزیم. واصالت فرهنگی فکری و مذهبی خویش را پاس داریم و دشمن را از نفوذ و سلطه ناامید نمائیم. (۱۱۸)

بحران روسری نشانه وحشت غرب

چندی قبل دخترانی که باپوشش اسلامی در مدارس انگلستان و فرانسه حاضر شده بودند توسط مدیران این مدارس اِخراج شدند. این اِخراجها و اعتراضات و گفت و شنودهای مربوط به آن، کم کم سراسر مطبوعات اروپا را فرا گرفت و بحرانی را بوجود آورد که اصطلاحا بحران روسری نامیده شد. بدون شک انتخاب نوع پوشاک جزء ابتدائی ترین آزادیها و از بدیهی ترین حقوق انسانی میباشد. پس چرا در اروپا که خویش را مهد و مُدّعی حقوق بشر میداند از پوشش حجاب جلوگیری میشود؟ آیا کسی که طبق اعتقادات خویش لباس مناسب و مورد نظرش را پوشیده میبایست از مدرسه اخراج گردد؟ این موج خشونت که قبلاـ در کشور ترکیه، با اخراج دانشجویان دختر با حجاب اعمال گردیده بود، نشانه وحشت و هراس استکبار جهانی از حفظ حجاب اسلامی است، زیرا حجاب توجّه زنان روشنفکر را به خود جلب کرده و آنان را به اندیشه و تفکّر وا میدارد. یکی از مؤسسات مطالعاتی لندن اعلام کرد آمار گرایش به اسلام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران افزایش یافته است. طبق این گزارش اکثر کسانی که به اسلام گرویده اند زنان تحصیل کرده غرب هستند! این گزارش نشان میدهد که آنها ازنشر اسلام و حضور مسلمانان با هویت اسلامی بیمناکند و فشار زندگی ماشینی، حاکمیت سرمایه و شستشوهای مغزی، مسخ انسانیت، تهاجم همه جانبه رادیو تلویزیون ها به افکار انسان غربی، نتوانسته جلو باز گشت زنان را به فطرت انسانی خویش بگیرد. این بحران زنگ خطری برای قدرتهای بزرگ است، چرا که بیداری انسانها و باز گشت مسلمانان را به فرهنگ اسلامی خویش نوید میدهد.با این بیداری، تحقیر فرهنگ، به یغما رفتن ثروتهای عظیم اقتصادی که سلطه همه جانبه آنها و فقر روز افزون کشورهای جهان سوم را بدنبال خواهد داشت، پایان میپذیرد. بحران روسری فصلی دیگر از باز گشت مسلمان به هویت اسلامی خویش میباشد که این بار سنگر حجاب بدفاع از آرمانهای خود پرداخته اند. دشمن بخوبی میداند که با حفظ حجاب جائی برای استحمار ملتها باقی نمی ماند و بزودی پایه های قدرت پوشالی آنان در هم خواهد شکست. پس خواهرم تو نیز ارزش حجاب را بدان. آنقدر که دشمنان برای از بین بردنش حساسیّت نشان میدهند تو نیز برای حفظش پافشاری کن. خواهرم جایگاه بلند سربندی و چادر را ارج بگذار و بدینوسیله با دشمنان فرهنگ و کشورت ستیز کن. (۱۱۹)

رعایت حجاب

۱ پاسخی است به ندای درونی فطرت. ۲ نشانه تمدن است نه ارتجاع. ۳ در همه ملل رواج داشته و فرهنگ ملی ماست. ۴ شخصیت و احترام زن را فزونی میبخشد. ۵ مایه سلامت جسم و آرامش روانی است. ۶ مجوز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن. ۷ باعث استحکام و افزایش نهاد خانواده میباشد. ۸ عامل استواری جامعه و زمینه ساز ترقّی آن میباشد. ۹ احیاگر ارزشهای متعالی است. ۱۰ جاذبه زن را بالا برده و استعدادهای ادبی را شکوفا میسازد. ۱۱ اجرای قانون الهی است و رضایت خداوند را به همراه دارد.

بی حجابی و فساد

۱ با فطرت و تمایلات درونی انسان توافقی ندارد. ۲ مایه سقوط ارزش و جاذبه جنس زن میباشد. ۳ شخصیت انسانی زن را بفراموشی سپرده و تنها اذهان را به زیبائیهای جسمی او متوجه میسازد. ۴ زن را تا حد یک کالا تنّزل داده و او را ابزار تبلیغ کالاهای بُنجل قرار میدهد. ۵ یکی از نمودهای عقده حقارت بوده و موجب بسیاری از بیماریهای جسمی و التهابات روانی میباشد (آمار مرگ و میر و مبتلایان بامراض روانی را فزونی میبخشد). ۶ فرهنگ برهنگی، برهنگی فرهنگی است و از علائم توحش محسوب میشود. ۷ باعث فرسایش استعدادها و مانع استفاده از نیروی زنان است. ۸ اذهان را به شهوترانی متوجه و از ارزشهای متعالی و تربیت صحیح منحرف میسازد. ۹ بنیان خانواده را سست کرده و آمار طلاق را افزایش میدهد. ۱۰ بازار مصرف کالاهای شرکت های چند ملیتی را گسترش میدهد. ۱۱ از حربه های خطرناک استعمار است که بارها برای سقوط جامعه ها از آن استفاده شده است. ۱۲ زمینه ساز تسلط همه جانبه بیگانگان میباشد. ۱۳ زیر پا نهادن قانون واجب الهی است که عواقب خطرناکی را بدنبال دارد. (۱۲۰)

آیا فاطمه را شناخته ایم

آیا حضرت فاطمه (علیها السلام) را شناخته ایم حضرت فاطمه (علیها السلام) کوثری است که خداوند به هستی عنایت فرمود. او گرانبهاترین گوهری است که تقدیم انسانیت شد. حضرت فاطمه (علیها السلام) یک انسان کامل است، مظهر اسم ستّار خداوند است، اُم اَبیهاست، مدینه فاضله وجودی یک زن کامل، از همه آلایشها و آلودگیها مبّری است او معصوم است تا در طول همه زمان ها رهبری همه زنان را به عهده گیرد. ای در دو جهان افضل زنها زهراء او مادر یک مسیح باشد امّا تو مادر یازده مسیحا زهراء بهتر دگر از مریم عذرا زهراء تو مادر یازده مسیحا زهراء

امام خمینی و رعایت حجاب در خانواده

امام خمینی که در عصر حاضر از هر نظر الگوی میباشند در مورد رعایت حجاب در خانواده نیز بسیار دقیق و مراقب بودند دختر گرامی ایشان این دقت و مراقب را چنین بیان کرده اند: بهر حال همانطور که گفتم ایشان (امام خمینی) در مقابل بیرونی و نامحرم خیلی سختگیرند، اَلا ن پسرهای من و احمد آقا ۱۵ ۱۶ ساله اند و ما یکروز اگر منزل آقا برای ناهار دعوت شویم پسرها حق آمدن ندارند یا اگر هم بیایند ما خانه خانم (همسرحضرت امام) مینشینیم و سفره میاندازیم و آنها منزل احمد آقا، آنهم برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند، نه فقط سر سفره بلکه حتی سلام هم به هم نکنند چون واجب نیست. من خودم پانزده ساله بودم که آقای اشراقی با خواهرم ازدواج کرد، و داماد ما شده بود. یک روز ما دعوت داشتیم منزل ایشان همینجور که من و آقا با هم وارد شدیم، دیدم آقای اشراقی دارند به استقال میآیند، در یک باغچه ای بود که ما داشتیم جلو میرفتیم، من گفتم: سلام بکنم امام گفتند: واجب نیست، منهم رویم نشد که سلام نکنم، زدم و از تو باغچه رد شدم که با آقای اشراقی روبرو نشوم.

چهل سال او را ندیده

وقتی که آقا مادرم را گرفتنـد، چهل سال بعـد از زنـدگیشون اولین سـلام رو به برادر شوهرشون کردند! ماجرا هم این بود که: وقتی آقا را به ترکیه بردند، عمویم میخواسـتند ترکیه خدمت آقا بروند، آمدند از پشت در، گفتند: من میخواهم با خود خانم صحبت کنم اگر بخواهنـد پیغامی بدون واسطه برای آقا داشته باشـند. مادرم ناچار شدند سـلام کنند و بعد یادم هست آمدند و گفتند: ناراحتم، چون که اولین سـلام را در نبودن آقا کرده ام، آنهم با این لفظ که اگر (آقا) راضـی نباشند چه من هم گفتم: نه دیگر حالا شما سنّی از تان گذشـته و مجبور بودیـد البته امام در مورد کار واجب و ضـروری حرفی ندارنـد این را بدانید! برادر و خواهر عزیز: این شـیوه یک زندگی سالم و اسلامی است که در گفتار و عمل بزرگان دینی ترسیم گردیده است باشد که آنرا الگو قرار داده و از مواهب و فوائد آن بهره ببریم. (۱۲۲)

کیفیت پوشش اسلامی یا حد حجاب

هر دختری از ابتـدای بلوغ هنگامیکه در معرض دیـد نامحرم قرار گیرد لازم است تمام موها و بـدنش را بپوشاند بجز دو مورد: یکی دستها تا مـچ، دیگری صورت به اندازه ایکه در وضو شسـتن آن لازم است بشـرط آنکه: الف این دو عضو دارای زینت نباشـند. ب وکسـی به آنها به قصـد لـذّت و هوس نگاه نکنـد. بنابر این اگر کسـی به قصد لذّت بردن به آنها نگاه کرد حرام است، یا صورت و دستها دارای زینت و آرایش بود میبـایست صورت و دسـتها را هم بپوشانـد. برای روشن شـدن بیشتر به سؤال و جوابهای ذیل که از امام (قدس اللّه) میباشد دقت فرمائید: ۱- حدود حجاب اسـلامی برای بانوان چیست و آیا برای این منظور لباس بلند آزاد و شـلوار و روسری کفایت میکند؟ و اصولا چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟ ج: واجب است تمام بدن زن بجز قرص صورت و دسـتها تا مـچ از نامحرم پوشـیده شود ولباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانعی ندارد ولی پوشـیدن چـادر بهتر است و از لباسـهائی که توجه نـامحرم را جلب کنـد بایـد اجتنـاب شود. ۲- چنـانچه زن با خود زینت داشـته، ماننـد حلقه ازدواج یا انگشتری در دست یا چهره آراسته کرده باشد آیا واجب است وجه (صورت) و کفّین (دستها) را بپوشاند؟ ج: پوشاندن از نامحرم در فرض مذکور واجب است. ۳- آیا سـرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر عقیق، ساعت، عنیک طبی زیبا برای زنان زینت به حساب میآیـد که پوشـش آن لازم باشد؟ ج: هر چه در نظر عرف مردم زینت محسوب میشود اظهار آن در برابر نامحرم جایز نیست. ۴- حنای دست زن را اگر نامحرم ببینـد چه صورت دارد؟ ج: بایـد از نامحرم مسـتور کنـد (بپوشاند). چند تذکّر ۱- اگر بچّه بحدی برسـد که مطـالبی را که بزرگهـا میفهمنـد او نیز بفهمـد (ممیّز محسوب میشود) و حجـاب در مقابل او واجب است. ۲- از صورت و دسـتها که استثناء شده باید مقدار کمتری عریان باشد تایقین کند که به وظیفه اش عمل کرده است. ۳- در لزوم پوشش، بین نامحرم هیـچ تفـاوتی نیست. بنابر این اقوام نامحرمان با دیگر نامحرمان هیـچ تفاوتی ندارنـد. س: آیا شوهر خواهر و برادر شوهر نیز همچون بـاقی نامحرماننـد و حکم خودپوشـی آنـان نیز ماننـد دیگران است ج: شوهر خواهر و برادر شوهر بـا باقی نامحرمان در حکم تفاوتی ندارنـد و بایستی بهمان گونه که زن از دیگر نامحرمان خود را حفظ میکنـد از آنان نیز خود را حفظ کنـد (بپوشانـد). حتّی در برابر آنـان نمی توانـد بـا پـای بـدون جوراب عبور کنـد (اگر چه آنها انسانهای متشـرّعی باشـند و نگاه هم نکننـد. زیرا زن بایستی از دید نامحرم بپرهیزد چه او نگاه کند یا نکند.

لباس زنان

لباسی که زن برای حجاب و پوشش خود انتخاب میکند میبایست شرائط ذیل را دارا باشد: ۱- غصبی نباشد. ۲- لباس شهرت نباشد. (لباسـی که بواسطه داشـتن خصوصـیتی جلب توجه و انگشت نما باشد لباس شهرت است) ۳- مرد لبـاس مختص به زن و زن لبـاس مختص به مرد را نپوشـد. ۴- زن باید از پوشـیدن لباسـهائی که جلب توجه میکند اجتناب نماید. ۵- لباس نباید تنگ یا نازک باشـد

بگونه ای که حجم یـا برجسـتگیهای بـدن زن را نمایان سازد. لباس نازک و تنگ یک روز اسـماء دختر دیگر ابوبکر که خواهر زن پیامبر بود با جامه بدن نما و نازکی به خانه پیامبر آمد پیامبر روی خود را از او برگرداند و فرمود: ای اسماء زن وقتی بحد بلوغ رسید نباید چیزی از بدن و اندامش دیده شود. کفشهای صدادار قرآن مجید در سوره نور (آیه ۳۱) میفرماید: و مبادا زنها پایشان را محکم بزمین بزننـد تـا زینتهـای مخفی آنان (خلخالهائی که به پا میکردنـد) آشـکار شود و همگی بسوی خـداتوبه کنیـد باشـد که رسـتگار گردیـد. س: باتوجه به فرمایش حضـرت امام که فرموده اند (بایستی از لباسـهائی که جلب توجه میکند اجتناب نمایند) آیا پوشـیدن جوراب ضـخیم بدون شـلوار با اینکه حجم بدن از بیرون مشخص و در بعضی موارد مهیّج است و یا پوشیدن کفشهائی که در هنگام راه رفتن صـدای مهیـج دارد جـایز است ج: از پوشـیدن هر گونه لباس مهیـج بایـد خودداری کرد. راستی: چگونه است که برخی از زنان مسـلمان حّـد حجاب را رعایت نمی کنند؟ از کفشـهای صدادار یا لباسـهای نامناسب اسـتفاده میکنند؟ موهایشان را کاملا نمی پوشانند؟ متابعت شیطان تا به کجا؟ دوری از خدا تا کی ان ربک لبلمرصاد و همانا پروردگارت در کمین است. (۱۲۳)

حجاب از دیدگاه احادیث

خانه بهترین جایگاه زن حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند: نزدیکترین حالت زن به پروردگارش وقتی است که در خانه خودش باشد. (۱۲۴) پوشـش کامـل قـال رسول اللّه صـلّی الله علیه وآله وسـلّم : اَیُّما امرَاءهٔ نَزَعَت ثِیابَها فِی غِیرِ بَیتِها خَرَقَ اللّهُ عَنها سِترَه. اَیُّما اِمرَاءَهٍٔ وَضَـعَت ثِیابَهـا فِی غَیرِ بَیتِ زَوجِهـا فَقَـد هَتَکَت سَترِ ما بَینَها وَ بَینَ اللّهِ عَزوّجل. (۱۲۵) پیـامبر فرمود: هر زنی لباسـش را در غیر خانه اش بیرون بیاورد خداوند پرده او را خواهد درید. هر زنی که لباسـش را در خارج از خانه شوهر بیرون بیاورد (پوشش او کامل نباشـد) بـدرستی که حرمت بین خود و خدایش را هتک نموده است! آرایش و اسـتعمال عطر در خارج از خانه پیامبر صـلّی الله علیه وآله وسـلّم در ضـمن حـدیثی نهی فرمودنـد: که زن برای دیگران خود را بیاراید و فرمود: اگر برای غیر شوهر، خود را آرایش نمود لازم است خداونـد او را با آتش بسوزانـد. و فرمود: زنی که خود را برای دیگران خوشـبو کنـد او خود آتش است و ننگ محسوب میگردد. و فرمود: وای بر زنـان از دو سـرخی طلاـ و جـامه زیبا (که دو وسـیله زینت هسـتند و موجب فتنه میباشـند). امام صادق علیه السلام از پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم نقل کردند که فرمود: هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود مورد لعنت قرار میگیرد تا به خانه مراجعت کند. (۱۲۶)

اختلاط زن و مرد

پیامبر فرمود: سـرانجام همنشینی و اختلاط با زنان زناء میباشد و سرانجام زناء آتش جهنم است. (۱۲۷) وقتی زنی در جائی نشست و از آنجا برخاست نباید مردی در آن مکان بنشیند تا آنکه گرمی آن از بین برود و سرد شود. (۱۲۸) روزی رسول خدا دید که مردان و زنان با هم از مسـجد بیرون آمدنـد، به زنها خطاب کرد بهتر اینست شـما صبر کنیـد تا مردها بروند آنها از وسط و شـماها از کنار. (۱۲۹) روزی رسول خـدا بیکی از درها اشاره کرد و فرمود: چه خوب است این در را به زنها اختصاص دهیم. (۱۳۰) می بینیم پیامبر حتی از اختلاط زن و مرد برای رفت و آمد به مسجد و مجالس مذهبی ممانعت بعمل میآورند.

دست دادن (مصافحه) بانامحرم

پیـامبر فرمود: هر کس بـا زنی که محرم او نیست مصـافحه کنـد غضب حق تعالی را برای خود خریـده است. (۱۳۱) پیامبر در ضمن حـدیثی فرمودند: هرکس بطور حرام با زنی مصافحه کند یعنی به او دست بدهد روز قیامت در غُل زنجیر بسـته خواهد شد آنگاه به آتش انداخته خواهد شد.

خلوت بانامحرم

امام موسی بن جعفر علیه السلام بنقل از پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمودند: هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد هرگز در جائی که نفس زن نامحرمی را میشنود توقف نمی کند. (۱۳۲) پیامبر فرمودند: آگاه باشید هرگز مرد و زنی با هم خلوت نمی کنند مگر آنکه سوّمی آنان شیطان است. (۱۳۳)

شوخی با نامحرم

پیامبر گرامی اسلام صلّی الله علیه وآله وسلّم در ضمن حدیثی فرمودند: هرکس با زن نامحرمی شوخی کند بخاطر هر کلمه ای که با او سخن گفته هزار سال زندانی میگردد. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر و علی علیه السلام به زنان سلام میکردند ولی علی علیه السلام به زنان جوان سلام نمی کرد و میفرمود: میترسم از صدایش خوشم بیاید و فتنه اش از ثوابش بیشتر شود. (۱۳۴) پیامبر در ضمن حدیثی نهی فرمودند: از آنکه زن بیشتر از پنج کلمه (غیرضروری) ، نزد نامحرم سخن بگوید. (۱۳۵) فقهاء نیز سخن گفتن بصورت مهیّج و تحریک آمیز را حرام دانسته اند. (۱۳۶)

تشبیه زن به مرد و بالعکس

امام صادق علیه السلام بنقل از علی علیه السلام فرمودند: به زنان نامحرم سلام نکنید و آنانرا به غذا دعوت ننمائید (۱۳۷) (کنایه از آغاز ارتباط بدین شکل میباشد). مشابهت بامردان امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: جایز نیست که زن خود را شبیه مرد نماید زیرا پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم مردانی را که مشابه زنان میشوند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار میدهند لعنت کرده است. (۱۳۸) قال رسول اللّه صلّی الله علیه وآله وسلّم : لعن اللّه المُتشَبِهینَ مِنَ الرِّجالِ بِالنّساءِ المُتشبهاتِ مِنَ النِساءِ بِالرِجال. پیامبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: خداوند مردانی را که شبیه زن میشوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار میدهند لعنت کرده است (۱۳۹). (۱۴۰)

ترفندهای استعمار

دختران دبیرستانی قاهره رسما از پوشیدن شورت داغ و مینی ژوب ممنوع شدند، زیرا این لباس ها باعث حواس پرتی دبیران خواهد شد... خود دختران بجای اینکه به مطالب دبیر گوش کنند به لباس های یکدیگر توجه دارند... تعجب این است که زن برای بدست آوردن زیبائی، موی سر و ناخن، پاها را بدست مدسازان میدهد: یک روز گیس دم اسبی میسازند و روز دیگر موهایشان را آشفته میکنند و روز سوم مد شینیون را میپذیرند و... یک روز لاک ناخن را صدفی میکنند، روز دیگر سرخ و روز سوم قهوه ای روز چهارم نارنجی و... یک روز رنگ اطراف چشم را سفید میکنند روز دوم آبی، روز سوم طلائی، نقره ای و... یک روز پاشنه های کفش را ۸ سانتی متر بلند مینمایند روز دیگر آن را کوتاه میکنند، روز سوم پاشنه ها را صناری مینمایند و... آری زنی که برای این رنگارنگ شدن، خود را برای زیبا شدن که یک امر موهوم است دست این و آن میدهند آن هم برای چند لحظه و یا چند روز بر خوردار شدن از زیبائی، حاضر نیست برای بدست آوردن سعادت و آرامش، خود را در اختیار شوهر بگذارد و هوای دل او را داشته باشد تا با یکدیگر زندگی آسوده ای داشته باشند! (۱۴۱)

فروش زن

جوان ۲۴ ساله ای که عـاشق زن شـوهر داری شـده بود زن را که ۹ مـاهه آبسـتن بود دزدیـد و در خانه یکی از اقوام خود در نقـده مخفی کرد، آنگـاه برای شوهر زن پیـام داد: زن تو مرا دوست دارد واَلا‌ن هم پیش من است او را طلاـق بـده تـا با او ازدواج کنم... محمـد که فرار زیبا با مردی غریبه را مایه ننگ خود میـدانست و دیگر حاضـر نبود با او زندگی کند جواب داد: حاضـرم این کار را بکنم، بشـرطی که تو به من ده هزار تومان پول نقد بدهی و با هم قرار ملاقات گذاشـتند و بالاخره زن به شش هزار تومان خریداری شـد و نقـد دریافت گردیـد و قرار شد که وقتی زیبا بچه دار شد فرزندش را تحول پدرش بدهد. اما هنگام وضع حمل عروس حامله در گذشت و داماد ناکام با چشمان اشکبار معشوقه اش را به گورستان برد و بخاك سپرد... (۱۴۲) خُب اگر این زنی که شوهر دارد حجـابش را رعـایت میکرد کـدام مرد میتـوانست او را ببینـد و عـاشق او بشـود و ایـن جریـان پیش آیـد که نه دنیـا داشـته باشـد و نه آخرت... عبرت بگیرید.

شوهر عاشق

زنی که دارای دو کودک بود میگفت: شوهرم عـاشق دوسـتم شـده است و دل از زنـدگی و خانه کنـده و دوست یک دختر بیسـت ساله شـده و مدتها است که با این زن رفت و آمد دارد و همین معاشـرت سبب عشق شوهرش نسبت به او شد. زن برای بر هم زدن ایـن عشـق یـک بـار دست به خودکشـی زد ولی نـتیجه ای نگرفت... آری زن بچه دار و شـوهر کرده، بـا دختـر بیست سـاله امروزی دوست میگردد و پـای او را به خـانه خود بـاز میکنـد و شوهر دله او هم بـا او معاشـرت مینمایـد. سـرانجام دوستی هـای عصـر اتم را ملاـحظه نمائیـد!! پایـان دوستی هـا و ازدواج هائی که بر اساس معنویت نیست!! (۱۴۳) اگر آن زن دوست بی حجـاب خـود را توی زندگی خودش نمی آورد، شوهر دله او عاشق روی زیبای او نمی گشت که کار به خودکشی گردد.

حجاب گل باز نشده

گـل تـا بـاز نشـده است معطر است، وقتی که بـاز شـد، عطر خود را از دست میدهـد. زن تـا بـا حجـاب است زیباست، وقتی که این حجاب را کنار زد آن زیبایی و طراوت خود را از دست میدهد. (۱۴۴)

زنی شوهر را داغ کرد

مشهد: آقای محی الدین با سر و صورت زخمی و پنبه کاری شده در حالیکه دائما با وحشت اطراف خود را نگاه میکرد میگفت: آقا آمـده ام از دست زن عفریته ام شـکایت کنم شـما را بخـدا مرا از دست او نجـات دهیـد... چرا آقا؟ مگر همسـرتان چه خطائی کرده خطا؟! اختیار داریـد قربان مرحمت آقا... اسـمش را نمی شود خطا گذاشت قضـیه این است که زن بنده همینکه در و تخته ای به هم میخورد میافتد بجان من و تامی خورم کتکم میزند... امروز هم ضمن یک کتک کاری مفصل، دست و پای مرا با طناب بست و بعد باسـیخ کبـاب ده جای بـدنم را داغ کرد... آخر من خجالت میکشم آن جاها را نشان بـدهم... عجب پس با این حساب خانم شـما... نگوییـد خانم، قربان بفرمائیـد هیولا... میدانیـد آقا من کارمنـد دولت هسـتم و ماهی دو هزار تومان حقوق دارم و با آن یک خانواده پنـج نفری را اداره میکنم... اما زن بنـده درست یکهزار تومان از این پول را هر ماه خرج آرایش و خریـد لباس خودش میکند حرف هم که میزنم جوابم را با کتک میدهـد تا اینکه امروز خواست برایش یك پالتو پوستی بخرم و چون گفتم چنین پولی نـدارم دور از جان شما باسیخ کباب افتاد بجان بنده. (۱۴۵)

قتل در خواب

دختر و پسری که از برتری و زیبائی، وجاهت، جذابّیت بر خوردار است، باید بداند که او بیشتر در معرض خطر است. خیلی عشقها، محبتها، روابط، پایه و اساس ندارد مگر در پر تو بنیاد الهی و انسانی تَشَکُل یابد. اسلام برای جلوگیری از روابط ناسالم و ناشایسته بیاناتی را بیان داشته که قابل توجه هست. کسی که زیباست باید بداند هزاران دام و مکر برایش گسترده شده که برخی از آنها بسیار موقّت و زودگذر است، گاهی هم جنبه انحراف و بدبختی است، برخی از آنها موجب پشیمانی و آبرو ریزی خواهد بود. (۱۴۶) این داستان حقایقی را به ما میآموزد: من قصد کشتن دخترم را نداشتم ولی بخاطر رفتار ناپسند او که باعث آبرو ریزی من شده بود ناچار به مشروب پناه بردم و در حالیکه از شدت مستی روی پاهایم بند نبودم به خانه وارد اطاق شدم. همسر، دختر و بچه هایم خوابیده بودند و دیگر چیزی نفهمیدم... موقعیکه دخترم چهار ده ساله بود با این جوان آشنا شد. آنها مرتب با هم پنهانی ملاقات میکردند وقتی از مزاحمت های او بستوه آمدم خانه ام را عوض کردم ولی او دست از مزاحمتهایش بر نداشت. وقتی چنین دیدم تصمیم گرفتم دخترم را به عقد او در آورم، اما متوجه شدم که دارای زن و فرزند است. به او گفتم دست از تعقیب دخترم بردار! گفت: حاضرم بخاطر ازدواج بااو زنم را طلاق بدهم مشروط بر اینکه شهرزاد و پانصد تومان مهریه اش را بدهی، چون آبروی خانوادگیم در خطر بود حاضر شدم، بعد فهمیدم که او فقط میخواهد با دخترم عشقبازی کند. دخترم هم این مطلب را فهمیده بود و قول داد که او را فراموش کند و بدرس خود ادامه دهد، اما باز هم وسائل درس را کنار گذاشت و با جوان رابطه پیدا کرد. دیگر دوستان و آشنایانم سرزنشم میکردند و هر کجا میرفتم انگشت نما بودم... و سرانجام با کارد سلاخی دخترش را در خواب بقتل رسانید. (۱۴۷) این مرد اگر از اول، آئین اسلام و حجاب را در خانواده جا میانداخت دخترش روی خود را به جوانان دله نشان نمی داد که به اینجا کشیده شود.

چینیها

در چین مردم فاقد سه چیزند و این فقدان نیز خود برای مردم چنین سعادت بزرگی است: اوّل: کاباره و تفریحات زیانبخش. دوّم: لوازم آرایش بطرزی که امروز در غالب کشورها رواج دارد. سوّم: لباس به سبک غربی. در چین از مینی و ماکسی و شرت داغ خبری نیست. مردم خیلی ساده لباس میپوشند... و همینگونه مسائل، رمز ترقی و تکامل چین است و هرگاه مسلمانان این گونه مسائل را با سرمایه ی معنوی اسلام در آمیزند بطور حتم آقائی و رهبری جهان را اشغال خواهند کرد و روزی خواهد رسید که بار دیگر بر دنیا حکومت خواهند کرد و آن روز در اثر پشتکار و جدیت دیر نخواهد بود... (۱۴۸)

لباسهای جلف

دوشیزگان و بانوان فکر میکنند با پوشیدن لباس جلف و زننده، بر دوستانشان میافزایند و شهرت بیشتری پیدا میکنند و آسایش بهتری خواهند داشت، در صورتیکه اینها غافلند که با این جلف بازی ها نه تنها به جوانان ولگرد و منحرف میافزایند، بلکه همانطوریکه در آمارهای یاد شده از آمریکا روشن شد خودشان بیشتر در معرض تجاوز و تهدید هستند. داستانهای تجاوز، اغفال ؛ خودکشی و فرار، بیشتر در میان همین جلف پوشان است این داستان حقایقی را به ما میآموزد: مشهد: پسر ۱۵ ساله ای که از خانه فرار کرده بود دستگیر شد، وی در باره ی علت فرار خود گفت: مادرم هنگام رفتن به خیابان، لباس های جلف میپوشد و بهمین سبب همسالانم مرا متلك باران میکنند. من چند روز قبل از مادرم خواستم بعد از این لباس مناسب بپوشد، بجای توجه بخواست من چند ناسزا نثارم کرد و شکایتم را پیش پدرم برد و پدرم هم مفصلا کتکم زد. حال شما بگوئید میشود با این پدر و مادر بی تربیت زندگی کرد؟ همه پدر و مادران از لباس پوشیدن پسران و دخترانشان در رنج و عذابند و من بدبخت از لباس پوشیدن مامانم... وقتی پدر و مادر پسر شاکی آمدند معلوم شد حق با اوست، زیرا مادر که در حدود چهل و پنج سال دارد لباسی میپوشد که برای

دختران ۱۷ ۱۸ ساله هم مناسب نیست... همین زنها و دوشیزگان جلف هستند که در کوچه و خیابان مورد حمله متلک گویان قرار میگیرند و روز بروز با روش خود بر خیل مزاحمین میافزایند و پس از آن بر زندانیان، تیمارستانیان و خودکشی کنندگان. (۱۴۹)

مثل این باشید

۱ یکی از علماء بزرگ (مرحوم آیهٔ الله سید باقر مجتهد سیستانی پدر آیهٔ الله سید علی سیستانی ومرحوم سید محمود مجتهد سیستانی) در مشهد مقدس برای آنکه به محضر امام زمان عج اللّه شرفیاب شود ختم زیارت عاشورا در چهل جمعه هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز میکند ایشان فرمودند: در یکی از جمعه های آخرین، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه ی نزدیک آن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم میتابید، حال عجیبی به من دست داد، از جای برخاستم و بدنبال آن نور بدر به آن خانه رفتم، خانه کوچک و فقیرانه ای بود، از درون خانه نور عجیبی میتابید. در زدم وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم حضرت ولی عصر امام زمان عج اللّه در یکی از اتاقهای آن خانه تشریف داشتند و در آن اتاق جنازه ای را مشاهده کردم که پارچه ای سفید بروی آن کشیده بودند، وقتی من وارد شدم و اشک ریزان سلام کردم، حضرت بمن فرمودند: چرا اینگونه دنبال من میگردی و رنجها را متحمّل میشوی مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من دنبال شما بیایم! بعد فرمودند: این بانوئی است که در دوره بی حجابی (رضا خان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامده مبادا نامحرم او را ببیند! (۱۵۰)

پند

ای بانو و ای دختر مسلمان آیا حجاب تو و زندگی تو مورد رضای امام زمانت هست آیا آنگونه زندگی میکنی که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بتو نظر مرحمت فرماید؟ آیا تقوی و حیاء و عفت و حجاب تو آنگونه است که نامت در زمره یاوران حضرتش ثبت گردد؟ آیا آنگونه هستی که در هنگام مرگ عزیزانت محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین به بالین تو آیند و سفارش تو را به فرشته مرگ نمایند و در لحظات سخت واپسین زندگیت آنگونه پاک هست که اگر امام زمان خواست در شهری چند لحظه ای ساکن شود خانه تو را برای زندگی انتخاب کند؟ آیا لباس و پوشش شما اسلامی است (۱۵۱)

نتیجه بدحجابی

یکی از علماء مشهد میفرمود: روزی در محضر مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلین سید یونس اردبیلی بودیم، جوانی آمد و مسئله ای پرسید و گفت: من مادرم را دو روز پیش دفن کردم و هنگامی که وارد قبر شدم و جنازه مادر را گرفته خواستم صورت او را روی خاک بگذارم کیف کوچکی که اسناد و مدارک و مقداری پول و چک هائی در آن بوده از جیبم میان قبر افتاده، آیا اجازه میدهید نبش قبر کنیم تا مدارک را برداریم و تقاضا کرد که نامه ای به مسئولین قبرستان بنویسند که آنها اجازه نبش قبر بدهند. ایشان فرمود: همان قسمت از قبر را که میدانید مدارک در آنجاست بشکافید و مدارک را بردارید و نامه ای برای او نوشت بعد از چند روز آن جوان را دوباره در منزل آقای اردبیلی دیدیم، آقا از او پرسیدند: آیا شما کارتان را انجام دادید و به نتیجه رسیدید، او غمناک و مضطرب بود و جواب نداد بعد از آنکه دوباره اصرار کردند گفت: وقتی من قبر را نبش کردم دیدم مار سیاه باریکی دور گردن مادرم حلقه زده و دهانش را در دهان مادرم فرو برده و مرتب او را نیش میزند!! چنان منظره وحشتناک بود که من ترسیدم و دوباره قبر را پوشاندم! از او پرسیدند: آیا کار زشتی از مادرت سر میزد؟ گفت: من چیزی بخاطر ندارم، ولی همیشه پدرم او را نفرین میکرد زیرا او در ارتباط با نامحرم بی پروا بود و روگیری و حجاب نداشت و با سرو روی باز با مرد نامحرم روبرو میشد و بی پروا با او سخن میگفت و در پوشش و حجاب رعایت قوانین اسلامی را نمی کرد با نامحرمان شوخی میکرد و میخندید و از اینجهت

همیشه مورد عقاب و سرزنش بود. (۱۵۲)

حجاب و عفت در کربلا

بعد از ظهر عاشورا وقتی خیمه های حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را آتش زدند و به فرمان حضرت سجاد علیه السلام همه فرار کردند. دخترکی از فرزندان امام حسین علیه السلام میگوید: من فرار میکردم، عربی، مرا دنبال کرد و با نیزه به پشت من زد که بزمین افتادم، آنگاه چنان گوشواره مرا کشیده، که گوشم را درید و من بیهوش شدم، وقتی بهوش آمدم دیدم عمه ام زینب سر مرا بدامن گرفته نوازش میکند. این دختر دلسوخته ای که آشیانه اش ویران شده، به آتش کشیده شده، پدرش و برادرانش شهید شدند، لب تشنه است، سه روز است آب برویش بسته است، وقتی به هوش آمد، نگفت: عمه تشنه ام! نگفت: عمه گوشم مجروح است! نگفت: عمه مرا تازیانه زدند! نگفت: پدرم کو! برادرم کو!... فقط وقتی متوجه شد چادر بسر ندارد با گریه التماس کرد! عمه جان چادر ندارم!! آیا چادری نداری که خود را با آن بپوشانم حضرت زینب گریه کرد و فرمود: دخترم چیزی برای ما باقی نگذاشته اند! (۱۵۳)

پدر حجاب

وقتی حضرت سکینه دختر امام حسین علیه السلام روز یازدهم در گودال قتلگاه خود را روی بدن پدر انداخت و عده ای از اعراب با کعب نی و تازیانه او را از بدن بی سر پدر جدا کردند، نگفت: پدر مرا میزنند! نگفت: پدر مرا به اسیری میبرند! نگفت: پدر تشنه ام! بلکه اشک میریخت و فریاد میزد: پدر برخیز ببین چادر از سرما کشیدند. بابا سرهای برهنه ما را بنگر. بابا برخیزببین عمه ام زینب را میزنند! (۱۵۴)

چادر نیمه

این جمله معروف از حضرت زین العابدین علیه السلام است: ای کاش مادر مرا نمی زائید، وقتی بود که چشمش به همسر جوانش افتاد که فرزندش حضرت باقرالعلوم علیه السلام را که دو ساله بود در بغل داشت و چادر او آنقدر کوچک بود که اگر میخواست خود را بپوشاند، آفتاب صورت فرزند را میسوزاند و اگر میخواست فرزند را زیر چادر برد، نمی توانست خود را کامل بپوشاند، این بود که حجت خدا و مظهر غیرت پروردگار آهی کشید و فرمود: ایکاش مادر مرا نمی زائید و این روز را نمی دیدم. خواهرم بیا از کربلا آن دانشگاه بزرگ جهان، درس حجاب و عفت و حیا بگیر، بیا از کربلا فقط درس گریه نگیریم بلکه آنچه سیدالشهداء علیه السلام در آن دانشگاه بزرگ، تدریس فرموده نیز بیاموزیم. (۱۵۵)

شهید راه ولایت و حجاب

سرور بانوان دو جهان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) برای حفظ حجاب و در راه دفاع از امام زمانش امیرالمؤمنین علی علیه السلام شهید شد. زیرا وقتی دشمن درب خانه حضرتش را به آتش کشید، در را شکسته خواست وارد خانه شود، الگوی تقوی و حیاء برای آنکه نامحرم او را نبیند، خود را پشت در پنهان نمود، آنگاه دشمن احساس کرد فاطمه (علیها السلام) پشت در است در را چنان فشرد که حضرتش محسن را که شش ماهه بود سقط نمود و به همین حادثه و صدمات دیگر از دشمن، مریض شد و به شهادت رسید. ای دختران جوان و ای بانوان شیعه بنگرید که در چه شرایط حساس و سختی بفکر حیا و حجاب و چادر خود بودند و در هیچ لحظه حجاب خود را فراموش نکردند آیا نمی خواهید از مدینه و کربلا درس حجاب واقعی بگیرید آیا نمی خواهید با

حیا و حجاب بیشتر و دقیقتر به حضرت سیدالشهداء علیه السلام و خواهران و بانوان و عزیزانش عشق بورزید آیا نمی خواهید حسینی باشید آیا نمی خواهید زینبی باشید!!؟؟ (۱۵۶)

الگوی تقوی

در مجلس عبیداللّه ابن زیاد دیدند حضرت زینب (علیها السلام) آن الگوی تقوی و حیا پیوسته صورت مبارک خود را با آستینش میپوشاند مبادا نامحرم صورت زینب را ببیند! (۱۵۷)

ظاهر سازی

گرچه اسلام به تمیزی، نظافت، خوشبو بودن توجه زیادی کرده، ولی اگر این امور موجب تحریک دیگران گردد قطعا حرام است، اصولا زن و مرد یک حالت جلوه گری بقول قرآن تبرج نسبت به جنس مخالف دارند، ولی زن از این نکته بیشتر میتواند بهره جوید زیرا از زمینه های بیشتری برخوردار است. اینکه خانمها وقتی میخواهند خیابان بروند لحظاتی را مشغول صافکاری، نقاشی، بَتونه کاری و رنگ آمیزی، طراحی، آرایش، پالایش سر و صورت و اندام خود میکنند، برای این است که در نظر دیگران جلوه کنند، بیچاره مردشان همیشه در انتظار وقتی هست که همسرشان میخواهد از منزل خارج شود عروسی برود، مجلس مهمی برود و... نگاهی به حلال خود بکند و لذت ببرد. خُب وقتی زن برای مردان نامحرم بزک کند مردان هم از زنان بزک کرده خیابان لذت میبرند. خواهر! خیلی به جلوه گری موقتی، وعده های بی حساب، موقعیت های دروغی، علاقه نشان دادنِ مردان دلگرم نباش که اگر کسی این خصوصیات را واقعا میداشت نیاز نداشت همسر کنار خیابانی انتخاب کند و دنبال همسر پیاده روی و سر کوچه بنشین و تو خیابان لوس بازی در آوردن نبود، میرفت با پدر و مادر و بزرگان فامیلشان و یک مورد مناسب را پیدا میکرد. خیلی باعزت و احترام فرد مورد نظرش را انتخاب میکرد و آداب و رسوم معمولی و زمینه ازدواج آبرومندانه را فراهم میکرد، چرا دنبال این و آن ناشناخته آن هم مخفیانه برود. برادر! خیلی به چهره سفید، نورانی، خوش آب و رنگ و... زنان توجه نکن (ممکن است اینها مصنوعی باشد و یا وسیله انحراف باشد) اگر نه دختر سالم، متشخص و با وفا، در کوچه و خیابان دنبال شوهر نمی گردد، بلکه عفت خود را حفظ میکند تا با احترام و عزت از او خواستگاری کنند و آغاز مستحکمی را داشته باشد و زمینه ساز آینده و آخرت خوبی باشد. اگر پایه زندگی اساسی و حساب شده نباشد پایان رنج آوری خواهد داشت، آخر همه زندگی که مقام، مدرک، زیبائی، اندام، چشم، ابرو، شهرت و... نیست، بله اول زندگی یک مقداری تاءثیر دارد ولی بعدها مسائل دیگری مانند: ایمان، صداقت، پاکی، ادب عاطفه، خانه داری، بچه داری، همسرداری... و اساس زندگی را پایدار میدارد. (۱۵۸)

ملاک برتری

نظر اسلام ملاک ارزش و برتری مسائل زودگذر و ظاهری نیست، اگر چه به این امور هم بی توجه نیست، بلکه نهادهای پاینده و قابل افزایش مورد توجه است، آن چیزها ارزش است که زمینه ساز قوا و پایداری خانواده و نیز سبب تقرب و نزدیکی بخدا باشد. زیبائی چهره، چشم و ابرو، لب و دهان، و بینی، سفیدی یا سبزه بودن زن و مرد، خوش اندام بودن و...که ظاهرا دیده میشود در صورتی ارزنده است که در درون فرد ایمان، وقار، ادب، صداقت، پاکی و...قرار داشته باشد و گرنه خود این مسائل زمینه ساز از هم گسستن خانواده میگردد. چه بسا افرادی بخاطر ظاهر جذاب، پیوند زندگی خود را آغاز کرده اند ولی چون از نظر معنوی ضعف داشته اند به ورطه سقوط و پرتگاه بدبختی کشیده شده اند، آنانکه گمان میکنند این عوامل ظاهری ارزشمند است و باید فقط ملاک پیوندها این باشد سخت در اشتباه هستند. زیرا پیامبر گرامی صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: از سبزی کنار زباله ها و کثافات

پرهیز کنید. عرض کردند: یا رسول مقصود شما چیست (خضراء الدمن) فرمود: زن زیبائی که در خانواده پست و بی اخلاقی پرورش یافته باشد. اگر دختر و پسرِ زیبا و خوش اندامی، در یک خانواده غیر متدّین رشد کنند احتمال زیاد دارد که از سلامت معنوی و عفّت واقعی برخوردار نباشند. اصولا هر برتری اگر در کنارش ایمان، عقل و جدان باشد، ارزش پیدا میکند.اگر دختر یا پسری زیبا باشند ولی عقل نداشته باشند، ایمان نداشته باشند نه اینکه سعادت بخش نیست بلکه مصیبت بار میباشد، گاه دختر یا پسر خود مقید هستند، ولی از نظر فکر و اندیشه و اراده ضعیف هستند و به دام صیادان جامعه گرفتار میشوند، این است که باید انگیزه و ملاک ازدواج ایمان باشد، تجربه نشان داده که این امور بدون معنویت سعادتبخش نخواهد بود. ممکن است در ذهن این سئوال پیش آید که پس چرا زیبا رویان زودتر سامان مییابند؟ باید گفت: بخاطر اینکه این اشتباه جامعه است که زیبائی بدون ایمان، بدون تشخّص، بدون ادب را بهتر میداند از سیما و اندام متوسط، اما با ایمان و اراده قوی. ما باید خود ملاکهای واقعی را ارج نهیم تا به مرور ضد ارزشها فراموش و ارزشها رشد یابد. از آن سوی به آنانکه از نظر خودشان احساس ضعف ظاهری میکنند توصیه میکنیم که به جای جلوه گری، طنازی و...به افزایش جنبه های معنوی و انسانی خود بپردازند و از خدا و ائمه (علیهم السلام) بخواهند یک مورد مناسب را برای آنها بوجود آودند. در زمان نه چندان دوری موارد مناسبی را خدا تاءمین خواهد کرد، ولی کسی که بخواهد با مثلاـ فلاـن کمبود ظاهری هی گناه کند، دیگران را به گناه وادار نماید، بداند هیچ جاذبیت معنوی نخواهد یافت و... آری در روایات به این امر توصیه شده که زنان شوهران برجسته و نیکو صورت و سیرت برگزینند و مردان هم زنان زیبا و جذاب انتخاب کنند، ولی این بدان معنی نیست که باید تمام نظر زیبائی باشد بلکه باید میزان ایمان او بالاتر باشد، اگر زیبائی، برتری مرد یا زنی مثلا ۵۰ درجه باشد و پایه ایمانی او ۸۰ درجه نباشد باید بداند که زندگی موفقیت آمیزی نخواهد داشت، زیبائی و برتری زیاد منهای ایمان خطر آفرین است.و این یک امر طبیعی است هر چه بلندی و تنومندی درخت افزوده گردد باید ریشه هایش قوی تر باشد. و گرنه درخت ثُبات ندارد. هر چه میزان مصرف برق بیشتر باشد، باید قدرت تحمل سیمهای داخلی یک ساختمان و کنترل و کابل ورودی به خانه قوی تر باشد و گرنه موجب آتش سوزی و نارسائی در سیستم برقی میگردد. هر چه ارتفاع ساختمان و امکانات آن و تاءسیسات آن بیشتر باشد، باید پایه و اساس ساختمان قوی باشد هر برتری مادی و ظاهری که در انسان وجود دارد اگر در کنارش بلکه بیشتر از او ایمان، ادب، وجاهت نباشد همان برتری شکست آفرین خواهد بود. البتّه این انحصار به جوانب ظاهری ندارد، حتی برتری غیر مستقیم هم همین خطر را دارد. مثلا دختر یا پسری که دارای علم، مدرک، تخصص و... هستند، همین امکان خطر برایشان وجود دارد. اگر پدر و مادر پولداری داشته باشند همین مشکل در سر راهشان خواهد بود. (۱۵۹)

مسئله

زن نباید گفتارش بگونه ای باشد که عشوه گرانه و محرّک باشد. زن نباید طوری راه برود که از صدای کفش و حالت راه رفتنش دیگران متوجه شوند. زن نباید برای غیر همسر خود زینت (آرایش) کند. زن و مرد نامحرم یا محرمی که ترس تحریک باشد) نباید در یک مکان تنها باشند، هر زنی که از روی هوی و هوس به مردان اجنبی و نامحرم نگاه کند خداوند اعمال نیک او را تا آن وقت که انجام داده محو میکند و اگر به بستر غیر شوهر خود رود برخداوند متعال است که او را با آتش بسوزاند، پس از آن عذابی که در عالم قبر و برزخ بر او روا داشته است. زن نباید پوشش نازکی داشته باشد که بدن نما باشد. پیامبر گرامی صلّی الله علیه وآله وسلّم نهی فرمود: که زن با مرد نامحرم پیش از حد ضرورت سخن بگویند. پیامبر گرامی صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: بوی بهشت از فاصله ۵۰ هزار سال قابل استفاده است ولی کسی که به پدر و مادر خود بی احترامی کند و مردی که نسبت به عفت خانواده اش بی توجه باشد بهره ای از بوی بهشت را نمی برد (یعنی اینقدر از بهشت دور است). سئوال کردند: چرا یا رسول الله فرمود: زیرا اجازه میدهد ناموسش (زمینه های زنا را بوسیله جلوه گری، خودنمائی و...) در بین جامعه ظاهر گردد (۱۶۰). (۱۶۱)

ناپاکی، شکست جامعه

کشور اسپانیا در جنوب غربی اروپا قرار دارد و از کشورهای حاصل خیز و خوش آب و هوای اروپاست، این کشور در سال ۷۱۱ میلادی زمان خلافت بنی امیه بدست مسلمانان فتح شد. طارق بن زیاد فرمانده یک لشکر ۱۲ هزار نفری از راه جبل الطارق (که هم اکنون به نام او است) درزمان کمی اسپانیا را فتح کرد و مسلمانان حدود هشتصد سال بر این کشور حکومت کردند. مسیحیان هر چه کردند در این هشتصد سال نتوانستند اسپانیا را با وجود جنگهای خونین پس بگیرند، تا بالاخره زمامداران مسیحی از راه فحشا مسلمانان را شکست داده و از اسپانیا راندند و قتل عام مسلمین صورت گرفت. زمامداران مسیحی با یکی از افسران خائن مسلمان به نام براق بن عمار همدست شده و به کمک وی دو کار کردند: ۱- مشروبات الکلی را به حد و فور در شهرهای اسپانیا با قیمتهای ارزان و نازل وارد کردند و در اختیار جوانان مسلمان قرار دادند. ۲- دختران طناز و دلربای اروپائی را گروه گروه وارد شهرها کردند و به آنها راه جذب جوانان مسلمان را آموزش دادند و آزادانه در معابر عمومی در اختیار جوانان رخنه کرد و وقتی فساد به زمامداران سرایت کرد مقدمات نابودی و سقوط مسلمین فراهم شد. (۱۶۲)

زنا و زنان

می دانیم که اسلام با هر عاملی که موجب انحراف جنسی گردد مخالف است و به شدت با آن مبارزه میکند: نگاه کردن، لخت شدن، لباس زننده پوشیدن، مطالب بدآموز مطرح کردن: چه از طریق کتاب و چه از طریق فیلم و یا موسیقی، ترانه و یا سرودهای تحریک کننده. در عین اینکه اسلام در مبارزه با مفاسد با علتها مخالفت میکند، با پدیده های مفاسد هم مخالفت میکند، یکی از مفاسد اجتماعی که اسلام از راههای مختلف با آن به مخالفت برخاسته زناست. عظمت مطلب از روایات زیر روشن میگردد: رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: وقتی زنا زیاد گردد مرگهای ناگهانی فراوان شود. در روایت دیگری رسول (خدا (ص فرمود: زنا پنج اثر دارد: آبرو را میبرد (نور صورت بر طرف میشود) فقر میآورد، عمر را کوتاه میکند، خدا را عصبانی میسازد و زناکار برای همیشه در جهنم میماند. و در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام است که فرمود: زنا کار سه ضرر در دنیا دارد و سه ضرر در آخرت، در دنیا نور صورتش گرفته میشود، فقیر میگردد و عمرش کوتاه میشود، در آخرت خدا از دست او عصبانی میشود، حسابش سخت است و در عذاب جهنم برای همیشه خواهد ماند. امام صادق علیه السلام فرمود: تجاوز به ناموس مردم موجب تجاوز به ناموس زناکار میگردد. از آنجا که در و دیوار و زمین از گواهان اعمال ما هستند؛ روز قیامت گواهی به کارهای خوب و بد ما خواهند داد. رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: ناله ای که زمین برای انجام سه عمل میکند نمونه ندارد: خونی که بی جهت روی زمین ریخته شود، غسل جنابت از زنا و برای نماز صبح خواب ماندن. در مورد عذاب زناکار همین بس که به فرموده رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم : روز قیامت، خدا به سه دسته اعتناء نمی کند: حرف نمی زند، تصفیه آنها را نمی پذیرد، و به آنها نگاه نمی کند و عذاب ابدی مخصوص آنهاست: پیر زناکار، پادشاه ستمگر و خود خواه مغرور. این روایت شدت عذاب زناکاران را روشن میسازد: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: روز قیامت بوی گندی میوزد که همه مردم از آن ناراحت میشوند و دماغ خود را میگیرند، فریاد میرسد: آیا میدانید این بوئی که شما را آزار داد چه بود؟ مردم میگویند: نفهمیدیم و خیلی ما را ناراحت کرد. گفته میشود: این بوی تعفن از پائین بدن زناکارانی است که توبه نکرده اند و از دنیا رفته اند، خدا آنان را لعنت کرده و شما هم آنان را لعنت کنید.تمام مردم با این فریاد: خدایا زناکاران را لعنت کن. در روایت دیگری فرمود: بوی تعفن آنان تا ۵۰۰ سال راه میرود و مردم آزار میکشند. (و خودشان هم پیش مردم شرمنده اند.) رسول (خد (ص در روایت دیگری فرمود: مهمترین گناهان در نزد خدا اینها هستند: کشتن پیامبر، امام، خراب کردن کعبه (قبله مسلمانان) و زنا. (توجه فرمودید که گناه زنا در ردیف

کشتن پیامبر و امام علیه السلام و خراب کردن خانه خدا (مکه) است. اسلام تنها عمل زناشوئی را زنا نمی داند بلکه مقدمه آنرا هم زنا میداند و برای هر عضوی زنائی در نظر گرفته است: امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) فرمودند: اعضای بدن هم زنا میکنند:زنای چشمها نگاه کردن است، زنای دهان بوسیدن و زنای دستها بدن نامحرم را لمس کردن، خواه این مقدمات به عمل زناشوئی برسد یا نرسد. نه تنها اعضای بدن در گناه زنا شریک هستند، بلکه واسطه ای که در زنا فعالیت میکند در گناه زناکار سهیم است و امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم واسطه گر را لعن نموده است. ناگفته نماند که عمل جنسی با حیوان هم در حکم زنا است. این نکته قابل تذکر است که گاهی غیرت مرد به جائی میرسد که حتی برای حفظ ناموس خود غیرت خروس را هم ندارد و خوک صفت همسر خود را برای دیگران میبرد که چنین فردی گناهش بیشتر از واسطه هاست. این فرد در روایات به عنوان دَیُوث معرفی شده است و این عذابها را دارد: خدا در قیامت با او حرف نمی زند، به وی اعتناء نمی کند، مورد تصفیه قرار نمی گیرد، عذاب ابدی دارد بوی بهشت که از ۵۰۰ سال راه فاصله شنیده میشود او نمی شنود و نماز آنها در دنیا قبول نمی گردد. در عین این عذاب ها خداوند راه توبه را باز گذاشته است و هر چه زودتر باید زن و مرد این چنینی توبه کنند و پس از توبه واقعی، بتدریج روح ایمان به آنان باز میگردد و روز قیامت در بهشت خواهند بود. امام صادق علیه السلام فرمود: در روز قیامت سه دسته آزادند تا حساب پایان یابد: کسی که هیچگاه قصد زنا نکرده، کسی که مال او به ربا (بهره) مخلوط نشده و کسی که واسطه زنا و ربا نگردیده است. (۱۶۳)

محرم و نامحرم

در ادیان آسمانی عده ای از زنان را برای مرد محرم شناخته اند و مرد نمی تواند با آنها ازدواج کند و نگاه به آنها بدون قصد لذت بردن گناه ندارد. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۲۴-۲۳ زنانی که محرم هستند و نمی توان با آنها ازدواج کرد چنین معرفی میفرماید: ۱- زن پدر (نامادری مادر دوم) ۲- مادر ۳- دختر ۴- عمه ۵- خواهر ۶- دختر برادر ۷- دختر خواهر ۸- خاله ۹- دایه (زنی که پسر را شیر میدهد اگر چه یکشبانه روز پشت سر هم شیر داده باشد.) ۱۰- خواهر رضاعی: دختری که با پسر همشیر بوده و از مادر آن دختر شیر خورده حداقل ۲۴ ساعت تمام شیر خورده باشد که از شیری که میخورد گوشت روئیده شود. ۱۱- مادرِ زنی که با او ازدواج کرده و دختر را از شوهر دیگر داشته است. ۱۲- دختر زنی که با او ازدواج کرده و دختر را از شوهر دیگر داشته است. ۱۳- زنی که برای پسر حلال شد، محرم پدر میشود و پدر هیچوقت نمی تواند با او ازدواج کند (چون عروس او است و پس از مرگ پسرش نمی تواند با او ازدواج کند). ۱۴- جمع میان دو خواهر در یک زمان، یعنی نمی توانیم دو خواهر را با هم بگیریم ولی میتوانیم یکسال با یکی از آن دو ازدواج کنیم و سال دیگر با آن یکی (البته بصورت صیغه وعقد موقت چون وقتی عقد دائم باشد پس از سه طلاق نیاز به محلل دارد. و پس از ۹ طلاق برای همیشه حرام میگردد.) ۱۵- با زن شوهردار هم نمی توان ازدواج کرد و محرم انسان هم نیست و باید مثل زنان غریبه با او رفتار کرد. در اسلام، با این ۱۵ دسته نمی توان ازدواج کرد و ازدواج با آنها باطل و حرام است و عمل زناشوئی با آنها کیفر بیشتری دارد، اما نگاه به آنها بدون قصد لذت گناه ندارد اما نگاه به ما بقی زنها غیر از این ۱۵ مورد حرام است. با توجه به نکته های یاد شده دامادی که با طائفه ای خویشاوند میگردد فقط با مادر دختر محرم میشود و میتواند به او نگاه کند و ازدواج با او حرام است، اما سایر بستگان دختر به پسر محرم نمی شوند و حق نگاه کردن به آنها و یا صحبت با آنها (بیشتر از حد ضرورت) را ندارد، خواهر، عمه و خاله دختر (عروس) همه و همه به پسر (داماد) نامحرم هستند از سوی دیگر دختر که وارد طایفه جدید میشود فقط به پدر پسر محرم است و پدر شوهر میتواند به او نگاه کند اما برادر داماد، دائی، عمو و سائر اقوام پسر محرم دختر نمی شوند و باید از آنها پرهیز کند و رو بگیرد. به تعبیر دیگر اگر شوهرش از دنیا رفت در طائفه جدید فقط به پدر شوهرش نمی تواند شوهر کند، اما با سایر افراد طائفه مانعی ندارد. در صدر اسلام دختران را که به اسارت

میگرفتند به کنیزی میخریدند و با بچه دار شدن آزاد میگردیدند که به اصطلاح فقهی آنها را اِماء میگفتند و این برنامه فعلا منسوخ گردیده است. ناگفته نماند که در تورات چهارده موردی که در اسلام برای ازدواج ممنوع کرده و در ردیف اول ذکر شد منع شده است، اما بجای شماره ۱۵ که در اسلام منع شده در تورات زن برادر ممنوع گردیده است. اما هنگامیکه بردار میمیرد، گرفتن زن برادر را بر برادر واجب میداند. از این نظر که انجیل حضرت عیسی علیه السلام در دسترس پیروان آنحضرت نیست و آنچه فعلا انتشار پیدا میکند مطالبی است که نویسندگان عهد جدید بیش از یک ربع قرن از تاریخ میلاد نوشته اند و بصورت تاریخ حضرت عیسی علیه السلام است نه احکام و قوانین آنحضرت، پیروان کلیسا احکام الهی ندارند و از احکام تورات استفاده میکنند. در هر صورت پیروی از هر دینی از ادیان آسمانی بنمائیم باید به محرم و نامحرم بودن دقت کنیم و مقررات آنرا رعایت نمائیم، چه نگاه کردن و چه ازدواج نمودن. از جمله این مقررات است که نگاه به نامحرم نکنیم، در یک اطاق با هم تنها نباشیم و از مسائلی که مورد اتهام است و سوء ظن ایجاد میکند، مثل عکس گرفتن دسته جمعی و یا دو نفری حتما پرهیز کنیم که زمینه آبرو ریزی را برای خود فراهم کرده ایم و چه بسا عکسی که در دست دشمن میافتد و حداکثر استفاده را از آن مینماید و آبروی صاحب عکس را پاک میبرد.

بقیه مسئله

غیر از ۱۵ دسته ای که ذکر شد که در متن قرآن آمده است تعداد دیگری از زنان نیز برای پسر و برای دختر همیشه حرام میشوند که این حرمت بخاطر عوامل مختلفی پیش میآید. ۱- خواهر، مادر و دختر کسی که با او عمل قوم لوط انجام شده بر فاعل حرام میگردد. ۲- اگر فردی با دختری که هنوز بالغ نشده عمل زناشوئی انجام داد و بر اثر آن دختر افضاء شد آن دختر بر مرد برای همیشه حرام خواهد شد و باید مهر المثل را به دختر بدهد. ۳- تزویج زنی که در عده دیگری است و عده طلاق و یا عده و فاتش تمام نشده است. (یعنی اگر کسی با زنی که عده طلاق یا وفات شوهر قبلیش تمام نشده ازدواج کند، آن زن تا ابد برای آن مرد حرام است یعنی نمی تواند با او ازدواج کند.) ۴- ازدواج زن مسلمان با مشرک، یهودی و مسیحی (حرام است) ولی مرد مسلمان میتواند زن یهودی و مسیحی را صیغه کند، اما از مذاهب دیگر ممنوع است و در هر صورت خطر انحراف دینی دارد و مرد باید خیلی مواظب باشد. ۵- کسی که بداند در جریان احرام ازدواج حرام است و ازدواج کند (یعنی عقد نماید) زن برای همیشه به او حرام میگردد. تعدادی از زنان هم بطور موقت حرام هستند و بعد از رفع محدودیت حلال میشوند: ۱- موقع اعتکاف که سه روز است و در مسجد جامع برگزار میشود و در طول این سه روز نباید از مسجد خارج شوند و یا عمل زناشوئی انجام دهند. ۲- کسی که چهار زن عقدی دارد نمی تواند زن دیگری بگیرد مگر اینکه بصورت صیغه باشد یا یکی از آنها را طلاق دهد و عده طلاق هم تمام شود. ۳- موقعی که زن در جریان حیض است (خون ماهیانه) که حداقل سه روز و حداکثر ده روز میباشد. ۴- موقعی که زن بچه دار شده که حداکثر تا ده روز باید از عمل زناشوئی پرهیز شود. ۵- با دختر که هنوز بالغ نشده نمی توان ازدواج کرد و عقد باطل است، ولی اگر با اجازه پدر یا حاکم شرع باشد عقد صحیح است.ولی عمل باید بعد از ۹ سالگی شروع شود. ۶- در هنگامیکه زن و مرد در احرام مکه هستند که اگر عملی انجام دادند باید شتر قربانی کنند. ۷- زنی که سه مرتبه طلاق داده شده با اجرای مُحَلل حلال میشود. باز هم سه مرتبه که طلاق داد با محلل حلال میگردد اما مرتبه نهم که طلاق صادر شد زن برای مرد برای همیشه حرام میگردد. در جریان لِعان و ظهار نیز زن بر مرد بصورت موقت حرام میگردد که این دو مسئله با مسائلی که مربوط به کنیز است فعلا در جامعه ما وجود ندارد و از توضیح آن خودداری میشود. (۱۶۴)

هشدار

مسلمان قیافه اش باید مثل بچه مسلمان باشد جوانهایی که با یک شکلهایی خودشان را درست میکنند و اسم خاصی را هم برای خودشان میگذارند، اینها درست نیست. آگاه باشید که دینتان را با یک سری برنامه های ضد دینی نبرند. یک نفر از خارج آمده بود میگفت: کثیف ترین، رذل ترین، معتادترین، لجن ترین گروه را در آمریکا گروه رپ میگویند. دیگه از آنها کثیف تر و لجن تر نیست، اون وقت این جوانها در اینجا فکر میکنند اینها آدمهای خوب و متّمدن و متفکر و دلسوز اجتماع و خیر خواه مردم هستند و جوانهای ناآگاه این کثافتها را اُلگو و سر مشق خودشان قرار میدهند و از آنها تبعیّت میکنند. وقتی به آنها نگاه میکنی اینجوری خودشان را درست میکنند و یک پیراهن زنانه به تن میکنند و با موهای آنچنانی بیرون میآیند فکر میکند مثلا خیلی متجدد است. نه بابا تو خودت را شبیه لجن ترین لجن آمریکا درست کردی، که پیغمبر هم لعنت کرده. و میفرماید لعن اللّه متشبهین، پیغبر لعنت کرد اون کسانی را که، نامردهایی را که خودشان را شبیه زنها درست کنند و زنهایی را که خودشان را شبیه مردها درست کنند.

موعظه

ای مسلمان، ای مرد، ای زن، ای جوان چقدر به امام زمانت علاقه داری واقعاًحاضر هستی جانت را فدای امام زمانت کنی بیا از فردا صبح یک چادر بردار روی سر خانمت، دخترت یا خواهرت بینداز، و یا اگر مانتوی هستند، آنها را برای خاطر امام زمانت چادری کن. وقتی زن نامحرم میآید دم مغازه ات با او زیاد گرم نگیر، بخاطر دو سه روز جیفه دنیا، خودت را جهنمی نکن، یکی از بزرگان برایم تعریف کرد: یک شب حضرت امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم که بدنشان مجروح است و ناراحتند. گفتم آقاجان مگر شما را مسموم نکردند پس چرا مجروحید؟ حضرت فرمودند: این زنهایی که با این وضع به اینجا میآیند و چادر ندارند و بد حجاب راه میروند و توی بازار وخیابان با این وضع اسفبار قدم میگذارند و برای خرید به بازار میروند وبا مغازه دارها بگو و بخند میکنند... و زلفهایشان را بیرون میاَندازند... ناراحتم و آنها نمی دانند که با این عملشان تیری به جان من میاَندازند و تمام این زخمهایی که میبینی از اعمال آنها است. هر زلفی که بیرون باشد نیزه ای است که به بدنم وارد میشود. دختر خانمِ تو، زلفهایش را بیرون میگذارد و دنبال عزای حسین علیه السلام میآید. این عوض ثواب، فعل حرام انجام میدهد، پیغمبر صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: در دوره آخرالزمان برامت من برسد که زنهای آنها موهایشان را مثل کوهان شتر بیرون بگذارند، داریم میبینیم، تیر نزنید به دل امام زمانتان، نمی خواهد برایش خدمت کنید. به همین اندازه اگر دوستش داری جگرش را نسوزان آدم چیزهایی میبیند که واقعاً دلش به درد میآید. مرد مسلمانی که پیراهن سیاه برای امام حسین علیه السلام تنش میکند معنا ندارد که زنش با موهای بیرون آمده وبالباس افتضاح دنبالش بیاید، آخر این پیراهن سیاهت چیه خوش غیرت توعزادار امام حسینی آخر بابا امام حسین برای حجاب کشته شد، آخر این کار تو یزیدی است، یزید حجاب اهلبیت حضرت ابی عبدالله علیه السلام رابرداشت، آخر تو بدتر از یزیدی بابا باز به غیرت یزید. ای مردم بااعمال نیک دینی تان امام زمان علیه السلام را یاری کنید، امام زمانتان را اَذیت نکنید. مگر نمی خواهید آقا توی خانه های شما نگاه رحمت کند، جلوی ناموست را بگیر تا بدحجاب بیرون نیاید.

اثر کتابهای دینی

یکی از علمای ربانی فرموده بودند: از یکی از شهرهای عراق به شهر دیگری میرفتم وقتی سوار قطار شدم داخل کوپه نشستم مسافرهای دیگر، زنهای بی حجاب بودند، دیدم باید این مسیر طولانی را با این زنهای بی حجاب طی کنم، گفتم چه کنم که محیط را عوض کنم، (چون آدم مسلمان وقتی در محیط گناه قرار گرفت باید سعی کند محیط را عوض کند.) یادم آمد که یک نسخه از صحیفه سجادیه را همراه دارم صحیفه را در آوردم یکی از فرازهای نورانیِ صحیفه را خواندم و چون اینها عرب بودند و زبان مادری آنها بود، مفاهیم را درک میکردند و میفهمیدند. دیدم کلمات نورانی صحیفه آنها را عوض کرد، یکی از آنها بلند شد یک

روسری سرش کرد، یکی شون چشمانش اشک آلود شد، خلاصه محیط عوض شد بعد اتمام دعای صحیفه برگشتند به من گفتند: آقا این حرفها مال کی بود که مهم بود؟ گفتم: کلمات نورانی صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام است. گفتند: ما متاءسفانه از این معارف محروم هستیم اگر میشود این کتاب را به ما بدهید. می فرمود: با خواهش و تمنا این نسخه را از من به عنوان یادگار گرفتند. خلاصه مسلمان باید محیط را اسلامی کند یعنی از خودش رنگ بدهد، نه رنگ بگیرد، خانم مسلمان بی حجابی و بد حجابی مال کفار و بی دینان است شما که مسلمان هستید باید با بی حجابی و بدحجابی مبارزه کنی مثل امام حسین علیه السلام مثل حضرت زهرا (علیها السلام) یا مثل حضرت زینب (علیها السلام) ، که با بی حجابی و بدحجابی مبارزه کردند. ولی متأ سفانه گاهی اوقات دیده میشود مادر چادری، ولی دختر بدحجاب و بی حجاب، من نمی دانم اینها فردای قیامت جواب خدا را چه میخواهند بدهند.

انواع بدحجابها

یکی از علماء میفرمودند: من یک وقت راجع به افرادی که بد حجاب هستند فکر میکردم حساب کردم و شمردم چند نوع بدحجاب داریم همه یک رقم نیستند. ۱- بعضی بدحجابها بسیار آدمهای خوبی هستند، منتها محیط خانوادگی وفامیلیشان بدحجاب بوده این هم هیچ غرضی نداشته واینجور بار آمده. ۲- بعضی ها مادرهایشان بدحجاب هستند و او هم یاد گرفته. ۳- بعضی ها مادرهایشان حجاب دارد این لج میکند. ۴- بعضی ها مساءله را نمی دانند که بی حجابی یا بدحجابی حرام است. ۵- بعضی ها مشکل روحی دارند. ۶- بعضی ها کمبود دارند. ۷- بعضی ها کُلّاًمیخواهند به دین دهن کجی کنند. ۸- بعضی هاتقلیدی هستند مثلاً چون دختر خاله اش یا همسایه اش اینجوری است آنهم باید اینجور باشد. ۹- بعضی خیال میکنند تمدّن و تجدّداست. ۱۰- بعضی ها خانوادگی روانی و خیالی هستند. ۱۱- بعضی ها پول گرفته اند که فرهنگ بدحجابی یا بی حجابی را رواج دهند. و فرهنگ مبتذل غربی را در کشور مذهبی بیاورند و مردم را بی قید و بی بند و بار و بی دین و لامذهب بار بیاورند و هرکاری که میخواهند انجام دهند. ۱۲- بعضی ها بر اثر رفت و آمدها و روابط دوستانه و مسخره کردن دوستانشان... بی حجاب یا بدحجاب شده اند.

خانم س، ص بانوی تازه مسلمان آمریکایی ساکن آمریکا

من در آمریکا چشم به جهان گشودم و در بدترین شرایط اجتماعی، در میان مفاسد جامعه آمریکا بزرگ شدم. قبل از اینکه مسلمان گردم در طول مدت عمر گذشته ام (از طفولیت تا زمانی که دورادور با مسلمانان و بعد با اسلام آشنا شدم) در آمریکا با مشکلات اجتماعی بسیار و حوادث ناگوار و قبایح و زشتی های تمدن غرب که برخی از آنها مخصوص آمریکاست روبرو شدم. در اثر تماس های حضوری و ارتباطات بعدی با برخی از بانوان ایرانی ساکن آمریکا با اسلام آشنا شدم... در این میان با یک مهندس مسلمان ایرانی آشنا شدم که منجر به ازدواج با او گردید، و پس از کسب اطلاعات نسبتا بیشتری در باره اسلام از او، متوجه شدم که حجاب باید بگیرم و دلایلی که شوهرم مطرح کرد، مرا قانع نمود، بخصوص که از مردان شهوتران این جامعه بی روح و بی محتوی و فاسد، به ستوه آمده بودم. این بود که حجاب را بهترین وسیله محافظت خود در برابر این مردان یا بهتر، این وحشیان ظاهرا متمدن دیده و با رضایت خاطر قبول کردم. از وقتی که خواستم حجاب داشته باشم (روز بعد از ازدواج احساس کردم که قدم در مسیر کمال برداشته ام...) در باره اثرات مفید و مثبت حجاب و به طور کلّی پوشیده شدن بدن زن، مخصوصا در آمریکا هر چه بنویسم، که نوشته ام و برعکس از اثرات نامطلوب برهنه شدن زن (قسمتی یا بعضی از اعضأ برهنه باشد یا خیلی از جاهای بدن) در فاسد کردن مردان و فاسد شدن خودشان و بالاخره زیانهای ناشی از عدم پوشش زن در جامعه، هرچه بگویم که گفته ام. اما برای اینکه شما را با روح قضایا آشنا سازم، ترجیح میدهم به مسائلی در اینجا بپردازم، تا شما را سریع تر با روح مریضِ جامعه آمریکا آشنا کند، و

آنگاه خودتان درباره اهمیت و نقش حجاب و مراتب ضرورتش در این جامعه عقب ماندها از انسانیت، و رشد کرده از نظر صنعت پی ببرید: در زمستان که مردم مجبورند به جهت سردی هوا خود را پوشانده و پوشش بیشتری داشته باشند به طور طبیعی و کاملاً محسوس، در آمریکا تجاوز به عنف نسبت به زنان کمتر میشود، لکن در تابستان که زنان علاوه بر گرمای هوا به پیروی از مدهای جلف و فاسد کننده، خود نیز دنبال بهانه ای هستند تا هر چه ممکن است لباس خود را سبک نموده و به بهانه گرما اعضای حساس بدن خود را در معرض دید مردها قرار دهند. تجاوز به عنف نسبت به زنان، حتی پیرزنان نیز افزایش مییابد، و تا آنجا پیش میرود که در این فصل راهبه ها نیز مورد حمله مردان جنایتکار قرار میگیرند. علتش آن است که زنان آمریکا با آزاد کردن اعضاء بدنشان در رفت و آمدها، بصورت عریان یا نیمه عریان، در میان مردان ظاهر شده و موجبات تحریک آنها را فراهم میکنند، که در برخی این هیجانات نامطلوب تا به سرحد جنون پیش میرود، و منجر به تجاوز به عنف میگردد، یعنی سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زن رابطه مستقیم و غیر قابل انکاری دارد، در حالی که یقینا در بین زنانی که خود را پوشیده اند، مخصوصا مسلمانان، این بیماری فصلی یا... وجود ندارد و یا تا به این حد جنون آمیز شدت پیدا نمی کند، یعنی عملاً به آثار و نتایج وجود و عدم حجاب در زن پی برده ام... (۱۶۵)

خانم ن، ق، ز دانشجو تهران

... بنده عقیده دارم آن حجابی که به صورت لباس گشاد، یا مانتو و روسری باشد، اثر زیادی در منع نگاهِ آلوده ندارد، بلکه مسئله مهم صورت و چهره است که باعث تحریک جنس مخالف و جلب توجه او میشود، یعنی من برای خود، چادر و حجاب را یک عامل نجات بخش در رویارویی با مرد نامحرم میدانم، به خصوص وقتی که متوجه میشوم مردی یا مردانی نگاههای آلوده ای دارند. در آن موقع که چادرم را محکمتر میگیرم تا صورتم در تیررس رؤیت آنها نباشد، یک احساس امنیت توام با رضایتی به من دست میدهد، و به خاطر اینکه هم توانستم او را ناکام بگذارم و هم خود را از نگاه آلوده و مسموم کننده اش مصون دارم، در خود احساس آرامش میکنم. از آنجا که خوشبختانه در سنّ نوجوانی با اصول صحیح دینی و تعالیم آسمانی آشنا شدم، از این به بعد حجابم کامل گردید، ولی قبل از آن، حجاب کامل نداشتم، و وقتی این دو دوره را با هم مقایسه میکنم، میبینم که حجاب باعث شد که خودنمایی در من خیلی کاهش پیدا کند، زیرا در حالت بدحجابی، احساس میکردم که گرفتار این نقیصه روحی (یعنی خودنمایی) شده بودم و به خوبی میتوانم به دیگران بیان نمایم که غرض از بدحجاب در هر زنی چیست، و چرا برخی از زنان که میتوانند از روسری و لباس گشاد بجای چادر استفاده کنند اصرار دارند که از چادر استفاده کنند آن هم نه به طور کامل، بلکه نیمه حجابی که به نوعی قسمتی از صورت را نمایان ساخته و بدان وسیله میل و هوس مردان و جوانان را تحریک نموده و با این خودنمائی، به نوعی خودخواهی خود را ارضاء کنند، و احساس حقارت خویش را (که دامنگیر همه زنان در همه جوامع بوده و سهم بیشتری هم نصیب زن مسلمان گشته است! به جهت تحقیر و توهین دختربچه ها و دختران نوجوانان) و یا در جامعه (به جهت تحقیر عمومی زنان) را بدینوسیله جبران نمایند. آری! من خود در دوران گذشته و در سایه جهل و غفلت، حظّ کاذب خودنمایی به جوانان را به وسیله نیمه، حجاب، احساس کرده ام و از قصد و نیّت بسیاری از زنان و دختران بدحجاب امروز به خوبی آگاهم مگر زنان روستایی و ییلاقی که از روی سادگی و بی اطلاعی و چه بسا با خوش قلبی کاملی بدحجابی را پیشه خود کرده اند البتّه از آن موقعی که به اهمیت حجاب پی بردم به وظایف دینی خود خوب آشنا شدم و نیز به حساسیت امر واقف گردیدم بیشتر در این مورد حساس شدم. آنچه به نظرم میرسد وبرای خواهران عفیف دینی میتوانم توصیه کنم این است که: اگر ما حجاب را برای مصونیت خود برمی گزینیم، چه بهتر که حجاب کاملتر را برگزینیم که مصونیت بیشتری داشته باشیم. از این رو چادر میتواند نقش مهمی در مصونیت زن از نگاههای آلوده مردان داشته باشد. نکته ای که در آخر به نظرم رسید این است که حجاب میتواند بخصوص اگر از

روی آگاهی باشد، زن را به خیلی از اصول و موازین عقلی و شرعی دیگری معتقد کند و او را از گمراهیهای دیگر نجات دهد، از جمله اینکه میتواند او را تا حدی از احساس برتری ها و خودنمایی ها نجات دهد. همچنین میتواند منشأ ایجاد مهر و محبت و اُنس و اُلفت در بین جامعه شود، چرا که هر چه خودخواهی ها کاهش یابد در قبالش عواطف، تقویت خواهد شد، در حالی که برعکس، خود فساد، عامل کُشنده محبت و عاطفه انسانی است، چرا که مفاسد از رشد و تقویت غرایز و خودخواهی ها سرچشمه میگیرند. (۱۶۶)

خانم ب، الف خانه دار تبریز

... به هر حال، زن بی حجاب، چون ارتباط مستقیم با مرد اجنبی دارد لذا آن لطافت روحی خود را در تماس بیشتر از دست داده و آن عفت و پاکدامنی خود را در اثر کثرت معاصی نمی تواند حفظ، و یک نوع حالات و خصوصیات مردانه به او القاء میشود. اما زن با حجاب در وراء حجابش همیشه روح خود را در آرامی میبیند و عواطف و احساسات خود را فقط برای همسر و فرزندش معطوف و ابراز میکند و حیاء را پیشه خود میسازد، به طوری که از همسر خود نیز در بعضی از مواقع شرم دارد. حجاب زن در واقع سنگر اوست در مقابل تیرهای آلوده، که از چشمان پُر هوس هر مردی به او نشانه رفته. حجاب زن تیغ بُرنده ای است در مقابل هر مرد متلک گوی پست فطرت، و حجاب زن دیواری است از سیم های خاردار در مقابل دست آلوده مرد اجنبی که خواسته دامنش را بیالاید. و بالاخره حجاب زن مهد آسایش و آرامش روح اوست. با آنکه رنگ سیاه از رنگهای مکروه است، اما با وجود این برای زن مججّبه، زینت بخش است، به طوری که خداوند در نزد خویش برای زن که عصمت و عفت خود را حفظ میکند، اجر کریم قائل شده است، که در سوره مبارکه احزاب، آیه شریفه ۵۳، خداوند خطاب به مردان مؤمن، در مورد رفتار با همسران پیامبر میفرماید: زمانی که سؤال کردید از انسان چیزی را، پس سؤال کنید از ورای پرده، این کار شما پاکیزه تر است، هم برای قلبهای شما و هم برای قلوب آنها پس آیه شریفه این را میرساند که هر حجاب و حایل واقعی هم برای پاکی قلوب مردان بهتر هست وهم برای پاکی قلوب زنان، تا هیچکدام خصوصا مردان را به هوس نیندازد و آنان را به گناه آلوده ننماید (۱۶۷)

خانم ر، ح معلّمه تهران

به هر حال کلاس چهارم و پنجم گذشت و من از پدر و مادرم خواستم چادری نو، برایم بخرند، و با خود عهد کردم که در مدرسه جدید از ابتداء چادر سر کنم و چنین هم کردم و همین امر باعث جدا شدن من از دوستان سالهای قبلی ام شد و نیز جدا شدن راه زندگی ام. آنها کم کم دخترانی بی قید و بند و منحرف شدند و سر راه مدرسه به هر کس و ناکسی میخندیدند (هم از روی نادانی به عواقب کارشان و هم به علت بی خبری از حالات و احوال درونی مردان و جوانان، و شاید به قصد لذّت نفسانی خود) اما من سرم را پایین انداخته، رویم را محکم میگرفتم و به تنهایی به مدرسه میرفتم. و همین چادر، مرا از گمراهی که در اثر دوستی با آنها دامنگیرم میشد نجات داد. البته حجابم شُل و سفت میشد تا بعد از انقلاب، و هم اکنون (بخصوص بعد از آشنایی با حقایق) مانند یک حصار محکم بدان نیازمندم. در سایه آن احساس امنیت میکنم و به قول گروهی از بانوان مؤمنه حقیقی، چادر برای ما نه تنها سنگینی نیست، بلکه با آن احساس آرامش میکنیم اگر نگاه آلوده ای ما را تعقیب کند، با محکمتر گرفتن آن، او را از خود میرانیم و میفهمانیم که اجازه نامردی ندارد. (۱۶۸)

خانم م بانوی تازه مسلمان انگلیسی الاصل خانه دار مشهد

از زمانی که اینجانب به دین مقدّس اسلام مشرّف شدم، حجاب یکی از چیزهای با ارزشی است که از اسلام به دست آورده ام. لذا

از همان ابتداء سعی نمودم تا به طور کلی با قوانین اسلام مخصوصا قوانینی که شامل حال زنان میشود، آشنا شوم. در نتیجه پس از مطالعه و درک مسئله حجاب، آن را پذیرفته و تا حدودی احساس امنیت نمودم (احساسی که در زمان قبل از داشتن حجاب، خیلی کم با آن مواجه شده بودم) و بدینوسیله تصور کردم که میتوانم خود را از گزند دنیای ظالم و همچنین از جامعه ای که شخصیت زن در آن به اندازه ظاهر و بازوی او اهمیت ندارد، حفظ نمایم. با اینکه کاملاً به ارزش امنیت درونی که در من ایجاد شده بود پی نبرده بودم، ولی هیچ مشکلی قادر نبود که عقیده و تصمیم مرا در باره حجاب عوض نماید. با وجود اینکه پس از پوشیدن حجاب، اندکی از تحرک و راحتی من کاسته شده بود ولی در مقایسه با مشکلات قبل از حجاب، این موضوع نمی توانست برای من مهم جلوه نماید. همان طور که اشاره نمودم در جامعه ای که من متولد شده بودم، برای زنان جز یک پوسته خالی ظاهر، چیز دیگری باقی نمانده است. تمام زنان و یا حداقل بیشتر آنان میدانند که اسیر ظاهر خود گشته اند و با اینکه این اسارت، آنها را از پا درآورده است ولی چاره ای دیگر ندارند، زیرا در چنین اجتماعی (منظور اجتماع غرب) راهی دیگر برای آنها وجود ندارد. من به نوبه خود میدیدم که رفتار و لباس پوشیدن زنان غرب، همه چیز را از مسیر راست خود منحرف میکند. قبل از پوشیدن چادر، وقتی به خیابان میرفتم احساس میکردم که یکی از کالاهای عرضه شده در آن فروشگاهها میباشم. حتی در هنگام قدم زدن متوجه تماشاگرانی میشدم که مانند خریدار، به منظور ارضاء لذائذ نفسانی خود برای زنان بها تعیین مینمودند، و به این دلایل من خود را در حجاب محصور نمودم. پس از آمدن به ایران خداوند معلمین حقیقی را به عنوان یک موهبت و نعمت به من اعطا کرد که مسلما پیشرفت من بدون وجود آنها غیر ممکن بود... (۱۶۹)

خانم ب، ث متخصص مامایی از آمریکا دانشگاه مشهد

.. آنچه را اکنون از حجاب گرفتن در خود احساس میکنم این است که خیلی احساس آرامش و آسایش خیال، در خیابان و اجتماعات مینمایم و از اینکه از نگاههای زهرآگین مردان بی شرم بیشماری خود را محفوظ میبینم، از حجاب گرفتن خود بسیار خرسند میشوم و این در حالی است که هنوز در خانواده و ضمن معاشرت دوستان، رعایت حجاب از طرف من قبولش برای آنها مشکل است. ولی من در این مورد نه تنها با وجود تنها بودن در بین عده ای از معاشرین فامیلی، خود را ناراحت نمی بینم بلکه از خداوند متعال که توفیق داد آن را آگاهانه بپذیرم و همچنین از مسبّبین و مشوّقین دلسوزی که مرا با دلیل، به حجاب گرفتن دعوت نمودند (از جمله کتاب بهای یک نگاه! و نشریه مقدماتی نگاه پاک زن و نگاه های آلوده به او) بسیار ممنون و سپاسگزارم. اکنون وقتی زنی را که در اثر ناآگاهی، بی حجاب میبینم، دلم به حال او میسوزد و در صدد هستم به هر صورتی که ممکن شود، او را متوجه سازم که متمدن نشان دادن خود فقط در این نیست که با پیروی از مُدپرستی و جلب نظر دیگران و به صورت زننده ای آرایش کردن، جلوه شوی. من در گذشته، چه در ایران و چه در خارج، متوجه ناامنی ها و چشم چرانی های مردان به زنان بودم که چقدر موجب عذاب عده ای از دختران و زنان پاک قلب بوده و چه بسا اتفاقات ناگواری را که موجب هتک حرمت و رفتن آبروی خیلی ها میشد، دیدم یا شنیدم که شرح تفصیلی آن از حوصله این مختصر خارج است. به امید روزی که از هر جهت امنیت در جهان برقرار گردد (۱۷۰)

خانم الف، ب متخصص بیولوژی از آمریکا دانشگاه مشهد

... در اوقات مختلف با دوستان آمریکایی خود در این زمینه (حجاب) صحبت میکردیم و با کمال تعجب باید بگویم که آنها بیشتر از زنان در ایران از واژه حجاب مطلع بودند و توضیح میدادند که حتی الی سال پیش برای رفتن به کلیسا از روسری و کلاه استفاده میکردند. و زن جوان این پوشش را بر سر مادران خود به یاد میآورد. در مورد صحبت با یکی از این دوستان آمریکایی فقط همین

را بگویم که وقتی مسئله حجاب مطرح شد، او در یک جمله ساده گفت: من این قسمت از قوانین اسلام را خیلی میپسندم، چون که دیگر لازم نیست در زمان رعایت پوشش اجباری نگران نگاه شوهرم به سینه باز فلان خانم باشم.... و گاهی من ندانسته سؤال میکردم که چرا اینقدر در آمریکا زن و شوهر به هم مهربانند و دائما دستان یکدیگر را میگیرند: یعنی همیشه دست به دست هم داده، راه میروند و یا لااقل در انظار تظاهر میکنند، او در جواب میگفت که این دلیل مهربانی بآنها به هم نمی باشد، بلکه آنها از نگاههای آلوده به زوج خود و یا بعکس از طرف مقابل به دیگران نگرانند. این شواهد کم کم مرا از اهمیت رعایت حجاب با خبر میکرد... (۱۷۱)

خانم س، الف مدرّس دانشگاه تهران

... نمی خواستم در کوچه که راه میروم آنقدر شخصیتم پایین باشد که مورد پسند هر کس و ناکسی قرار گیرد و باران متلك ها به سرم فرود آید. حجاب، مرا از بسیاری از این ناامنی ها که در جامعه بود راحت کرد، دنبال سر افتادن ها و متلك ها و نگاههای ناجور و... خیلی خیلی کمتر شد. با انتخاب آن حجاب اولیه، احساس امنیت و بی نیازی از آن نگاههای آلوده و پست میکردم و از طرفی خود راحت بودم و آنها برایم بی اهمیت شده بودند.... با حجاب گرفتن و تکمیل آن، توفیقات خداوندی شامل حالم میشد. گویی راه، صاف شده بود، نماز و روزه و سایر وظایف، حلاوت و شیرینی پیدا کرد، حقایق و علوم را به راحتی یافته، با آنکه ظاهرا دنبال آنها میگشتم ولی آن سعی ناچیز کجا و آن همه نتایج کجا؟! (یعنی با اندکی تلاش، بیشترین سهم در درك علوم و حقایق نصیبم میشد). بعد از اولین قدمهای با حجاب شدنم، دیگر همه قدمها را تندتر بر میداشتم. پیشرفت در این مسیر و پیاده کردن حقایق خیلی با سرعت بود، ولی بعد از ۲ ۳ سالی که به همین منوال گذشت (البته باید تذکر دهم که پوششم، دائم کاملتر میشد تا اینکه در اواخر، مانتوی خیلی گشاد و تیره و روسری بزرگ میپوشیدم) ولی انگار مانعی در جلوی راهم بود. تا جایی رسیده بودم، ولی بیشتر نمی توانستم بروم و دائم احساس وقفه و رکود میکردم، تا اینکه چادر پوشیدم. این پوشش، بعد از یقین به بر حق بودنش، همه آثار مفید ذکر شده را به حدّ کمال خود داشت. امنیت و راحتی را واقعا حس میکردم. از طرفی از این که توانسته بودم وظیفه ای را انجام دهم و پشت پا به بسیاری از وابستگی های دنیوی بزنم، خود را آرام مییافتم... از طرفی در جامعه که حضور مییافتم در مقابل آن همه زشتی ها و نگاههای پست و آلوده به مقاصد ناپاک، خود را حامل زرهی مییافتم که از این حملات شیطان صفتان، مرا حفظ میکرد (۱۷۲)

خانم ل، ق معلّمه تهران

فکر میکنم زن اگر فطرتا سالم باشد و پیرو هوی و هوس و خودنمایی نباشد، دوست دارد که حجاب و حائلی بین او و مرد نامحرم وجود داشته باشد، حتّی اگر این حجاب در پایین ترین مرتبه باشد. یک روز در دبیرستان در کلاس دینی یکی از همکلاسی هایم در برابر سؤال معلم که در مورد حجاب بود. این مثال را آورد که: اگر دو تخم مرغ را در معرض جریان هوا قرار دهیم در حالی که یکی با پوست و دیگری بدون پوست باشد، آن تخم مرغ پوست کنده زودتر در برابر جریان هوا خراب و فاسد میشود، تا آن تخم مرغی که در زیر پوسته آن قرار دارد و مسلما افرادی که دارای ذائقه سالم باشند در انتخاب این دو تخم مرغ، به سراغ آن تخم مرغی میروند که با پوست باشد. زن هم همینطور است اگر زن بدون حجاب باشد، در برابر عوامل مختلفی که در جامعه وجود دارد، زودتر آن صفا و پاکی خود را از دست میدهد... من فکر میکنم همه زنان و یا لااقل اکثریت قریب به اتفاق آنان فواید ناشی از رعایت کردن حجاب را در جامعه میدانند، اما برخی به خاطر امیال و هوسها و خودنمایی های خودشان حاضر نیستند که آن را رعایت کنند. بهترین و بیشترین فایده ای که رعایت حجاب به ارمغان میآورد، همانا حفظ آرامش روحی برای زن است. یعنی همان

چیزی که زن به آن شدیدا احتیاج دارد بخصوص برای تربیت فرزندان لازم است و همینطور برای عدم دلهره و اضطراب... البتّه حجاب من قبلًا در حد استفاده از یک چادر معمولی و بدون مقید بودن به رو گرفتن بوده است، اما همان موقع به خاطر اینکه در میان دختران همسن و سال و بخصوص دختران فامیل تحقیر نشوم، از چادر متنفّر بودم و حجاب در حدّ معمولی را میخواستم رعایت کنم، اما همان موقع احساس میکردم که این افراد بی حجاب انگار چیزی کم دارند و احساس میکردم که آنها نمی توانند تکیه گاه محکمی برای من باشند و گاهی اوقات از آنها میترسیدم و اگر هم یکوقت، احساس عذاب وجدان و ناراحتی روحی میکردم و از خودم بدم میآمد. حجاب کامل من از وقتی بود که با حقایق و روح دین آشنا شدم و هر قدر بیشتر با این حقایق آشنا میشدم، علاقه من به حجاب و بخصوص به چادر بیشتر میشد... (۱۷۳)

خانم ز، ف معلّمه تهران

حجاب یکی از وسایلی است که امکان تحقق بُعد معنوی را برای زن فراهم میکند، بی حجابی یکی از مقدمات گرایش زن به بُعد غریزی میتواند به شمار آید و بخصوص در گرایش زن به بُعد عاطفی از طریق ایجاد حالات جلب توجه در برابر مردان، میتواند شخصیت او را وابسته به مرد ساخته، اسیر خواست او گرداند. شخصیّتش آن میشود که مرد خواهان آن است، و بدین لحاظ در جامعه هر روز به صورتی در میآید و به خودآرایی میپردازد تا در اجتماعات، بیشتر از سایرین (با توجه به بُعد غریزی) مورد توجّه مردان قرار گیرد (به جهت احتیاج به ارضاء بُعد عاطفی در خود). این مسئله یکی از اساسی ترین مسائلی است که مانع ترقّیات زن در بسیاری از ابعاد میتواند به شمار آید، از جمله: تحصیل علم و حتّی تکامل شخصیّت در این جهان... با توسّل به حجاب، از گوهر وجود خود میتوان محافظت کرد، چرا که با بی حجابی، تنها این مورد نیست که شخصیّتش به حد غریزی تنزل میکند، بلکه زن نیز احساس خفّت و خواری میکند. زن با حجاب احساس حقارت نمی کند، بلکه به عنوان یک شخصیّت مستقل به حساب میآید. اگر در محیطی با مردان ناسالم مواجه شود، مطمئن است که لااقل خود، موجد انحراف فکری نیست و حساب مردان ناپاک، پای خودشان است که به تناسب عدم تقوای مردان مختلف، سرکشی و معصیت شان پای خودشان نوشته میشود... (۱۷۴)

خانم ن، خ دبیر دینی تهران

... حجاب و پوشش است که خود بخود زن را در پایگاه محکم و استواری، از خطرات جدّی که او را تهدید میکند، حفظ و نگهداری مینماید. خطراتی که نه تنها جسم او را، بلکه تا اعماق روحش را نیز در برمی گیرد و از زن، یک موجود بی معنا و بی ارزش میسازد و زمانی که زن در نظر خود و دیگران موجود بی محتوا و بی ارزش تلقی شد، تن به هر پستی و ذلتی میدهد و خود را فدای شهوات و هوسهای هر فرد اسیر دربند اَماره میکند. هنوز خاطرات شوم وضعیت زنان در رژیم گذشته از یادها نرفته که به علت بی حجابی و عدم دسترسی به ایمان و تعالیم صحیح، تبدیل به عروسکهای کوکی شده بودند که کارشان از صبح تا شام این بود که پای آینه بنشینند و به سر و صورت خود ور روند، تا مورد توجه هر بی سر و پایی در محیط ادارات، گوی سبقت از یکدیگر بربایند و به جای کار و فعالیت سازنده، مردان همکار خویش را نیز با آرایشها و پوشش های محرّک از کار بیندازند و آگاهانه و ناآگاهانه خود را مورد طمع هر بیمار دلی قرار دهند و بالاخره مانند برّه ای در دست گرگ، با انواع حقه ها و حیله ها، گوهر عفت و عصمت را به رایگان از کف بدهند و به جای اینکه انسان باشند و انسانی زندگی کنند، تنها وسیله و ابزاری شدند در دست هر شیّادی که از او بهره برداری جنسی کند. اینجاست که حجاب و پوشش، زن را از طمع هر طمّاع و از مکر هر مکار، در امان نگه میدارد و ریشه بدبختی های زن و حتی مرد و جامعه بشری را میخشکاند و سلامت روحی زن و پاکی محیط و خانواده و جامعه را تضمین میکند و نطفه فساد و تباهی فرد و جامعه را که نگاههای هوس آلود به بدنهای نیمه عریان است از بدو تشکیل، از بین

میبرد... حجاب نقش مؤثری در جهت حفظ بنیان خانواده، پاکی و سلامتی روحیه ها و در امان نگه داشتن و آرامش و سکینه روح و روان انسانها دارد و جامعه را از خطر بیماریهای روانی حاصله از شکست در ماجراهای عشقی حفظ میکند، چرا که تجربه نشان داده که کم نبوده اند جوانانی که به علّت دل در گرو معشوق نهادن، و عدم وصال و منجر نشدنش به ازدواج، و خلاصه ناکامی در عشق، دست به خودکشی زده یا پناه به الکل و اعتیاد برده، سرمایه عمر را به ریگان از دست داده اند ویا دچار بیماریهای روحی و عصبی شده اند و یا در اثر این شکست، تحرک در درس و تحصیل و کار و فعالیت را از دست داده، به عنصری بیکار و ولگرد و طفیلی تبدیل شده اند. و نیز میتوان نقش مفید حجاب را از این دانست که زنان، خود بخود از پرداختن به شغلهای مبتذل و از بین برنده شخصیت و انسانیت از قبیل مانکن شدن یا در کاباره ها به رقص و آواز مشغول شدن و یا در ادارات ملعبه رئیس و هر مرد فاسدی گردیدن... مصون میمانند. البتّه آنچه که نباید فراموش کرد این است که قبل از حجاب ظاهری، زن و حتی مرد بایستی از حجاب باطنی و قبلی برخوردار باشند و قبل از همه، مراقب دل و نیت خود باشند و الاّ آن آثار مفید و مثبتی که از حجاب و پوشش مورد نظر است، بدون حجاب قلبی و باطنی به دست نخواهد آمد یا اثراتش کم میشود، پس نقش مفید حجاب، این است که زن قبل از اینکه از بُعد غریزی مطرح باشد، در وهله اول، انسان است و دارای گرایشها و استعدادهای عالیه انسانی، و شارع مقدس نیز همین را برای زن میخواهد که با قرار دادن پوشش برای زن، در اجتماع، زن را از بُعد معنوی و انسانی مطرح کند و از این طریق، شخصیت معنوی و ملکوتی زن را شکوفا کند... (۱۷۵)

خانم م، ز دانشجو تهران

.. به غیر از حجاب کامل، هر نوع حجابی به نوعی بر ناامنی زن میافزاید... زیرا حجاب ناقص هم، خود به نوع دیگری زن را جالبتر میکند. کسانی که حجاب کاملی ندارند و یا میخواهند توجیهی برای نوع حجابشان داشته باشند، میگویند که: حجاب مانع فعالیتهای اجتماعی میتواند باشد، و به عبارتی دست و پاگیر است. اما در بانوان با حجاب بسیاری، در مشاغل گوناگون، در سمت های مختلف و فعالیتهای اجتماعی متفاوت، (از قبیل: پزشک، مدّرس دانشگاه معلم و...) خلاف این موضوع به خوبی اثبات میگردد. سهل است که اگر مسئله حجاب برای آنها مطرح نبود، نمی توانستند به این اندازه و تا این حد در این فعالیت ها مؤثر باشند... و به علاوه زنان مؤمنه تحصیل کرده ای که مراعات حریم حجاب را میکنند، عملاً ـ از نظر مراتب معنوی و روحی و تقوی و تزکیه به ترقیّات بیشتری نائل میگردند تا بانوانی که در آن شرایط و با همان امتیازات عقلی و علمی، بدحجابی را (که خود نوعی تمرّد از حریم دین و سرکشی به اوامر الهی بوده و با مقام تسلیم و رضا منافات دارد) برای خود پیشه ساخته اند، زیرا در آن حال بهتر میتوانند نظر مردان هوسباز را به خود جلب کنند و عامل مؤثری در کشاندن مردان به معصیت به شمار رفته، خود شریک معاصی دیگران به شمار روند و در نتیجه از ترقیّات روحی و معنوی (به علّت عدم تقوی) محروم بمانند... (۱۷۶) ------------------

-- (۱). سوره نور: آیه ۳۰. (۲). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۲۲. (۳). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۲۸. (۴). همان مدرک. (۵). فروع کافی: ج ۵، ص ۵۱۹ / حجاب برتری: ص ۵۷. (۶). بحارالانوار: ج ۱۰۳، ص ۲۴۹ / حجاب برتر: ص ۶۳. (۷). سنن ترمذی: ج ۳، ص ۲۷ / حجاب برتر: ص ۷۳. (۸). مجمع البیان: ۷/۲۲ / حجاب برتر: ص ۹۱. (۹). نهج الفصاحه: ۳۶ / فلسفه حجاب: ۱۳۵. (۱۰). سنن ابی داود: ۲/۶۸۵ / فلسفه حجاب: ص ۱۳۶. (۱۱). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۴۳/۱۴۲ / فلسفه حجاب: ص ۱۳۷. (۱۲). همان مدرک. (۱۳). پوشش زن: ۱۹ / فروع کافی: ۱۹۵. (۱۴). شهاب الاخیار / داستان زنان: ۱۱. (۱۵). گوهر صدف: ۳۹ / مستدرک حاکم: ۴۳۶. (۱۶). کنزالعمال: ۱۶/۳۷۹ / گوهر صدف: ۴۰. (۱۷). مستدرک الوسائل: ۲/۵۴۹، / آنچه باید یک زن بداند: ۱۶۳. (۱۸). نهج البلاغه: نامه ۳۱ / حجاب برتر: ۵۶. (۱۹). بحارالانوار: ۸۳/۱۸۳ / حجاب برتر: ۶۰. (۲۰). ثواب الاعمال: ۲۰۱ / بحار: ۱۰۳/۲۴۳/ / حجاب برتر: ۶۶. (۲۱). بحارالانوار:

۱۰۳/۲۴۳ / حجاب برتر: ۶۷. (۲۲). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۹ / حجاب برتر: ۷۷. (۲۳). حجاب بیانگر شخصیت زن: ۷۷. (۲۴). فروع کافی: ۵/۱۹ / حجاب برتر: ۵۷. (۲۵). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۳۴ / فلسفه حجاب برتر: ۱۳۸. (۲۶). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۶۳ / فلسفه حجاب. (۲۷). بحارالانوار: ج ۸، ص ۳۰۹، روایت ۷۵، باب ۲۴. (۲۸). خواهرم حجاب سعادت است: ۱۴. (۲۹). فروع کافی: ج ۵، ص ۵۲۹. (۳۰). بحارالانوار: ۴۳/۵۴ / حجاب بیانگر شخصیت زن: ۱۱۷. (۳۱). روزنامه رسالت: ۲/۳/۶۶ به نقل از روزنامه ملیّت چاپ آنکارا / حجاب بیانگر شخصیت زن: ۱۲۳. (۳۲). نقش حجاب در پیشرفت جامعه: ۴۵. (۳۳). نقش حجاب: ۳۴. (۳۴). نقش حجاب در پیشرفت جامعه: ۳۱. (۳۵). نقش حجاب در پیشرفت جامعه: ۲۵. (۳۶). ملحق روزنامه لبنانی النهار: سال ۱۹۷۲ م. (۳۷). نقش حجاب: ص ۳۸. (۳۸). نقش حجاب: ۳۶. (۳۹). مجلّه Sciencediyest: ص ۴۵، سپتامبر ۹۶۷. (۴۰). در جستجوی خوشبختی: ۳۶. (۴۱). آئین زندگی: ۱۸۲. (۴۲). مجله خواندنیها: شماره ۵۴۸. (۴۳). فلسفه حجاب: ۵۲. (۴۴). بنقل از مجله خانواده ارتشی شماره ۶۷ آذر ۶۵. (۴۵). کیهان: ش ۱۳۵۸۶ ۲۲/ ۱/ ۶۸. (۴۶). جمهوری اسلامی: ۲۳/۹/۶۴. (۴۷). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۷۶. (۴۸). تمثیلات جلد اول ۱۲۱. (۴۹). تمثیلات ج ۲ ص ۱۳۹. (۵۰). تمثیلات ج ۲ ص ۱۳۹. (۵۱). تمثیلات ج ۲ ص ۱۴۰. (۵۲). مجله پجئت ژوئن ۱۹۶۵ ص ۳۱ شماره ۱۲. (۵۳). عوامل فساد ۸۵. (۵۴). عوامل فساد ۸۵. (۵۵). مجله زن روز ش ۱۰۵. (۵۶). فلسفه حجاب ۵۸. (۵۷). مساله حجاب ۷۸. (۵۸). فلسفه حجاب: ۶۳. (۵۹). انسان موجود ناشناخته ص ۱۵۶ و ۱۲۷. (۶۰). آئین زندگی ص ۴. (۶۱). فسلفه حجاب ۵۰. (۶۲). احزاب: ۵۳. (۶۳). مبانی جرم شناسی ج ۲. (۶۴). فلسفه حجاب ۴۸. (۶۵). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۷۶. (۶۶). فلسفه حجاب ۵۹۰. (۶۷). احزاب: ۵۹. (۶۸). فسلفه حجاب: ۳۴. (۶۹). روح بشری: ص ۲۱۱. (۷۰). فلسفه حجاب ۳۷. (۷۱). فلسفه حجاب ۴۰۰. (۷۲). فروع کافی ج ۵ ص ۲۳۵ و ۲۳۴. (۷۳). فلسفه حجاب ۴۱. (۷۴). فسلفه حجاب ۴۲. (۷۵). حجاب بیانگر شخصیت زن ۸۵. (۷۶). پاسداران حجاب صفحه ۳۵. (۷۷). همان: ص ۲۵. (۷۸). همان: ص ۳۶. (۷۹). همان: ص ۳۶. (۸۰). همان: ص ۴۳. (۸۱). همان: ص ۴۴. (۸۲). همان: ص ۴۹. (۸۳). همان: ص ۵۰. (۸۴). همان: ص ۵۳. (۸۵). همان: ص ۵۴. (۸۶). همان: ص ۵۶. (۸۷). زن از دیدگاه اسلام صفحه ۱۵. (۸۸). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۸۹. (۸۹). حجاب بیانگر شخصیت زن ۹۳. (۹۰). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۹۳. (۹۱). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۱۱۸. (۹۲). حجاب بیانگر شخصیّت زن: ص ۱۲۱. (۹۳). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۳۰ (۹۴). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۱۳۳. (۹۵). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۱۳۶. (۹۶). اقتنابس از تاریخ ۲۰ ساله ایران ج ۴ ص ۲۸۴ ظهور و سقوط پهلوی ج ۱ ص ۶۸ و ۶۹. حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۱۳۷. (۹۷). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۱۴۱. (۹۸). پوشش زن در اسلام: ص ۴۸. (۹۹). پوشش زن در گستره تاریخ ص ۷. (۱۰۰). پوشش زن در گستره تاریخ ص ۸۸. (۱۰۱). پوشش زن در گستره تاریخ ص ۱۱۹. (۱۰۲). نکاتی از شخصیت اسلامی زن صفحه ۲۲. (۱۰۳). یکصد داستان خواندنی ۴۳. (۱۰۴). مثلها و پندها: ۸/۱۰۱. (۱۰۵). همان مدرک. (۱۰۶). مثل ها ۸/۱۸. (۱۰۷). لطیفه ها و خاطره ها: ص ۱۰۲. (۱۰۸). آنچه باید یک زن بداند. (۱۰۹). آنچه باید یک زن بداند: ص ۲۱۲. (۱۱۰). حجاب از نظر آیات و روایات و عقل: ص ۲۲۵. (۱۱۱). فلسفه حجاب: ص ۷۰. (۱۱۲). فلسفه حجاب: ص ۷۵. (۱۱۳). فلسفه حجاب: ص ۸۱. (۱۱۴). سوره اعراف آیه ۲۷. (۱۱۵).(نور ۲۰) (۸۴ فلسفه حجاب). (۱۱۶). فلسفه حجاب: ص ۸۶. (۱۱۷). فلسفه حجاب: ص ۹۳. (۱۱۸). فلسفه حجاب: ص ۹۶. (۱۱۹). فلسفه حجاب: ص ۱۰۱. (۱۲۰). فلسفه حجاب: ص ۱۰۴. (۱۲۱). فلسفه حجاب: ۱۱۴. (۱۲۲). فلسفه حجاب: ۱۱۸. (۱۲۳). فلسفه حجاب: ص ۱۲۱. (۱۲۴). بحار / ۱۰۳ / ۲۵۰. (۱۲۵). کلمهٔ الرسول ۴۴۹. (۱۲۶). فلسفه حجاب ۱۳۵. (۱۲۷). ناسخ التواریخ: ۲. (۱۲۸). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۸۵. (۱۲۹). سنن ابن داوود ۲/۶۸۵. (۱۳۰). سنن ابن داوود ۱/۱۰۹. (۱۳۱). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۴۲ و ۱۴۳. (۱۳۲). همان مدرک: ۱۴۳. (۱۳۳). کلمهٔ الرسول: ۴۱۳. (۱۳۴). وسائل الشیعه ۱۴/۱۷۳. (۱۳۵). وسایل الشیعه ۱۴/۱۴۳. (۱۳۶). تحریر الوسیله ۲/۲۴۵. (۱۳۷). وسایل ۱۴/۱۷۳. (۱۳۸). وسایل ۱۴/۱۶۳. (۱۳۹). بحار ۲۵۸/۱۰۳. (۱۴۰). فلسفه حجاب: ص ۱۳۳. (۱۴۱). خودکشی: ص ۱۵. (۱۴۲). خودکشی: ص ۶۵. (۱۴۳).

خودکشی: ص ۷۳. (۱۴۴). تمثیلات: ج ۲ ص ۱۴۰. (۱۴۵). خودکشی: ص ۸۶. (۱۴۶). چشم، نگاه و چشمک: ص ۴۹. (۱۴۷). خودکشی: ص ۱۸۳. (۱۴۸). خودکشی: ص ۱۵۳. (۱۴۹). خودکشی: ص ۱۵۸. (۱۵۰). گوهر صدف: ص ۴۸. (۱۵۱). گوهر صدف: ص ۵۴. (۱۵۲). گوهر صدف: ص ۵۵. (۱۵۳). همان: ص ۵۷. (۱۵۴). همان: ص ۵۸. (۱۵۵). همان: ص ۵۹. (۱۵۶). همان: ص ۶۰. (۱۵۷). همان: ص ۵۸. (۱۵۸). چشم، نگاه و چشمک: ص ۳۸. (۱۵۹). چشم، نگاه و چشمک: ص ۴۱. (۱۶۰). وسائل ۷/۱۰۹. (۱۶۱). چشم، نگاه و چشمک: ص ۵۲. (۱۶۲). چشم، نگاه و چشمک: ص ۱۸۲. (۱۶۳). بلوغ و غریزه جنسی: ص ۱۴۵. (۱۶۴). بلوغ و غریزه جنسی: ص ۱۶۴. (۱۶۵). دکتر احمد صبور اردوبادی، آئین بهزیستی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ دوم، جلد سوم، ص ۲۱۹. (۱۶۶). همان کتاب، ص ۲۲۵ تا ۲۲۷. (۱۶۷). همان کتاب، ص ۲۴۷ تا ۲۴۸. (۱۶۸). همان کتاب، ص ۲۴۸. (۱۶۹). همان کتاب، ص ۲۱۴. (۱۷۰). همان کتاب، ص ۲۱۵ ۲۱۶. (۱۷۱). همان کتاب، ص ۲۱۷. (۱۷۲). همان کتاب، ص ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹. (۱۷۳). همان کتاب، ص ۲۲۹ ۲۳۰. (۱۷۴). همان کتاب، ص ۲۳۸ ۲۴۰. (۱۷۵). همان کتاب: ص ۲۷۰ ۲۷۱. (۱۷۶). همان کتاب، ص ۳۰۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات

شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹